تصویر ابو عبد الرحمن الکردی

نقش خانواده در عفاف و حجاب



دکتر حسنعلی میرزاییگی

اعظم غیاثوند

بسم الله الرحمن الرحیم

نقش خانواده

در عفاف و حجاب

دکتر حسنعلی میرزابیگی

اعظم غیاثوند

سرشناسه :میرزا بیگی، حسنعلی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور :نقش خانواده در عفاف و حجاب/ مولفان حسنعلی میرزابیگی، اعظم غیاثوند.
مشخصات نشر :تهران: آوامتن، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری :۱۲۴ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵س‌م.
شابک : 978-964-2673-90-2
وضعیت فهرست نویسی :فیپا
یادداشت :کتابنامه: ص. ۱۲۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع :حجاب
موضوع :حجاب اسلامی
موضوع : حجاب -- احادیث
موضوع :حجاب -- جنبه‌های قرآنی
شناسه افزوده :غیاثوند ، اعظم ، ۱۳۵۲، پدیدآور
رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷م۸۸۳۵ن۷ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی :۲۹۷/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۰۳۷۳۶



مؤسسه نشر

نقش خانواده در عفاف وحجاب

مؤلف: دکترحسنعلی میرزا بیگی /اعظم غیاثوند

شمارگان : ۳۰۰۰ ■ قیمت ۴۵۰۰ تومان

چاپ اول: پاییز ۹۱ ■ چاپ و صحافی: فرشیوه

978-964-2673-90-2 ■ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۷۳-۹۰-۲

تلفن دفتر نشر آوا متن: ۶۶۹۶۴۱۶۶

شماره تماس با مؤلف:۰۹۱۲۲۳۳۴۵۲۰

فهرست مطالب

این بار قلم به دست گرفته‌ام تا در مورد یکی از حیاتی‌ترین مسائل جامعه که دچار ابهام و پیچیدگی شده است بنویسم، با اینکه میدانم نظر دادن در این مورد بسیار سخت و دشوار است. چگونه باید نوشت که ذهن خواننده را خسته و درمانده نکند زیرا اگر بخواهیم به سخنان دیروز و استخراج شده تاریخ اکتفا نمایم که دلیلی برای نوشتن نیست. زیرا همه می‌دانند، کتاب‌های متعددی درباره آن چاپ گردیده-است. اگر بخواهیم به آیه‌های قرآن و احادیث اشاره نمایم، بارها و بارها از طریق متولیان دینی و رسانه‌ها شنیده شده‌است. پس مجبورم چنان بنویسم که اولیاء گرامی بتوانند با تجزیه و تحلیل و استنباط منطقی آن را به فرزندان خود آموزش دهند، یعنی آنچه را که بزرگان دینی و علمی گفته‌اند را باید متناسب با نیاز جامعه امروزی بنگاریم، چرا که دختران امروزی، دیگر نیازی به نصیحت و تکرار مباحث ندارند و اصلا گوش هم نمی‌دهند، زیرا اگر گوش میدادند باید از بی‌حجابی‌های ما کاسته می‌شد ولی امروز شاهدیم که روز به روز بر بی‌حجابی‌های ما با سرعت فراوان افزوده می‌شود و حتی در بعضی از خانواده‌ها آن قدر سرعت بی‌حجابی زیاد شده است که با حجاب‌ها کم‌کم کنار گذاشته می‌شوند و به یک عنصر قدیمی بازمانده از قرن قلمداد می‌شوند و مادران و پدران هم دیگر قدرت ندارند که بخواهند آموزش بدهند زیرا هر راهی را پیش گرفته‌اند کارساز نبوده است و حیران مانده‌اند که چکار کنند، فقط یک راه مانده است و آن هم تسلیم در برابر رویدادهای جامعه و اصرار فرزندشان، آری حقیقت امر این است، نمی‌شود کتمان کرد چیزی که انسان عینا در کوچه و خیابان می‌بیند و نمی‌تواند انکار کند. آیا این دختران امروز، مادران فردا هستند؟ پس وای از فردا که چه خواهد شد!!! باید راهی از بین هزاران راه رفته جستجو کرد و تحقیقاتی را انجام داده و برنامه‌ریزی مطابق با علم روز انجام داد، زیرا **حضرت علی (ع) می‌فرمایند« فرزندان خودتان را مطابق با زمان خود تربیت کنید»** ولی ما در زمان حال زندگی می‌کنیم حرف‌های زمان گذشته را می‌خواهیم در ذهن کسی بریزیم که می‌خواهد برای آینده زندگی کند

مسلم است که اصلا تطبیق نمی‌کند و نه پذیرا خواهد بود و نه جاذبه خواهد داشت و من دلسوزانه و صادقانه می‌گویم گرچه تلخ باشد به قول فرمایشات مرحوم شهیدبهشتی که فرمودند «**من تلخی برخورد صادقانه را بر شیرینی برخورد منافقانه ترجیح می‌دهم**» دیگر امروز نمی‌شود به دختران گفت که از ترس جهنم حجاب داشته باشید. اصلا گوش به این حرف‌ها نمی‌دهند و تمام کسانی که امروزه متولیان دینی و تعلیم و تربیت هستند اگر در این مورد قصور کرده باشند فردا باید در برابر خداوند بزرگ پاسخگو باشند. پس بیندیشیم همه با هم راهکاری پیدا کنیم چون یک سوآل صدها پاسخ دارد ولی باید بگردیم تا پاسخ بهتر را پیدا کنیم من هم شاید با مطالعه بسیار زیادی از بین ده‌ها کتاب، مقاله، تحقیقات باز نتوانم به نیاز فعلی جامعه پاسخگو باشم، ولی در توان علمی خودم مطالبی را بیان می‌کنم و از همه راه‌ها وارد می‌شوم تا دلیل قانع کننده‌ای داشته باشیم، تا اگر فردی دیدگاه مذهب در این مورد خواست با مذهب جوابگو باشیم و اگر کسی دلیل علمی بخواهد با علم جوابگو باشیم، اگر کسی دلیل پژوهشی می‌خواهد، با پژوهش جوابگو باشیم اگر کسی دلیل عرفی خواسته باشد، همین طور یا دلیل منطقی. لذا چاره‌ای نداریم که بنویسیم. امیدوارم تا خدایمان کمک کند و مقبول همگان واقع گردد. شاید باورنکنید از بین صدها سمینار و همایش که من داشته‌ام، جلسه‌ای نبوده که در آن سوالی در خصوص حجاب مطرح نشده باشد.

اول باید کلمه حجاب را معنی کنیم بعضی‌ها تا صحبت از حجاب می‌شود فکر می‌کنند چادر و پوشش یعنی حجاب، مثل این است که صحبت آب می‌شود، نه یک لیوان آب، صحبت از آب اقیانوس است! حجاب یک اعتقادات و یک تفکر است. بینشی است که در آن قداست خانواده نهفته است. حجاب شروع افتخار آیین ورود به انسانیت است که پایان ندارد. می‌خواهم از کمال و انسانیت، صداقت، خوبی‌ها، صفا و ارزشمندی، طراوت و زندگی صحبت کنم، می‌خواهم دیوار بلندی در مقابل ورود پلیدی‌ها به ذهن یک انسان را بنویسم. آنچه مدنظر ماست روح

حجاب است که میوه‌اش آن قدر شیرین و زیباست که شاید به بلندای تاریخ بشریت باشد. می‌خواهم از یک تحول و یک تغییر صحبت کنم، تغییر تفکرات ناسالم به تفکرات سالم و مطلوب که تغییر این تفکر خود زیرساخت بهترین وقار و متانت است.

می‌خواهم به دختران صادقانه بگویم که منظور از حجاب دیوار بین زن و مرد نیست یا انزوا طلبی و گوشه نشینی زن نیست بلکه حجاب برای دختران، مساوی با عزت و افتخار و قدرتمندی در جامعه و پذیرش این که ما مثل شیر در میدان آمده‌ایم و جنس دوم نیستیم و ما هم می‌توانیم!

حجاب یعنی چه؟

حجاب یعنی پذیرش ارزشمندی، حرمت، کرامت و عزت و سرافرازی بر قامت انسان‌های بزرگ که خود باید با فکر زیبا و اندیشه زیبا بپذیرند که ما ارزشمندترین موجود تاریخ هستیم. حجاب مانع از نشاط و شادکامی نیست بلکه یک کنترل و خودیابی و جلوگیری از سقوط از قله بلند انسانیت است. علت لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه این است که محبوبیت زن بیشتر شود، اگر نگاهی به آنچه در جهان هستی وجود دارد بیندازیم متوجه می‌شویم هر چیزی که ارزشمند است در پوشش قرار دارد. انسان یک موجود برتر و بهترین خلقت خداست. شاهکار خلقت خداوند مغز انسان است که حاکم تمام وجود او است. خداوند بزرگ مغز را در جمجمه‌ای محفوظ کرده است، چون اگر کوچکترین آسیبی ببیند اعضای انسان از کار میافتد و ناقص می‌شود. انسان‌های بزرگ و ارزشمند در هر جای جهان که باشند امنیت آن‌ها را محافظانی برعهده دارند، زیرا این انسان جایگاهش مهم‌تر و با اهمیت‌تر از دیگران است. در هر خانواده‌ای که طلا یافت شود آن را در امن‌ترین مکان پنهان می‌کنند. دُر در صدف است و صید آن دشوار. خلاصه این که هر چیز ارزشمند که در جهان هستی و طبیعت مشاهده می‌کنید در پوششی قرار گرفته-

است. حال می‌توان فهمید که چرا باید جسم و اندام زن در پوشش باشد، زیرا جسم لطیف و ارزشمند زن همانند گوهری است که نباید دید و چشمان مردان ناپاک هر روز و همه جا نظاره‌گر آن باشند. لذا در هیچ جا و هیچ نقطه‌ای نباید زن ارزش خود را از دست بدهد، باید آن قدر در خفا و در پوشش باشد که یک مرد برای به دست آوردنش رنج و سختی بکشد و با اجازه قانون و شرع اسلام بتواند این گوهر را مشاهده کند، چون بسیار گرانبهاست. و اگر که این جسم لطیف در جلو دید همگان قرار گیرد کم‌کم از موزه ارزشمندی به موزه عمومی می‌رسد و به تدریج جایگاه ارزشی خود را از دست می‌دهد.

ارزش داشتن زن را باید در تفکر ماهرانه و غریزی زنان جستجو کنیم، زیرا این تفکر را زن برای حفظ موقعیت و ارزش خود به کار برده است، چرا که زن در تنها جایی که می‌تواند مرد را شکست دهد همان فریبندگی و زیبایی اوست که هر چه زن دورتر می‌شود مرد تلاش بیشتری می‌کند. در ضمن مرد در عمق روح خویش از ابتذال زن و از تسلیم رایگان او متنفر است. مرد همیشه عزت و استغنا و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است.[۱]

برتراند راسل می‌گوید: از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی بتوان به زنان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون این که غیر ممکن گردد.

و استاد مطهری در کتاب مسئله حجاب به نقل از یکی از مجلات زنانه از "آلفرد هیچکاک" بیان می‌کند که می‌گوید « من معتقدم که زن باید مثل فیلم پرهیجان و پر آنتریک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری وادارد.» باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند یعنی کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف

---

[۱]. استاد شهید مطهری، مسئله حجاب ص ۲۰

آن ها بیشتر به خود زحمت بدهد. زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبنده‌ای که به کار می‌بردند خود به خود جذاب می‌نمودند و همین مساله جاذبه نیرومندی به آن‌ها می‌داد، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده بود از میان می‌رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم‌کاسته می‌شود. بدین جهت است که امروزه شاهد خلأ عشقی و مودت هستیم و به ندرت شاهد عشق‌های درونی و عمیق هستیم. دیگر هیچ پسری مانند پسران دیروز آن قدر خودش را فدای عشق نمی‌کند، چون آن قدر عشق آسان شده است که دیگر در پی آن نباید رنج و تلاش کشید و نیازها، آن قدر راحت مرتفع می‌گردد که در طلب آن رنجی نشاید. و این دلیل است که متوجه می‌شویم، حجاب محدودیت نبوده و باعث جاذبه به نفع زنان بوده است. آری هر چیزی حتی برترین چیزها به وفور در دید همگان قرار گیرد سیری ایجاد می‌کند و وقتی سیری ایجاد کرد، دیگر بهائی ندارد و نباید به دنبالش رفت و روی آن سرمایه‌گذاری کرد. این است که وقتی سیری به مردان دست داد و در کوچه و خیابان هزاران زن و دختر را بی‌حجاب و بدحجاب مشاهده کردند برایشان عادی می‌شود و دیگر زن آن جایگاه اصلی خود را از دست می‌دهد و به موجودی بی‌بها تبدیل می‌شود. آن‌هایی که برای اولین بار دختر با حجابی را مشاهده می‌کنند به خواستگاری او می‌روند و لحظه شماری می‌کنند که چه زمانی می‌تواند موها و بدن و همسر آینده‌اشان را ببینند و آن قدر برایشان جذاب و عجیب است که شاید بالاترین اوج زیبایی و لذت است. ولی وقتی این دختر را با بدترین وضعیت در کوچه و خیابان دیده باشند دیگر تنوعی و جذابیتی وجود ندارد. و میل به زن و دوستی کم می‌شود و چون میلی ندارد روز به روز سن ازدواج بالا می‌رود و زمانی احساس نیاز می‌کند که فقط تنها در زندگی نباشند و دونفر باشند و گرنه لذت اولیه دیگر مشهود نیست و هر روز شاهد این هستیم که هر چه حجاب کمتر می‌شود، فساد بیشتر می‌شود و ازدواج هم کمتر

می‌شود، و طلاق افزایش می‌یابد. حدود ۳۰ سال پیش را اگر یادتان باشد آن قدر ازدواج برای یک جوان حیاتی و ارزشمند بود که جوان احساس بزرگی و فخر می‌کرد ولی امروز آنچنان جذابیتی وجود ندارد. در صورتی که این انسان که مخلوقی است دارای آغاز و انجام مشخص و شفاف، همراه با مسئولیت برای خود و زندگی و خداست باید با آرامش روحی و روانی و با هدایت فطرت خود در مسیر سالمی حرکت کند و به جایگاه شخصیتی خویش دست یابد و به سعادت و سربلندی برسد. پوشش زن برای انسانیت و تکامل یافتگی به سوی خداست. و حجاب اسلحه‌ای است که برای زنان حق بوجود می‌آورد و برای مردان حد. زیرا پوشش یعنی تشخص و ارجمندی که حق زنان است و به مردان اجازه نخواهد داد از حد خود عبور کند و از مرز خویش بگذرند، چون این موجود آنچنان بزرگوار و با کرامت است که اعضای او امانت بزرگی که خداوند به او هدیه داده و بنا به دستور خداوند باید از آن محافظت کند و به خاطر همین است که تمام مردان بزرگ تاریخ در برابرش ذوب می‌شوند و آن زنی را انتخاب می‌نماید که از همه بیشتر در پوشش و ارزش قرار گرفته باشد و بزرگترین افتخار مردان همین است که اظهار عشق را از عمق وجودشان نثارشان می‌کند. ولی زنانی که چون کالا در ویترین خیابان‌ها می‌چرخند و چشم‌های هزاران جوان را به خود جذب می‌نمایند، برای شوهر آن‌ها هیچ جذابیتی ندارد. در این راستا رسول خدا (ص) می‌فرماید:« **هر زنی که برای غیر از شوهرش خودش را خوشبو کند و آرایش نماید خداوند نماز او را قبول نمی‌کند تا این که برای پاک ساخته از آن غسل نماید مثل این که غسل جنابت می‌کند[1].**»

خلاصه مطلب این که با ظرافت بسیار کامل و یک احترام خاص و ویژه و با مهارت کامل باید برای دختران ارزش حجاب را بیان نمود. باید خودش بفهمد که ارزشمند است نه این که از روز اول خانواده در حکم یک دیکتاتور عمل کند و از

---

[1]. ثواب الاعمال ص ۵۱۰

بایدها استفاده کند و آنچه من می‌گویم را ملاک کار قرار دهد و چنان زیبایی حجاب را در ذهن دخترش بد و خشن جلوه دهد که تمام آرزوی دختر این باشد که یک روزی چادر و پوشش را بردارد. مشاهده شده دخترانی از این نوع تا سوار هواپیما می‌شوند و از فضای کشور خارج می‌گردند، چادر را پرت می‌کنند و یک آهی از ته دل می‌کشند. انگار در یک هوای تازه قرار می‌گیرند و حتی به خود افتخار می‌کند و مباهات می‌ورزند، چرا؟ این‌ها به زور و بدون شناخت و بنا به دستور پدر و مادر حجاب‌دار شده‌اند و بوده‌اند. دخترانی که خارج ازکشور در میان هزاران زن بدحجاب چون ستاره‌ای با پوشش اسلامی درخشیده‌اند و سربلند و پیروز، حجاب مایه افتخارشان بوده است. دقیقاً همانند موردِ همان دختر ایرانی که با چادر و حجاب به یکی دانشگاه‌های خارج از کشور راه ندادند، او چگونه رفتار کرد، او با کمال عزت و سربلندی گفت: «درس را می‌شود در کشور با تلاش ادامه داد ولی عزت از دست رفته دیگر برنمی‌گردد! وقتی اینجا در بین هزاران جوان بیگانه جسم خود را در آماج دید آنها قرار دهم این افتخار برگشت ناپذیر است».

چرا اینگونه دختران در هر جایی به زور هم شده، لباس شرافت خود را به دیگران نمی‌فروشند؟ زیرا با دلیل و شناخت فهمیده‌اند که این دُر گران‌بهایی که در زیر چادر پنهان است، چقدر بهایش سنگین است و نباید به راحتی مورد تاراجِ دید همگان قرار گیرد. تمام این موارد مستلزم پذیرش مبنای زیر ساخت های دینی با انگیزه و اشتیاق و شناخت کامل است. هر امری را انسان با شوق و انگیزۀ زیاد آموزش دهد، پذیرش بیشتری دارد شاید بارها دیده باشید، فرزند شما که نمره ریاضی بسیار بالا می‌گیرد و در کلاس ریاضی شوق و ذوق زیادی دارد، عاشق دبیر ریاضی می‌شود و تمام الگوی رفتاری او برایش مهم است زیرا او را دوست دارد و توانسته است با رفتار خوب در این دانش‌آموز نفوذ کند. برعکس دیده می‌شود که دانش آموزی از دبیر ورزش که ساده‌ترین و شیرین‌ترین درس است، نفرت و انزجار دارد. همۀ این موارد و پذیرش این رفتارها به خاطر رفتار شخص

آموزش دهنده است شما پدر و مادر عزیز آگاه هستید فرزند خودتان را خوب می‌شناسید، او را بزرگ کرده‌اید فکر کنید چگونه می‌توانید در او نفوذ کنید بعضی از بچه‌ها با مهربانی، بعضی‌ها با تشویق. خلاصه «در دل دوست به هر حیله و راهی باید جست» این‌ها راز و رمز می‌خواهد و اگر پذیرش هر چیزی چه نماز، روزه، ادب، پوشش، با عشق و علاقه و آگاهانه باشد دیگر سطحی و مصلحتی نخواهد بود و دیگر با توجه به فضاها تغییر نمی‌کند.

در نهایت سعی‌کنید آمیزه‌ای با عشق و زیبایی باشد. روزی یکی از دختران حضرت امام(ره) به ایشان گفت:« فرزندم را صبح زود از خواب بیدار کردم نماز بخواند» ایشان فرمودند:« کار خوبی نکردی زیرا آرامش خواب را از او گرفتی» ببینید چقدر روان‌شناسانه باید با این قضایا برخورد کرد. و این رفتارها هیچ وقت و در هیچ موقعیتی حتی با گذر زمان از بین نخواهد رفت پدر و مادر و آموزش و پرورش و صدا و سیما باید همه متحد شوند، با اصول کاربردی، چنین کاری را انجام دهند شما خود شاهد هستید تمام دختران در ۹ سالگی جشن تکلیف می‌گیرند، مقنعه بر سر می‌کنند ولی تا بچه هستند. بعد از این که بزرگتر می‌شود دیگر همهٔ آن‌ها پایبند به تکالیف عمومی در مدرسه نیستند همان‌هایی هستند که در خیابان‌ها می‌بینند این همه دانش آموز پاک و معصوم و بی‌گناه، که درکلاس درس مدرسه دخترانه هم مقنعه‌اش را از روی سرش بیرون نمی‌آورد و حیا داشت و خجالت می‌کشید، چطور شده که امروزه اینگونه در کوچه و خیابان پوشش بدی دارد و اگر او را رها کنی از این هم بدتر خواهد شد. پس باید باور کرد کار درست نشده است هر از گاهی بعضی‌ها به فکر افتاده‌اند، ولی نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند. تعالیم اسلامی، و پذیرش آن تخصص و مهارت می‌خواهد نه زور و اجبار و تنبیه و قهر و انزجار طلبی و کسر نمرهٔ انضباط. باید تغییر اندیشه داد تا تغییر انگیزه خود ایجاد گردد و از ظاهر به بطن و توی سر برود و از باید و نبایدهای تکراری و خسته

کننده به دنیای شادی و شعف و صفا قدم گذاشت. در مناسبت‌ها خواهرانی که به محضر امام(ره) می‌رسیدند، اصرار داشتند که بدانند آیا ایشان لازم می‌دانند که چادر داشته باشند یا با مانتو حجاب شرعی را رعایت کرده‌اند. در عمل نشان داده شده بود که اگر خواهری با مانتو و یا غیر از چادر می‌آمدند امام نهی نمی‌کردند و افسرده نمی‌شدند. پس«معرفت دینی» حس دینی و رغبت دینی نه در انباشت ذهنی اطلاعات دینی و نه صرفاً در مدارج علم حصولی و اکتسابی و نه با چشم سر بلکه با چشم دل، نه با صورت ظاهر که با سیرت باطن، و نه با زبان دهان که با زبان قلب بدست می‌آید و نه در قالب اجبار و اکراه که باید با شور و اشتیاق همراه باشد و امروزه اصرار بر این است که برای پرورش تفکر شهودی و گسترش ارزش‌های دینی و اخلاقی، باید به پایگاه عاطفی که مرکز آن قلب است، توجه شود. در مجموع هنر مربیان و خانواده در مقوله تربیت دینی که بخشی از آن حجاب است، باید در پرورش آن از شوق کنجکاوی و حس حقیقت‌جویی و روح لطیف و پاک استفاده شود تا شاهد تثبیت و زیبایی‌های دین و حلاوت دین و حجاب باشیم و از اجبار و آموزش تحمیلی خود داری کرد و بدون آمادگی روحی و روانی و ذهنی از انتقال مطالب دوری جست و زمینه‌ای مساعدی فراهم آورد که فرزندان حجاب را نه به طور اکتسابی بلکه آن را با حقیقت درونی بیابند و بیاموزند و کشف کنند، چرا که لذت این و ارزش آن فرایندی ارتجالی و اکتشافی است و نه زور و اجبار تحمیلی و باید گفت جوهرهٔ اصلی این ارزش فرایندی درونی و نظری دارد. و هدف تربیت دینی و انگیزه اجرای مباحث دینی برانگیختن شوق و رغبت به خدا و پی بردن به کارکرد لذت‌بخش دین است. پس اگر آدمی چگونگی راه حقیقت دینی را دریابد، بهتر از دریافت معلومات دینی از طرف دیگران، شور و شوق پذیرش خواهد داشت. همانطور که فلاسفه اعتقاد دارند که ماهیت فلسفی عبارت از جست‌وجوی حقیقت‌است و وصول به آن، از نظر عارفان در این گفتار

خلاصه می‌شود « لذتی که در هجر است در وصل نیست»[1].

حال می‌خواهیم بحث پوشش و حجاب را روی دخترهایمان پیاده کنید. چندین روش پیشنهاد می‌شود.

روشهای پیشنهادی آموزش حجاب

۱. در ایام کودکی هر وقت دخترتان چادر سر کرد یا مقنعه‌ای سر کرد آن لحظه وقت تشویق و افتخارمندی است و باید طوری رفتار نماید که به عنوان یک خاطره بسیار زیبا در ذهن او نقش ببندد. مثلا یک چیزی را دختر شما دوست داشته و تا حالا نتوانسته‌اید تهیه کنید، الان بهای این کارش را تهیه همان چیز قرار دهید. در روانشناسی، این همان شرطی شدن پاألوفی است که در آزمایشی توانست با تقویت مثبت رفتاری را تقویت و در فرد نهادینه کند.

در این مبحث نظریه‌های روان‌شناسی را مطرح می‌کنیم. توجه دقیق به یادگیری کودکان و نوجوانان نقش بسیار مهم در تقویت رفتار آشکار می‌کند. تقویت‌ها اعم از ثبت رسمی در ساختن یادگیری رفتارها نوعی مهارت و مستلزم آموختن و تمرین است. تقویت وقتی سودمند است که آن رفتار ظاهر شود. مثلاً به محض اینکه چادر سر کرد « یعنی وقتی تغییر مطلوب را دیدیم، آن را پاداش دهیم و به محض اینکه قطع شد، تقویت قطع می‌گردد و آنقدر باید از تقویت مثبت استفاده کرد تا تثبیت گردد.

در این مرحله از چهار روش استفاده گردد.)۱- برنامه‌ی تقویت بلافاصله پس از رفتار باشد. یعنی اگر روزی چند بار هم باشد باید تقویت کرد. ۲- فاصله را کم‌کم زیاد کنیم. یعنی دو روز یکبار. ۳- اینکه بعد از چندین بار تکرار کار، آن را تقویت کنیم مثلاً هفته‌ای یکبار. در برنامه ۴- به طور متغیر یعنی هر وقت لازم باشد این کار را

---

[1]. عبدالعظیم کریمی، تربیت آسیب‌زا.

انجام دهیم. مطالعات آزمایشگاهی در مورد رفتار اجباری و تنبیه گرایانه نیز نشان می‌دهد که:

۱- اغلب در مورد دختران، تنبیه و اجبار را به شیوه غلط و نامناسب به کار می‌برند. به همین علت است که آن‌ها شدیداً عصبانی می‌شوند و در صدد، تلافی و لجبازی برمی‌آیند.

۲- گیرنده زور و تنبیه غالباً با اضطراب، ترس و خشم پاسخ می‌دهد.

۳- گاهی اوقات آثار زور وتنبیه موقت است و همیشه به حضور شخص یا محیط تنبیه کننده وابسته‌اند. زیرا به محض قطع شدن تنبیه، رفتار تکرار می‌گردد.

۴- تنبیه و زور با اطلاعات اندک همراه‌است. یعنی شخص نمی‌داند علت‌چیست.

۵- تنبیه و زور باعث رفتار موقتی می‌شود.

۶- تنبیه و زور باعث لجبازی و سرکشی و انتقام می‌گردد.

پس به این نتیجه می‌رسیم که: ۱) یادگیری و پذیرش باید عامل محرک بیرونی، و خانواده تبدیل به انگیزه درونی گردد. ۲) یادگیری و پذیرش بدون تقویت تثبیت نمی‌شود. ۳) یادگیری و پذیرش فعالیتی است کاملاً شخصی یعنی دختران باید احساس نیاز کنند و شخصاً برای یادگیری و تثبیت آن تلاش کنند و مسئولیت پذیرش را خودشان عهده‌دار شوند. ۴) تکرار و همیشگی بودن بسیار سودمند و ضروری است. ۵) رغبت و انگیزه از طرف دیگران ارزشمند است. ۶) درونی شدن رفتار همیشگی خواهد بود و در شرایط محیطی تغییر نمی‌کند[1].

«برای این که بت پرست نباشی کافی نیست که بت‌ها را شکسته باشی باید خوی بت پرستی را ترک گفته باشی» (نیچه)

۲. هرگز از روی جبر و زور نخواهید، از همان روزی که اصلا درک و فهمی از

---

[1]. روانشناسی انسان سالم: علی اکبر شعاری نژاد

حجاب ندارد، قدرت نمایی کنید و فکر کنید کار مهمی انجام می‌دهید شکی در آن نیست که شما در وادی قدرت هستید و دخترتان هم در وادی محکوم و مجبور به اطاعت از شما، زیرا می‌داند که گرفتار و تنبیه می‌شود. هر آنچه بر مبنای زور و اجبارباشد، درونی نمی‌گردد، باید برحسب شوق و انگیزه باشد! در اینجا نظر دختری را که در خارج از کشور با او مصاحبه داشتم، برایتان بازگو می‌کنم. توی خیابانی که زنان و دختران بی‌حجاب رفت آمد میکردند، نزدیک مغازه‌ای با دختری کاملاً باحجاب که حتی تار مویی هم از سرش پیدا نبود صحبت کردم، او دانش‌آموز کلاس سوم نظری بود و روزهای بیکاری در مغازه کار می‌کرد و درس‌هایش خوب بود. علت حجابش را پرسیدم گفت:« **من علاقه زیادی به کتاب خوانی داشتم و کتاب‌های اسلامی را هم مطالعه می‌کردم و آنچه برایم جالب بود قرآن، نماز و حجاب بود. کم‌کم شوق و علاقه‌ام بیشتر شد و شاید ده‌ها کتاب را عمیقاً مطالعه کردم و انگار گمشده خویش را پیدا کرده باشم، عاشق اسلام شدم. بعد در سن ۱۶ سالگی برای اولین بار لباس‌هایی پوشیدم که کمی اسلامی بود و احساس خوبی داشتم و در این فکر بودم که دارم روح لطیف خود را جایی پنهان می‌کنم که کسی براحتی به آن دسترسی ندارد. بعد تصمیم گرفتم مقنعه بپوشم و یکسالی است این کار را میکنم و احساس خوبی دارم. چند تن از دوستانم هم به تبعیت از من چنین کاری را کرده‌اند. حس من آن است که روح زن لطیف است و ظریف و عزیز و این روح فردا باید مادر بشود چقدر خوب است که این دُرّ گرانبهای را بتوانم از چشمان دیگران محفوظ نگه دارم تا هر روز عزیزتر شود.**»

آری! ببینید وقتی کسی خود به شناخت برسد در هر موقعیتی که باشد حاضر نیست که قداست و بزرگی خود را از دست بدهد. ما باید کار شناسانه رفتار کنیم تا موفق بشویم. و بدانید با فرمانی که شما می‌دهید، خیال می‌کنید که او دیگر اسلام و پوشش را دربست پذیرفته است و شما چه هنری بزرگی کرده‌اید، اما نمی‌دانید که این رفتار به زودی تغییر خواهد کرد.

۳. اگر بعضی مواقع دخترتان می‌خواهد از چادر استفاده کند هرگز و هرگز او را مسخره نکنید و نگویید مثل چه کسی شده است، یا این که حالا وقتش نیست. در

اینجا برخورد شما بسیار مؤثر و مفید می‌باشد زیرا اولین برخورد اثرات بسیار بد و یا بسیار خوب را به‌جای می‌گذارد. هرگونه رفتاری که از کسی سر می‌زند، تکرار و تثبیت آن بستگی به واکنش دیگران دارد. مخصوصاً افراد که متولیِ تعلیم و تربیت هستند و یا کسانی که مسئول تربیت هستند، مثل پدر، مادر، معلم و اقوام درجه یک که بیشتر در کنار نوجوان قرار گرفته‌اند. مثلاً اگر فرزند شما یک اشتباهی کرد و دیگران به او خندیدند، این رفتار قابل تکرار خواهد بود. در بحث حجاب هم دختر خانمی مثلاً ۵ ساله وقتی که برای جلب توجه یا واکنش دیگران چادری به سر می‌کند و یا مقنعه می‌پوشد، خیلی برایش مهم است، دیگران چه نظری دارند و چه برخورداری خواهند کرد. اگر تشویق و تقویت و ارزش گذاری، صمیمیت، واکنش مثبت و توجه مثبت باشد، حتماً عمل تکرار و به‌دنبالش انگیزه خواهد آمد اما اگرِ در برابر این کار تمسخر، ایرادگیری، حرف‌های شکنندهٔ مثل حالا زود است و... و یا هیچ تشویقی صورت نگیرد، این رفتار و عمل تکرار نمی‌شود، چون دیگر انگیزه‌ای ندارد. بدانید رفتارها فوق‌العاده تأثیرگذار هستند! شما خودتان به یاد بیاورید اگر در جایی مورد تشویق قرار گرفته باشید، در بایگانی خاطرتان همیشه می‌درخشد، و اگر کسی که شما را آزرده کرده باشد، نیز هیچوقت از ذهنتان خارج نخواهد شد! **پس بیشتر مواظب رفتارهای حتی کوچک خود باشید!**

۴. خود مادر باید الگوی مناسب و خوبی برای این کار باشد! مبادا پدر از مادر به خاطر حجاب ایراد بگیرد و او را خطاب به قدیمی بودن نمایند. بعضی از مادران خود الگویی برای فرزندان خود هستند. اگر فرزندتان را دوست دارید مواظب رفتارهایتان باشید. رفتارهای تعارض‌گونه خطر دارد. چرا که شما با رنج و محنت و هزینه بالا فرزند دختر خود را به مدرسه‌ای می‌فرستید که از نظر درسی و مذهبی در سطح بالاست و متولیان مدرسه سعی دارند، هم از نظر درسی و هم از نظر دینی فرزند شما را آموزش دهند، ولی وقتی که دخترتان به منزل می‌آید رفتار

مادرش دقیقاً بر خلاف آنچه را در مدرسه آموخته مشاهده می‌کند در مدرسه به او گفته‌اند نباید نامحرم موهای شما را ببیند ولی مادرش را می‌بیند که در برابر هر نامحرمی آزاد است. این دختر باید کدام رفتارها را بپذیرد مدرسه یا مادر، باور کنید به عنوان مشاور خانواده آه و گریه مادرانی را شاهد بوده‌ام که به مرگ خودشان راضی شده‌اند! به‌خدا دخترانی بوده‌اند که در بهترین مدارس درس خوانده‌اند ولی به دلیل این تعارضات در سنین نوجوانی آنچنان در گرداب‌های فلاکت‌باری افتاده‌اند که هیچ راه نجات برای آنها نبوده است. بخدا باور کنید دخترانی که در بهترین مدارس با هزینه بالا درس خوانده‌اند و اسیر ناملایمات و تعارض‌های رفتار خانواده شده‌اند، بالاجبار در سنی ازدواج کرده‌اند که به جای رتبه پزشکی دانشگاه بدبختی را برای خانواده‌اشان به‌ارمغان‌آورده‌اند. این‌ها حرف‌های تکراری و کوچکی نیست روی این مسائل خیلی فکرکنید. به عاقبت کار بیاندیشید، اسیر جو خانوادگی نشوید تمام زندگی شما تربیت یک انسان خوب و مؤثر و کارآمد است اگر نتوانید بچه‌ای را خوب تربیت کنید، پس چه کرده‌اید؟ تحقیقات نشان داده است که اولین، بهترین و مؤثرترین محیط آموزش و الگوبرداری تربیتی انسان و هر کودکی که پا به عرصه زندگی و حیات می‌گذارد محیط خانواده است و اولین و تأثیرگذارترین مربی او پدر و مادر هستند، چرا که کودک از بدو تولد با خانواده ارتباط مستقیم و غیرمستقیم دارد. او صحبت کردن، خوردن، پوشیدن و راه رفتن را در خانواده می‌آموزد، سلسله مغز و اعصاب و ذهنِ حساس و ظریف و توانمند او از همان آغاز دقیقاً از تمام صحنه‌ها فیلمبرداری می‌کند و شکل می‌گیرد. در همین‌جاست که جام وجود او باید از معارف و نیکی‌ها و صداقت، لبریزگردد، تا در اجتماع، این جام جای خالی نداشته باشد تا هر چیزی نامطلوبی در آن ریخته شود! پس معلوم می‌شود عدم پوشش و عفاف، ارتباط پدر و مادر با افراد نامحرم بدون عنایت به موازین اخلاقی و اسلامی به شدت روی رفتار دختر تأثیر دارد و شخصیت او را

متزلزل می‌کند. چنان که بارها مشاهده کرده‌اید، زمانی که محیط آلوده باشد، ولی خانه خوب تربیت کرده باشد، محیط نمی‌تواند کاری انجام دهد. مثلاً در نظام طاغوت بارها دیده می‌شد در هیاهوی بی‌حجابی، بعضی از خانواده‌ها اصلاً هیچ فرد بی‌حجابی توی آن‌ها نبود و حتی محیط بی‌حجاب برای آنها زجرآور بود، چرا که مراقبت عالمانه و دقیق در پرتو اسلام و معنویت اخلاق دینی در منزل باعث پرورش تربیت فرزندان پاک و متدین و پای‌بند به ارزش اسلامی می‌گردد. مگر شاهد نیستید که امام حسین(ع) در روز عاشورا دائم شقاوت و خبیثی یزید را به دامن ناپاک مادرش نسبت می‌دادند. و امام صادق (ع) فرمودند: خوشبخت کسی است که مادرش دارای گوهر گرانبهای عفت باشد. و حضرت امام خمینی(ره) فرمودند:« تربیت از دامن مادر شروع می‌شود که اخلاق مادر در بچه تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، منظورم همان اصل و نسب و رفتار خانواده است.»

۵. مادر با حجاب سعی نماید کارهایش واقعا مطلوب و نیک باشد نه این که حجاب را رعایت کنید، بعد غیبت کنید، دروغ بگویید، فحش بدهید؟ این حرکات متضاد هم می‌باشند. اگر رفتار ظاهری باشد، اثرات نامطلوبی را برجای خواهد گذاشت. این قبیل رفتارها بسیار مشاهده می‌گردد. بعضی از خانواده‌ها اصلاً متوجه نیستند که چه کار سختی را انجام می‌دهند. نماز می‌خوانند و غیبت می‌کنند، روزه می‌گیرند و حجاب ندارند. مبادا رفتاری را از خودتان نشان دهید که فرزند شما فکر کند شما با توجه به اقتضای زمان و از روی ناچاری حرکتی را انجام می‌دهید. او باید رفتار شما را هضم کند تا بتواند اجرا کند. اگر واقعاً احکام اسلامی را انجام می‌دهید با خودتان صادق باشید و حتی اگر نمی‌خواهید احکام اسلامی را پیاده کنید با خودتان صادق باشید، چرا باید کاری انجام دهیم که بعداً دچار مشکل شویم. مادری که سعی می‌کند آموزش حجاب بدهد، باید کاملاً حجاب را رعایت کند و نباید کینه و نفرت از دیگران داشته باشد و دائم از

شوهرش بد بگوید و در غیاب او به او خیانت می‌کند. انسان‌ها را مورد اهانت قرار دهد، دائم دیگران را تخریب کند و وقتی در مورد کسی از او تحقیق می‌کنند به نابودی دیگران راضی شود و نان دیگران را قطع کند و... این‌ها اصلاً باهم همخوان نیستند. این مادر فقط جسم را در پارچه‌ای پنهان نموده و معلوم نیست در درون پارچه چه انسانی قرار دارد! واقعاً الگوبرداری از این مادر تا چه حد می‌تواند اثرگذار باشد؟ پس سیرت زیبا را به همراه صورت زیبا باید به نمایش گذاشت! نه سیرت زشت را در برابر صورت زیبا، واقعاً بیایید با خودمان رو راست باشیم بیندیشیم، سهم ما از انسانیت چیست؟ سهم ما از بندگی خدا چیست؟ و تا چه اندازه می‌توانیم در این دنیای چند روزه نقش داشته باشیم؟

همیشه و همه جا یک نوع رفتار داشته باشید. اگر مادری در کوچه و محافل مذهبی چادر و پوشش اسلامی دارد، ولی وقتی در منزل مهمان دارد در تماس نامحرمان هیچ اهمیتی نمی‌دهد، این رفتارها برای فرزندان، قابل هضم نخواهد بود. او باید بداند که نامحرم هیچ فرقی ندارد چه در منزل باشد، چه جای دیگر. بعضی از مادران در محافل و مجالس مذهبی چنان مذهبی می‌شوند ولی در برابر نامحرمان فامیلِ از خدا بی‌خبر نه، این رفتارها تجزیه وتحلیل دارد و در ذهن فرزند شما تأثیر بدی خواهد گذاشت. گفتار بسیار معروفی است که میگوید: **جزئی‌ترین، ریزترین، پنهان‌ترین و غیر رسمی‌ترین رفتارها ممکن است وسیع‌ترین، عمیق‌ترین و ماندنی‌ترین تأثیرات را به دنبال داشته باشد**[1].

این جمله مشخص می‌کند که دختران، آنچه ما انتظار داریم، و از آن‌ها می‌خواهیم نخواهند شد، بلکه آنچه را ما خودمان انجام می‌دهیم آن‌ها همان می‌شوند. مواظب بی‌تفاوتی، سکوت و خاموشی فرزندان باشید و فکر نکنید چون مشغول بازی

---

[1]. همان منبع

هستند پس نمی‌فهمند رفتارها کاملاً پیام‌رسان هستند یعنی رفتارها از کمربندی‌ها به طور غیر مستقیم عبور می‌کند و به قول مولانا:

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها   از ره پنهان صلاح و کینه‌ها

و جمله زیبای معلم بزرگ تاریخ بشریت حضرت علی(ع) که می‌فرمایند:

«**کونوا دعاه الناس با الصامتین**» و مردم را از طریق سکوت و خاموشی دعوت کنید و دعوت خود را نه از راه گفتار که از راه کردار اقامه کنید این جملات، مصداق بارز همان چیزی است که می‌تواند ما را به هدف برساند که کردار چقدر مهم است، صحبت و نصیحت چقدر بی‌اعتبار و بی‌اساس، سعی نماید در رفتارتان فرزند عزیزتان را دچار آشوب فکری نکند، او باید بیاموزد که یک بام دو هوا ندارد، عمل گناه‌آلود همه جا گناه است و یک کار خوب در همه‌جا خوب است. امکان ندارد اعمال دینی با جا به جایی مکان حلال یا حرام شوند! مثلاً در منزل مشروب خوری حلال باشد و در بیرون منزل گناه داشته باشد. نامحرم نامحرم است چه در منزل شما باشد و چه در خیابان و چه از اقوام باشد و چه بیگانه! اگر این نکات ظریف را رعایت کنید، لازم نیست زحمت و محنت فراوان بکشید و عاقبت، کارتان هم بیهوده باشد. بگذارید دختران محبوبتان بدون دغدغه تربیت شوند که اولین لذت تربیت آنها نصیب خودتان خواهد شد.

۶. هیچ وقت جوگیر نشوید و هر جایی که رفتید و مشاهده کردید، هیچ مرزی رعایت نمی‌گردد، شما هم برای اینکه کم نیاورید، به‌راحتی تغییر چهره ندهید این‌گونه رفتارها روی فرزندتان اثر منفی خواهد گذارد. اسلام و نامحرم یک راه و رسم تثبیت شده دارد این نیست که فردی با احساس به راحتی تغییرپذیر باشد، حساسیت‌ها مخرب هستند باید همیشه پابرجا و استوار باشید. معمولاً یکی از علل و عوامل مؤثر از گرفتاری‌ها این است که انسان تحریک می‌شود یا بقول خودتان جوگیر می‌شود و برای اینکه خودی نشان دهد، یا کم نیاورد و به راحتی بازی را در دقایق آخر می‌بازد. اگر در محفل و مجلسی عقل براحتی مغلوبِ احساس گردد

چون احساس پایه دائمی و معتبری ندارد و نمی‌شود به آن اعتماد کرد، زیرا بزودی اثرات آن از بین رفته و طوری باعث پشیمانی می‌شود، که قابل جبران نباشد. مثلاً دو نفر به‌خاطر کوچک‌ترین چیز یا به خاطر یک مبلغی ناچیز دچار اختلاف می‌شوند و بر اثر احساسات و اختلاف آن‌ها به خشونت تبدیل می‌شود، طوری که شاید صدها برابر آن مبلغ را برای جبران مافات خسارت بپردازند، دریغ از یک دقیقه تفکر و عقل! یا آدمی به‌خاطر لحظه‌ای شهوت تمام زندگی خود را تباه کند! جوگیر شدن راننده‌ای است که در اتوبان با سرعت سرسام آوری در حرکت است و در لحظه‌ای چرخ اتومبیل جدا می‌شود و... از این گونه لحظات و حوادث حساس در زندگی آدمی بسیار رخ می‌دهد، ولی آنچه مهم است درس گرفتن از این حوادث است. شما تصور کنید خانمی چهل ساله یک عمر با افتخار و عزت زندگی کرد و قداست خود را حفظ کرده به یکباره در محفلی تابع شرایط محیط قرار می‌گیرد و می‌گویند یکبار که صدبار نمی‌شود حالا یکبار بخاطر ما در مقابل مردها برقص و خانم برای اینکه کم نیاورد، دست به چنین کاری می‌زند. شاید این صحنه یک دقیقه اتفاق افتاده باشد، ولی هرگز از صفحه ذهن دختر شما پاک شدنی نیست. همان آب زلالی است که با یک لکه نفت آلوده می‌گردد و تصفیه کردن نفت از آب دشوار و محال است. این‌که می‌گویند آبرو را صد سال به دست بیاور یک لحظه از بین ببر، مصداق همین رفتارهاست. پس هر وقت جایی رفتید هیچ وقت اسیر احساسات نشوید، خوب فکر کنید، «نه» گفتن یک کلمه است و هیچ خرجی ندارد، ولی «بله» گفتن هزار و یک مصیبت و عواقب در پی خواهد داشت، که مهمترینش خیانت به تربیت فرزندان است.

۷. همیشه و در هر احوالی جنبه اعتدال را رعایت کنید که هم خودتان خسته نشوید و هم این که فرزندتان یاد بگیرد و برایش خستگی‌آور نباشد. بعضی از خانواده‌ها آنقدر افراط می‌کنند که فرزندشان را از حجاب و چادر زده می‌کنند، طوری که وقتی بزرگ می‌شود، دقیقاً ۱۸۰ درجه به عقب برمی‌گردد و برخلاف

ایده و خواست خانواده عمل می‌کند و چنان خانواده را درگیر می‌کند که هیچ راهی برای اصلاح او نمیبینند، و از طرف دیگر بعضی‌ها آنقدر بی‌بندوبار هستند که جمع کردن آنها در سنین بالا امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۸. در مقابل فرزندتان نگویید به خاطر پدرت یا به خاطر کسی دیگر مجبورم که اینگونه باشم چرا که به فرزندتان تفهیم می‌کنید که حجاب شما درونی نیست، اجباریست. شما باید به دختران بفهمانید که علاقمند به پوشش هستید و فقط فقط به‌خاطر دین و خدا و شرافت خودتان عاقلانه و عاشقانه و معقولانه تصمیم به این کار گرفته‌اید و هیچ‌کس نمی‌تواند اعتقادات شما را زیر و رو کند و به‌خاطر کسی نبوده است و باید از اعتقاد خود سخت دفاع کنید و آن را یک ارزش بدانید و به دختر خودتان کم‌کم آموزش بدهید که چقدر از این کار رضایت دارید و به عنوان یک برگ زرین در صفحات دفتر خاطراتِ عمرتان قلمداد نموده‌اید و گاهی مواقع نه در باب نصیحت بلکه به‌جا و به موقع به آموزش دختران نیز بپردازید و او را طوری آموزش دهید که او نیز عاشق چنین کاری شود.

۹. در محافلی که حدودها اصلا رعایت نمی‌شود تا می‌توانید شرکت نکنید، چون ممکن است الگوبرداری فرزند شما از دیگران بسیار زیاد باشد و کار شما را به راحتی خراب کنند چرا که انسان‌ها به انجام کارهای نامطلوب بیشتر گرایش دارند تا کارهای خوب و مطلوب، بچه‌ها در سن و سالی هستند که از هر چیزی می‌توانند الگو بگیرند و بخصوص اینکه آن الگو برایشان لذت‌بخش باشد و یا اینکه الگوی خوبی در منزل نداشته باشند. شما شاید در منزل خیلی تلاش کرده‌اید تا بتوانید عزت و سرافرازی زن بودن را در تثبیت نمایید ولی از دیگران غافل شدن هم کار را سخت می‌کند. باید باور کنید بوده‌اند کسانی که از نظر مذهبی کاملاً خوب بوده‌اند ولی به یکباره عوض شده‌اند، پس نقش دیگران خیلی مهم است در بعضی مواقع برای اینکه ضربه‌ای مهلک به فرزندان وارد نیاید، باید صراحتاً حرف بزنید، وقتی کسی از شما می‌خواهد ضامن او بشوید با

یک کلمه «نه» کمی او ناراحت می‌شود، ولی وقتی ضامن شدید و بعد مجبور به پرداخت وام او شدید، تمام رابطه‌ی شما خراب و تبدیل به دشمن می‌شوید، پس در بحث منزل دیگران رفتن که هیچ‌گونه قید و بندی ندارند، نیز چنین است. شما نمی‌توانید نه بگویید و اطاعت می‌کنید، ولی کم‌کم می‌بینید فرزندتان بدجوری الگوبرداری کرده است. حالا پشیمان می‌شوید که دیگر سودی در پشیمانی نیست! البته من منظورم این نیست که باید تمام ارتباط‌ها را ممنوع کرد، در جایی که خیلی خیلی دردسر آفرین و مشکل‌زا هست، این روابط بهتر است انجام نشود.

۱۰. برای حفظ حجاب و پوشش هرگز فرزندتان را از خدا و جهنم نترسانید زیرا او فکر می‌کند که حجاب به خاطر ترس از آتش جهنم است و وقتی که در کنار خیابان‌ها عبور می‌کند و زن‌های دیگر را می‌بینند در ذهنش حلاجی می‌کند، پس چرا این همه آدم بی‌حجاب هستند. بعضی از گفته‌ها اگرچه منطقی و صحیح باشد باید شرایط- محیط- موفقیت- سن و... را در نظر گرفت و چه بسا سخن شیرین و تشویق بهتر از ترساندن جواب بدهد. بارها مشاهده می‌شود که بعضی از خانواده‌ها یا معلم‌ها در کلاس ابتدایی برای دانش‌آموز صحبت از آتش و سوختن و جهنم می‌کنند، او هنوز درکی از جهنم ندارد و در او ایجاد یک ترس و وحشت می‌شود و در آینده از معلم متنفر خواهد شد و فکر می‌کند خدایش نامهربان و سخت و خشن است. در صورتی که هر سوره‌ای از قرآن را می‌خواند، به‌نام خداوند بخشنده و مهربان شروع گردیده و حتی در تعارض با سخنان معلم‌ها قرار می‌گیرد. و از طرفی وقتی به خیابان می‌آید و یا فیلم‌های خارجی را در تلویزیون مشاهده می‌کند، در ذهنش تداعی می‌شود پس این‌همه آدم باید به جهنم بروند!؟ پس جایی که این همه آدم هستند ترسی در آن نیست! و این کلمات مشکل‌ساز می‌شود، چه اشکال دارد به جای این‌که او را از خدا بترسانید او را عاشق خدا کنید و به‌خاطر جهنم خدا، به‌خاطر زیبایی و بهشت خدا، این کار را انجام دهد. دراین‌جا می‌گویم تجربه ثابت کرده است که ترس جواب مثبت نداده است، ولی تشویق و

مهربانی‌ها جواب مثبت داده‌اند. پیامبر با رفتار عاطفی توانست انسان‌ها را شیفته خود کند نه با ترس. ولی به‌جا و به موقع در بعضی جاها گفتن آن خوب است، مثلاً دانش‌آموزی که عشق دارد برای کنکور درس بخواند و به بهترین شغل و رشته برسد کمی اضطراب لازم دارد که بداند اگر تلاش نکند موفق نمی‌شود و همان اضطراب کم کافی است، ولی اگر آنقدر اضطراب او زیاد گردد که دیگر نتواند حتی موفق شود، آن اضطراب نه تنها کارساز نبوده بلکه مخرب هم هست. پس عشق به خوبی‌ها بهتر از ترس است، البته برای نوجوانانی که تازه می‌خواهند به حجاب و دین روی آورند.

۱۱. در بعضی مواقع با ارزش‌ترین و گران‌قیمت‌ترین هدیه‌ها و کادوها را به مناسبت سالگرد حجاب و پوشش او بخرید نه به خاطر بعضی از مناسبت‌های دیگر. اما خیلی باید روانشناسانه کارکنید اصلاً منظور این نیست که تشویق تکراری و متوالی و پی‌درپی باشد. تشویق و تحسین می‌تواند یکی از فرایندهای تثبیت رفتار باشد تا فرصتی را فراهم آورد که فرزند شما به ارزشمندی خود پی ببرد و مفهوم مثبت و ارزنده‌ای از خود نشان دهد، تا باعث تقویت عزت نفس او گردد. ولی هیچگاه نگذارید که تشویق بیرونی مانعی برای خود انگیختگی درونی گردد و پاداش‌دهی مانعی برای انگیزه گردد. یکی از مربیان بزرگ به‌نام "ادوارد کلاپارد" معتقد است که:

« محرک تعلیم و تربیت باید نه ترس از تنبیه و نه حتی اشتیاق به پاداش، بلکه رغبت عمیق به چیزی است که پای درک و یا اجرای آن در میان است می‌باشد. کودک نباید برای اطاعت از دیگران کار و خوش‌رفتاری نماید، بلکه پشتکار و خوش‌رفتاری‌اش باید برای آن باشد که این‌چنین رفتاری را خواستنی احساس‌کند.

کوتاه سخن آن که انگیزه درونی باید جانشین انگیزه برونی گردد[۱].»

پس بیش از اندازه و بی‌حساب تشویق نکنید. به موقع و بعضی مواقع، که مانع از استمرار کار نگردد. هرچه سن بالاتر می‌رود، یعنی دختر شما به سن بالاتر می‌رسد از تشویق بکاهید و آن تشویقی را اجرا نماید که فکر می‌کنید او به آن نیاز دارد. هیچگاه در این خصوص افراط و تفریط نکنید نگذارید فرزند شما وابسته به تشویق شما گردد و به محض قطع تشویق، حجاب او هم قطع گردد. خلاصه سعی نماید رفتار فرزندتان را در بین اقوام یا محافل دیگر مورد تحسین قرار دهید.

۱۲. در شرایط گوناگون حتما به دختران توجه داشته باشید و کارهای خوب او را مورد توجه قرار دهید که مبادا به خاطر بی‌توجهی شما به خاطر اینکه در کانون توجه دیگران قرار گیرد، خودش را به هر شکلی درست کند و وارد خیابان شود، اینجا منظور توجه زبانی است. باور کنید بچه‌ها پاک و معصوم و بی‌آلایش هستند و هرگز با روح ناپاک به‌دنیا نیامده‌اند ولی بیگناه دردامن محیط گرفتار می‌شوند. این یک تحقیق و کار عملی است که توسط چند تن از دانشجویان انجام گرفته آن دسته از دخترانی که از نظر حجاب بی‌پروا بودند و خودشان را به شکلهای عجیب و غریب درآورده بودند، توسط دختران دانشجویی که همسن و سال خودشان، خیلی مؤدبانه مورد سؤال قرارگرفتند. یکی از سؤالات این بود که شما که با این وضع به خیابان آمده‌اید چه حسی دارید!؟ اصلاً باورکردنی نبود،اکثر آن‌ها پاسخ داده بودند می‌خواهیم بیشتر دیده شویم! می‌خواهیم تک باشیم! یا، ما را بیشتر ببینند! و خودمان هم احساس می‌کنیم، همه به ما نگاه می‌کنند و از این‌که توجه دیگران به ما جلب می‌شود، بسیار خوشحال هستیم و اگر ببینیم کسی توجهی به ما ندارد سعی می‌کنیم، فردا با روش دیگری بیایم، تا مورد توجهش قرار گیریم.

---

[۱]. مربیان بزرگ ژان شاتو. ترجمه دکتر شکوهی.

(خلاصهٔ تحقیق در پایان کتاب خواهد آمد.)

ببینید ماجرا از این قرار است که کسی در منزل به ما توجه نکرده است، ما دست به دامان مردم شده‌ایم، پدر عزیز چرا برای خرید یک ماشین این همه وقت صرف می‌کنید ولی برای توجه به دختران وقت ندارید؟ چرا مادر عزیز برای تشریف فرمایی دایی آنقدر دنگ و فنگ به راه می‌اندازید و وقت صرف می‌کنید، ولی برای دخترتان وقت ندارید؟ چرا برای محافل و عروسی‌ها از ماه‌ها قبل وقت می‌گیرید ولی برای مدرسه دخترتان هزاران بهانه پیدا می‌شود؟ چرا برای یک آرایشگاه رفتن وقت دارید اما برای دخترانتان وقت ندارید؟ این رفتارها همه مشکل‌زا است. پس همه‌ی تقصیرها را نباید به گردن دختران انداخت. اگر کسی جوابشان را بدهد به او گرایش پیدا می‌کند یعنی وقتی می‌گویند، باید پدر و مادر در مرحله اول بگویند «بله» که منتظر «بله» دیگران نباشد و در کوچه و خیابان فریاد بزند این من هستم چه کسی من را می‌بیند! انسان‌ها هر کدام با توجه به ژنتیک و تربیت محیط دارای شخصیت و ویژگی‌های روانی و متفاوتی هستند و بر اساس این شخصیت انسان در جامعه معرفی می‌شود و دیگران نیز او را با همان ویژگی می‌شناسند انسانی که پیوسته دوست دارد زیبا باشد و سعی می‌کند در جهت این زیبایی تلاش کند، روزی این خودنمایی و زیبایی کنترل زندگی را از دست او خارج می‌کند و آنچنان زندگی می‌کند که دیگران بپذیرند، نه آنچنان که خودش دوست دارد لذا در ید قدرت دیگران قرار می‌گیرد. چنین فردی در حس هویت یابی شکست خورده است و به همین دلیل قادر نخواهد بود هویتش را به حد کمال برساند، از زن هم همانند مرد می‌خواهد یک انسان کامل، فهیم و در بعد انسانی تکامل یافته و با هویت باشد. پس زن‌هایی که با نمایش زیبایی و پوشش نامناسب در تلاش‌اند نظر دیگران را جلب کنند در حقیقت می‌خواهند با تکیه بر جذابیت‌های ظاهری خویش اصالت خود را در زیر چرخ دنده‌ها له کنند و ارزش‌های متعالی خود را کنار بگذارد در واقع او اعلام می‌دارد آن‌چه برایش اصل و مهم است، تن و زیبایی اوست نه

زن بودن او. در صورتی که انسانیت و شخصیت زن واقعاً جایگاه رفیع و بلندی دارد نه اینکه اسیر خویش گردد و به صاحب‌مغازه‌ای شبیه گردد که هر روز دکور فروشگاهش را تغییر می‌دهد.

۱۳. به محض این که از طریق کارهای متفاوت مثل نمره و نقاشی، ادب او سرآمد شد، مورد تشویق قرارش دهید. یعنی این‌که او حس کند چون نمره ۲۰ گرفته حتما امشب مطرح می‌شود. او را به پارک ببرید به خاله‌اش زنگ بزنید که فردا نخواسته باشد با خودنمایی از طریق کارهای منفی خودش را مطرح کند. این توجه باید عملا صورت پذیرد. یعنی از تقویت مثبت استفاده کنید، کار خوب اگر مورد توجه قرار گیرد، کار منفی، آرام آرام خاموش می‌شود. یعنی اگر کوچک‌ترین موردی از عفاف و حجاب در او مشاهده کردید، بی‌تفاوت نمانید زیرا اگر کسی به او توجه نکند، بعدها وقتی می‌بیند رقصی انجام داده و مورد توجه قرار گرفته کم‌کم حس او برای رقصیدن زیاد خواهد شد و رفتارش نسبت به عفاف و حجاب کمتر و شاید خاموش شود. زیرا کسی او را مورد توجه قرار نداده است.

۱۴. به خاطر عدم پوشش مناسب او را تنبیه نکنید که دیگر محال است بتوانید پوشش و حجاب را در ذهنش زیبا جلوه دهید. تجربه‌ای که همه ما برایمان ثابت شده است و حداقل آن را از نزدیک مشاهده کرده‌ایم و دلیلی ندارد تجربه‌های سوخته را تکرار نمایم. در محافل عمومی کشورمان هرچه واکنش‌ها نسبت به حجاب بیشتر بوده است به همان اندازه واکنش منفی هم زیاد شده است. اگر امروز دلخوشیم که کار فرهنگی انجام دادیم، فقط به فقط ظاهر قضیه را حفظ کرده‌ایم ولی هرگز از درون نه تنها کاری نکرده‌ایم بلکه آتشی در زیر خاکستر پنهان نموده‌ایم، چرا که انسان در هر جایی باشد با برخورد عاطفی و مهربانانه و منطقی پذیرش بهتری دارد و اگر اینگونه نبود **بزرگ‌ترین روانشناس تاریخ بشریت پیامبر(ص) در میان آن ملت راه برخورد منفی را پیش می‌گرفت و به زور متوسل می‌شد، ولی بسیار زیبا از طریق رفتارش توانست روی مردم نفوذ کند.**

در یکی از دانشگاه‌های کشور خودمان روزی که روی شیشه‌ها در جمله « با حجاب وارد شوید را چسباندند» روز به روز شاهد حجاب کمتری بودند. ولی وقتی این جمله زیبا را زدند که « شخصیت زن بسیار جایگاه ویژه‌ای دارد!» حجاب روز به روز کاملتر شد. جمله‌ها از نظر روانشناسان بسیار حائز اهمیت است. شما می‌دانید کسی که به خاطر خلاف به زندان می‌رود وقتی از زندان بیرون می‌آید یک عالم نمی‌شود، بلکه حالا همهٔ خلاف‌ها را یاد گرفته است. برای بچه‌ها هم همینطور است. باید با محبت با دوستی با رفاقت با طراوت و شیرینی، با درونی شدن حجاب و عفاف را تثبیت کرد و هرگز از لجاجت و رنج و سختی، نباید استفاده نمود که فرزند شما موقع خروج از منزل حجاب داشته باشد، ولی تا که از منزل دور شد چادرش را توی کیفش بگذارد وموقع برگشت به خانه دوباره چهره ظاهری حجاب به خودش بگیرد.

۱۶. وقتی در محافلی می‌روید که همه محرم او هستند از او بخواهید که راحت باشد تا بداند که تصمیم شما واقعاً منطقی است در جایی که نامحرم نیست برای او دیگر پوشش معنی ندارد. یکی از موضوع‌های بسیار مهم این است که بچه‌ها شاهد منطق شما باشند و بدانند شما تابع احساس و افراط، تفریط و در جایگاه جبر و قدرت نیستید. اگر شما در هر جا و هر موقع و هر سنی سخت‌گیر باشید فرزند خود را خسته می‌کنید و حتی شاید از رفتار شما متنفر گردد، ولی حتماً سعی کنید آنجایی که می‌بیند اصلاً نامحرمی نیست مثلا زمانی که در منزل عمه، خاله یا دایی هستید دیگر زیر چشمی به فرزندتان نگاه نکنید و دائم به او را گوشزد نکنید، به جایش حتماً از او بخواهید در این موقعیت مثل منزل خودتان آزاد باشد تا او بداند شما روی نامحرم حساسیت دارید، نه در همه جا حساس هستید، و این کمک بسیار بزرگی برای برخورد فرزندتان با شخصیت شما می‌باشد. واقعاً در برخورد و رفتاری که با فرزندتان دارید منطقی باشید، چون عقل و منطق همیشه موفق و پیروز میدان هستند و پذیرش آن‌ها برای انسان ایجاد انزجار نمی‌کند.

۱۷. در خیابان هنگام حرکت اگر یک دختر بدحجاب و خودنما را دیدید همان جا از دخترتان بدون هیچ پس زمینه‌ای ابراز تشکر و قدردانی کنید و بگویید من به تو افتخار می‌کنم، واقعا تو گل هستی، تو تمام وجود من هستی. اگر بعضی از برخوردها به‌جا و به‌موقع باشد اثرگذاری آن بسیار زیاد خواهد بود. خانواده باید مواظب و باهوش باشند، ببینند فرزند آن‌ها چه رفتاری را بهتر می‌پسندد و چه رفتاری روی آن‌ها تأثیرگذار است. هر فردی شخصیت خاص خودش را دارد، حتی دو خواهر در یک منزل ممکن است دو نحوه شخصیت و رفتار داشته باشند. شناخت شخصیت‌ها به‌خصوص درخانواده آنقدر هم سخت نیست. مثلاً دختری ممکن است در بحث اثرگذاری، از نظر روحی خوشحال گردد. و دیگری مطرح شدنِ درجمع برایش مهم باشد. و آن دیگری بخواهد دوستش بدارند! پس اول باید، نیاز روانی دخترتان بشناسید. یکی از مهترین ابراز توجه این است که او بداند، چرا و برای چه خانمی که همسرش لاابالی و زورگو و فاسد است به او افتخار می‌کند، این تأیید شخصیت او می‌باشد و یا اگر دختری را می‌بیند در خیابان حجاب و عفاف مناسب ندارد و برعکس دختر شما دارای حجاب است. پس این موارد قابل تحلیل و توضیح است و باید شما توان توضیحش را داشته باشید و بعد هم به موقع از شخصیت و رفتار دخترتان تشکر و قدردانی کنید، تا این ارزشمندی ثبات پیدا کند و اثرگذاری آن زیاد شود.

۱۸. هیچ گاه در مورد حجاب تعصبی و خشک نباشید. آنچه لباس رسمی کشور است خوب است. همه مسئولین کشور لباس رسمی را چادر و مانتو می‌دانند که هر دو هم دارای وجههٔ اجتماعی هستند. اگر دخترتان از مانتو استفاده می‌کند که مورد استفاده همگان در محافل دولتی و سازمان‌ها مورد استفاده است دیگر خودتان را خسته نکنیدکه حتما باید چنین یا چنان باشد، یا خودتان جدا از دین و آیین و عرف کشور بخواهید یک فتوای جدید صادر کنید، یعنی خیلی داغ نباشید. اسلام دین بسیار شیرین، انعطافی، آرام و قابل پذیرش است. گاهی بعضیها شیوه‌ای پیش

می‌گیرید و کارهایی را انجام می‌دهند که در هیچ کتابی پیدا نمی‌شود. حتی برای دیگران هم خط و نشان می‌کشند. این است که دقیقاً بچه‌ها ضد پدر و مادر می‌شوند و حتی بارها دیده شده دختر خانمی مادرش را مورد تمسخر قرار می‌دهد چون آنقدر وسواس و حساسیت در منزل بخرج می‌دهد که شوهر هم در مرز دیوانگی قرار گرفته و نمی‌داند از دست این خانم که آنقدر اسلامی شده است، چه-کار بکند. در برخورد با نوجوان باید مدارا پیشه‌کرد، چون در اسلام روی طریق برخورد خیلی تأکید شده است جبرئیل امین خدمت پیامبر(ص) می‌رسد:

« ای محمد، خدای تو به تو سلام می‌رساند و پیامش این است که با خلق من مدارا کن[1] » زیرا در مدارا کردن خداوند برکت قرار داده است. پیامبر می‌فرمایند: « به درستی که در رفق و مدارا افزایش برکت است و کسی که از رفق محروم باشد از خیر محروم است»[2]

یکی از عوامل مهم و کلید خوشبختی مدارا کردن با فرزندان است. به هیچ وجه نباید با آن‌ها برخورد افراطی داشته باشیم. پس با انعطاف و برخورد سازنده بدون هیچ‌گونه افراط و تفریط کار خودتان را انجام دهید تا موفق باشید.

۱۹. از پوشیدن البسه فتنه و شهوت انگیز و تحریک کننده، دوری کنید. اگر فرزندتان هم استفاده می‌کند و در خیابان مورد توجه قرار می‌گیرد، به علت تبعیت از روش شماست و بدانید او انگشت نمای دیگران می‌شود. و اگر دختری لباس انگشت نما به تن کرد، دیگر تغییر دادن مجدد او خیلی مشکل است. خویشتن‌داری از خودنمایی و پوشش نامناسب از مصداق ارزشمند عفت و حیاست و آنقدر مهم‌است که درقرآن مجید سوره احزاب آیه۳۳ عموم زنان را از خودنمایی

---

[1]. محمد ابن یعقوب حکیمی - الکافی ج ۲ ص ۱۱۷

[2]. همان منابع

نهی نموده است. و همچنین امام سجاد(ع) خویشتن‌داری و پوشش حجاب را از مصادیق عفت شمرده‌اند و در راز و نیاز با خدای خود فرموده‌اند:« **خدایا مرا آن‌گونه قرار بده که چشم خود را از روی عفت ببندم.**» در خصوص حیا البته باید زمینه و بستر آن فراهم باشد بخصوص از نظر روانی- مذهبی، چون شخصیت یکی از فاکتورهای لازم کنترل درونی انسان است. یعنی مسائل باید دارای کانون کنترل درونی باشند، یعنی مسائل بیرونی و خارجی روی آن نفوذ گذار نباشد، زیرا بسیاری از مشکلاتی که پیش می‌آید به این علت است که فرد به‌دنبال کنترل‌های بیرونی می‌رود و گرفتار می‌شود. ولی اگر مسئولیت کارها را خودش به عهده بگیرد و با روش مسئله‌گشایی پیش برود، گرفتار فاکتورهای بیرونی نمی‌گردد. زیرا تجربه ثابت کرده است انسان‌های درونی از پیشرفت بالا نه تنها در زمینه عفاف بلکه در همه مسائل زندگی برخوردار هستند و بیشتر احساس رضایت دارند و کمترتابع احساسات محیط و دیگران قرار می‌گیرند و کشمکش‌ها را خودشان حل‌می‌کنند و مستقل‌اند و نمی‌گذارند دیگران به راحتی آن‌ها را فریب بدهند و با کوچک‌ترین هدیه‌ای گول بخورند و همچنین نسبت به مسائل امید بیشتری دارند و لذا احترامی که شایسته آن هستند به دست می‌آورند، ولی کسی که کنترل بیرونی دارد بیشتر تابع عوامل محیطی هست و با بداقبالی مواجه می‌شوند مثلاً دختری به دوستش می‌گوید دنیا دو روز است برای چه باید آنهمه خودت را زحمت بدهی او تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در مجموع می‌خواهم بگویم که بگذارید بچه‌ها از درون حس‌کنند تا تابع جو بیرون و لباس‌های نامطلوب قرار نگیرند و عکس‌العمل‌های بیرونی آن‌ها را، دچار حساسیت و جوگیری نکند، زیرا به دنبالش مشکلات بوجودمی‌آید. معمولاًکسانی‌که درخیابان‌ها استثنایی می‌شوند بیشتر مورد توجه کنترل بیرونی قرار می‌گیرند و خیلی راحت تحریک می‌شوند.

۱۹. دختران باید احساس آرامش و امنیت کنند تا به عزت نفس برسند. یعنی به نوعی او را متوجه کنید کسی که باحجاب است در تیررس چشمان زهرآلود دیگران

کمتر قرار می‌گیرد و نقشه‌های پلید علیه او کمتر شکل می‌گیرد. وقتی که او در تیررس چشمان دیگران قرار می‌گیرد ناخودآگاه خودش نیست، و هرچه هم محکم باشد تحریک می‌شود و در صدد واکنش برمی‌آید و این آغاز ورود به باتلاق‌های خطرناک است. اگر دختر شما عزت نفس بالا داشته باشد، یک قدرت ارزشمند خداوندی به او هدیه گردیده است و می‌تواند سرفراز و سربلند باشد و کمتر به سقوط و جلب توجه دیگران فکر می‌کند. و گرایش به رفتارهای منفی در او کاملاً فروکش می‌کند و باعث موفقیت و عزت می‌گردد. در حقیقت کسانی که عزت نفس پایین دارند، ارزشهای مثبت عفاف و حجاب را هم ذلت تلقی می‌کنند. لذا باید ذهنیت این‌گونه افراد را تغییر داد و در جست‌وجوی تجربیات و شیوه‌هایی بود که باعث راحتی و رضایتمندی آن‌ها شود. لذا اگر چنین رفتارهایی را در فرزندانتان مشاهده می‌کنید در راه ترمیم و بهبود آن تلاش کنید و زیرساخت‌های شخصیتی او را محکم کنید.

رفتارهای زیر نشان دهنده واکنشهای منفی است

۱- اگر فرزندتان احساس پوچی و بیهودگی می‌کند و برای خود ارزش قائل نیست.

۲- اگر در منزل بین خودتان دچار کشمکش هستید.

۳- وقتی نمی‌توانید آن‌ها را کنترل کنید.

۴- وقتی بچه‌ها موجب به‌هم ریختن روح و روان شما می‌شوند.

۵- اگر آنها زودباور و همیشه اسیر دست دیگران هستند و ...

پس اگر امروز تصور می‌شود خیلی از دختران احساس آرامش ندارند و در منزل راحت نیستند و با مشکلات زندگی می‌کنند و عزت نفس آن‌ها به هم ریخته، ممکن است تمایل بیشتری به خودنمایی و بی‌حجابی داشته باشند. و مهمتر آن که خود آنها نمی‌دانند از گودالی به چاهی سرنگون می‌شوند. لذا نداشتن عزت نفس ممکن است انسان را به هر کاری وادار نماید.

به دختران با درایت و مهارت خاص القا کنید که حجاب محدودیت برای زنان ایجاد نمی‌کند، بلکه محدودیت برای مردانی است که می‌خواهند انسان را مورد هجوم چشم‌های هرز خود قرار دهند و در دریای عواطف و وابستگی‌ها گرفتار کنند. وقتی ما می‌گوییم حجاب محدودیتی ندارد و شما گرفتار چشمان زهرآگین مردان می‌شوید، پیش خودتان فکر کنید، پس مشکل چیست ما که مشکل نداریم! امروزه ما درجامعه‌ای زندگی می‌کنیم که ظرفیت‌ها بسیار پایین است و اگر دختری کمی موهایش بیرون باشد، انگشت‌نمای تمام پسران می‌شود، یعنی همچون کاسه آبی می‌شود که هرکس انگشت درون آن فرومی‌برد و بتدریج آب پاک و زلال آلوده‌ی انگشت دیگران می‌شود. و متأسفانه انگار همه هم منتظر چنین صحنه‌ای هستند که دختری به تمسخر و تحقیر گرفتار شود.

۲۰. اگر جامعه آنقدر رشد بکند که دختری از نظر حجاب وضع مناسبی نداشته باشد و هیچ‌کس او را نگاه نکند و مورد توجه منفی دیگران قرار نگیرد، شاید به خودش اجازه ندهد که آنقدر خود را بزک کند و در انظار ظاهر شود. واقعاً درد ما حجاب نیست درد ما این است که یک دختر می‌خواهد از سر تا پایین مورد توجه قرار گیرد موهایش را رنگ کند، شال باریک روی سر بیندازد، ابرویش را دستکاری کند، چشمها را لنز بگذارد، دماغش را عمل‌کند، لبها را قرمز و به‌گردن زیور آلات بیاویزد، کمربند رنگی ببندد، مانتو کوتاه و تنگ بپوشد، آستین‌ها را بالا بزند، شلوار تنگ وکوتاه بپوشد،کفش‌ها را بندی‌کند، ناخن‌ها را لاکی و نقاشی‌کند، گوشوارهای عجیب غریب و بزرگ بیاویزد و صدها نوع خودنمایی دیگر و... یعنی دقیقاً تا آنجایی که می‌تواند از حالت طبیعی خارج شده و مصنوعی جلوه کند، این همه تغیر حتماً و مسلماً توجه می‌خواهد و توجه کسانی که گرسنه هستند و حاضر هستند تمام وجودشان را فدا کنند، تا به اصطلاح خودشان در گرفتن شکار موفق می‌شوند. این‌گرسنگی سیری‌زود هنگام به‌دنبال دارد و به محض این‌که سیر شد، تمام این

زیبایی‌های ظاهری تبدیل به غم و اندوه و نفرت می‌شوند و باید گفت« **خود کرده را تدبیر نیست.**»

به دختران آموزش دهید که در هر کسی انرژی نهفته‌ای وجود دارد که می‌تواند او را به بالاترین درجه برساند. این انرژی نهفته سادگی، صلابت، پاکی و نجابت درونی را در مسیری سالم قرار می‌دهد و برای انسان فرصت‌های رشد و ترقی و موفقیت را فراهم می‌سازد و به جای این که هر روز گرفتار استفاده از لباس‌های متعدد رنگارنگ و الگوهای غربی باشد در راه موفق شدن خویش تلاش می‌کند و به جای این که فرد انگشت نمای صورتی باشد، انگشت نمای سیرتی خواهد بود. شاید دختر عزیزی که این کتاب را می‌خواند فکر کند که مگر حجاب و پوشش با مغز ارتباطی دارند؟ اگر شما بهترین استعدادها را داشته باشید و آن استعداد را با سرگرمی‌های غیر منطقی پرکنید دیگر آن زمان و برنامه‌ای نخواهید داشت که صرف موفقیت خود کنید زیرا تمام آن را بیهوده هدر داده‌اید.

۲۱. در بعضی از شهرستان‌ها و حتی بخش‌ها که من مطالعه، تحقیق یا سخنرانی کرده‌ام، دیده‌ام بعضی از آنها صددرصد قبولی کنکور دارند، و جالب این است که یک دبیر چند درس را تدریس می‌کند بدون هیچ امکاناتی، از تبلیغات تستی زیاد هم خبری نیست با این وجود بهترین قبولی‌های کنکور را می‌بینی، چرا چنین است واقعاً اگر این شهرهای کوچک از امکانات استان‌ها برخوردار بودند شاید بهترین نخبه‌ها پرورش پیدا می‌کرد. دلیلش این است که آن‌ها بی دغدغه هستند به جای تار گیسو، رنگ لب، شلوارهای رنگارنگ، موهای پریشان و غیره... فقط با قلبی صادق و صمیمی در بند درس و تحصیل هستند و پرواز باورنکردنی دارند. پس واقعاً انسان افسوس می‌خورد چرا بعضی از استعدادهای خوب، با این امکانات و عشق، ثمره‌اش بدبختی‌است. پس باید بیدار شد آن کس که در این چرخ دنده‌های آتشین گرفتار می‌شود، فقط و فقط خود شخص است و بعد تبعاًتش

گریبانگیر خانواده می‌شود. پس دختر عزیزم بیندیش به جای پیکرتراشی، مغزت را پرورش بده تا آینده زیبا را نظاره‌گر باشی! از همه مهم‌تر می‌خواهیم همه تلاش کنیم تا حرمت از دست رفته زنان در طول ظلمت تاریخ را به آنان بازگردانیم. ولی تو خودت مانع این حرکت خلاقه می‌شوی، زیرا روانشناسان اعتقاد دارند هرکس برای خود ارزش قائل شود «حرمت خود» را نیک پنداشته و حرمت یکی از اساسی‌ترین عوامل رشد و تکامل انسان تلقی می‌شود. انسان با رفتار و گفتار و کردارش نشان می‌دهد که تا چه حد برای خودش احترام قائل می‌شود و بر اساس این قضاوت است که فرد خود را توانا، مهم، موفق و باارزش و یا ضعیف، ناتوان، ناموفق و بی‌ثمر می‌داند. هر چقدر فرد خودش را باارزش بداند در راه رسیدن به یک زندگی عاطفی یا شغل مؤثر توانمندتر خواهد بود. انسانی که همواره از آشکار شدن ناتوانیش هراس دارد در نمایش هیجانات و عواطف خود ابتکار عمل ندارد و دیگران برای او تصمیم می‌گیرند، زیرا خودش را ارزشمند نمی‌داند! پس دانایی، هوش، موفقیت، نخبه شدن با سطح حرمت رابطه کاملاً مستقیم دارد، در جامعه‌ای که برهنگی و بی‌بندوباری تمام شریان‌های آن را قطع کرده و زن و مرد همواره در حال مقایسه آن‌چه دارند هستند، در تشویش و دلهره به‌سر می‌برند و هر روزه می‌خواهند، دامنه این مقایسه زیاد گردد و رقابت و مقایسه در میدانی رخ دهد تا که دیگر ظرفیت رقابت وجود نداشته باشد. بدین سبب آدمی به دام تنوع‌طلبی حریصانه کشیده می‌شود و بی‌تردید تا وقتی این اندیشه‌ها، فضای ذهنی آدمی را اشغال کرده است، فرصتی برای بروز خلاقیت و دانایی باقی نمی‌گذارد. ذهن فقط مشغول نقشه برای تصاحب دل و طلب نظرِ دیگران است و هرگز اندیشه علمی را برنمی‌تابد و نمی‌تواند و نخواهد توانست به انکشاف و پختگی برسد. او در پی آن است که در وضعیت موجود پسندیده شود نه آن که با ابتکار و خلاقیت وضعیت را تغییردهد و طرحی نو دراندازد. از سوی دیگر از آن‌جا که با تمام وجود، خویش را بی‌ارزش می‌پندارد، برای جبران این

کمبود از طریق عرضه پیکر آراسته خود، آسان‌ترین راه را برای مقبولیت در نزد دیگران برمی‌گزیند. چنین فردی هم ارزشمندی را از کف داده و هم برای جبران آن به بیراهه رفته است. در حالی که زن با احساس ارزشمندی خود از دسترس بیگانگان دور می‌نماید، تا آنجا که مرد نیازمندانه به آستان وی روی آورد. او باور خواهد داشت که از راه رسیدن به احساس ارزشمندی و عزت پایدار، کسب صفات باارزش، پابرجا و استوار می‌ماند. برای همین منزلت و ارزشمندی است که شما دختران باید مواظب باشید.

« ویلیام جیمز» به صراحت می‌گوید:« زنان عزت و احترامشان به این است که به دنبال مرد نروند و خود را مبتذل نکنند و از دسترس مردان دور نگه دارند».[1]

۲۲. تشویق‌گر و آموزشگر حجاب باید شوق، کنجکاوی و حس حقیقت جویی را به زیبایی‌های دینی و حلاوت حجاب زیاد نماید و از هرگونه آموزش تحمیلی و نصیحتی و انتقال مستقیمِ مطالب و مفاهیم دینی بدون آمادگی قبلی پرهیز کند زیرا دختر شما باید فرصتی را فراهم آمده که حجاب را نه کسب بلکه کشف کند زیرا تربیت دینی در مورد حجاب یک فرایند اکتشافی است نه تحمیلی و عادت و در حقیقت یک فرایند درونی و فطری است. و به قول شاعر :

عمر آن است که در شور طلب می‌گذرد   خوش بود منتظران را طلب طلعت دوست

آموزش یعنی عشق به داشتنِ هدف تربیت چیزی، جز عشق به زیبایی و حقیقت جویی نیست. پس نقش مادر به منزله تسهیل کننده و نه تحمیل کننده در حجاب، چیزی جز زمینه‌سازی غیر مستقیم و فعالِ این که فرزند شما بتواند از آن طریق به حسن دین جویی فطری و حقیقت، دست یابد نیست، زیرا اگر آموزش حجاب با روش‌های سطحی و با انبوهی از نصیحت‌های نظری بدون آمادگی عاطفی و درونی باشد باعث ارضای کاذب و نامطلوب کنجکاوی‌ها خواهد شد که خود، سد

---

[1]. حجاب و عفاف- طاهره جباری.

بزرگی برای هدف و انگیزه آن خواهد بود.

چرا باید از رنگ‌های تیره استفاده کرد

نکته‌ای مسلم این است که از نظر روانشناسی بعضی از رنگ‌ها جذابیت خاصی دارند و تمام نگاه انسان را به خود جلب می‌کنند و یک شاخصه برجسته در میان اشیای دیگر می‌شوند و علاوه بر شاخص بودن رنگ، می‌تواند حس انسان را نیز تحریک و یا تسکین دهد و یا به نحوی هیجان انسان را زیاد کرده یا هیجان را خنثی کند، یا موجب سردی، گرمی و غیره گردد در حقیقت، می‌توان گفت رنگ‌ها زبان دارند و با توجه به تصورات و تمایلات مختلف آدمی با او حرف می‌زنند.
هر فردی به رنگی خاصی گرایش دارد، چون رنگ‌ها می‌توانند بر تمام سیستم عصبی، گوارشی، خورد و خواب، گریه و خندهٔ نیز اثربگذارند، چرا که همهٔ انسان‌ها دوست دارند در هر موقعیتی از رنگ متفاوت و ویژه‌ای استفاده کنند، مثلا در عروسی‌ها رنگ شاد می‌پوشند در عزاداری‌ها رنگ سیاه و تیره، زیرا رنگ لباس نشان دهنده نوع رفتاری‌که شما باید در محافل و مجالس نشان‌دهید. حتی رنگ‌ها می‌توانند یک پایگاه اجتماعی ویژه، نشان دهند. مثلا رنگ لباس در دانشگاهی و یا رنگ پرچم و غیره، رنگ نشان دهنده این است که شما چه کسی هستید. علاوه براین‌ها روانشناسان تاکید دارند تمام فضا و محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند متناسب با نوع خدمات و رفتار و کردار او رنگ‌آمیزی می‌گردد. مثلا بیمارستان‌ها از یک نوع رنگ، فضای ورزشی، مساجد، امامزاده‌ها، اماکن مذهبی از رنگهای دیگر، چرا که هر رنگ نشان دهنده نوع و نماد خاصی می‌باشد. خود رنگ‌ها نیز حرفی برای گفتن دارند، مثلا رنگ قرمز باعث افزایش خون می‌شود و هیجان را زیاد می‌کند و انسان را از سردرگمی و خمودگی بیرون می‌آورد. یا رنگ آبی خلاقیت انسان را زیاد می‌کند. رنگ پرتغالی حس صداقت را در انسان شکوفا می‌کند. در نمادهای مذهبی نیز هر نوع رنگ بیان کننده یک نوع پدیده می‌باشد.

مثلا رنگ سبز زمردین نماد مسیحیت، رنگ سبز در اسلام و اماکن مذهبی نماد ویژهٔ اهل بیت می‌باشد. حالا چرا از رنگ سیاه بیشتر برای پوشش زن‌های مسلمان استفاده می‌شود.

روانشناسان اعتقاد دارند رنگ مشکی به منزله یک حائل یا دیوار یا مرز است بین دو نفر، مثلا کسی که لباس سیاه بر تن دارد یعنی بین خود و دیگران حائلی ایجاد نموده است که نشان دهنده جدایی بین دو نفر یا خود از دیگران است و به همین دلیل وقتی زنی چادر مشکی دارد، یعنی یک منطقه کاملا ممنوع بین خود و دیگران ایجاد کرده است. یعنی هیچ کسی حق ورود به منطقه ممنوع را ندارد، چون این منطقه‌ای والا و پاک و مقدس است. عمومی نیست. آن قدر آثار روانی این رنگ زیاد است که هیچ بیننده‌ای را به خود جذب نمی‌کند. دقیقا مثل دیوار ستبری است که کسی نمی‌توان پشت آن را ببیند. یعنی هیچ کس حق ورود به حریم عفاف، پاکی، کرامت زن ندارد. پس مشکی یعنی مرز کرامت، مرز بزرگواری مرز حیا و ادب، مرز جلوگیری از دید شکارچیانی که درکمین شکارند، و در حقیقت مرز بی رغبتی نگاه کسانی که می‌خواهند با چشمان خود سرقت نمایند.

نکتهٔ جالبی برایتان بگوییم، شما یک برگ کاغذ سفید و مدادی به دست کودکی بدهید، بعد از چند دقیقه چه خواهید دید؟ کاغذی پر از خطوط که تمام صفحه کاغذ را کاملا کج و معوج و بی‌محتوا پرکرده است. حال از برگه‌های سفید و مداد به دست چند کودک بدهید، هر کدام خطی بر آن کاغذ می‌کشند و شاید بعضی از آن‌ها آن را با مدادشان پاره کنند، چرا که روی کاغذ هر چه بخواهی، می‌توانی بنویسی، ولی اگر یک کاغذِ سیاه به دست کودکی بدهید! به راستی چه کلمه‌ای می‌تواند روی آن بنویسید. هیچ چیز! «نه» چیزی وجود ندارد، یعنی هیچ کسی نمی‌تواند روی کاغذ مشکی چیزی بنویسید، مگر کسی که از قبل رنگ سفیدی انتخاب کرده باشد! پس متوجه می‌شوید کسانی که رنگ سیاه بر تن دارند نشانه ترک علاقه یا انصراف از دیدگاه دیگران دارند. جالب‌تر این‌که رنگ سیاه می‌تواند

پوشش و زایل کننده همهٔ رنگ‌ها باشد. شما دختر خانمی را چادر مشکی بر سرش کنید، ببینید اصلا هیچ جذابیتی ندارد و حتی احساس سنگینی و وقار، متانت و بزرگی و زن بودن می‌کند. ولی اگر همان دختر چادر رنگی به سر کند احساس عروس بودن، زیبا بودن، جذابیت داشتن می‌کند و حتی احساس محبت و نزدیکی در شما ایجاد می‌شود، زیرا رنگ سیاه احساس دور بودن و غریبه بودن تولید می‌کند، چون هیچ جذابیتی ندارد و جلوه و نمای جنسیت و جاذبه را خنثی می‌کند. لباس مشکی فریاد می‌زند هیچ جایگاهی برای شما در من وجود ندارد، و به راستی که لباس عزت و کرامت و بزرگواری زنان ایرانی رنگشان مشکی است. البته ممکن است رنگ‌های قهوه‌ای، آبی، خاکستری و... همین ویژگی را داشته باشند، معمولا هستند زنان پرافتخار ایرانی که از دو نوع چادر و مانتو با رنگ‌های بدون جذابیت استفاده می‌کنند. و غرور و متانت‌شانبه قدری است که انسان به آن‌ها افتخار می‌کند. نکتهٔ قابل توجه در اینجا این است که جذابیت و نگاه نامحرم از چندین کانال وارد میشود که یکی از آن‌ها رنگ می‌باشد و جذابیت رنگ پوشش می‌باشد. ولی باید توجه داشت دختر خانمی که از مانتو مشکی استفاده می‌کند اما مانتواش آن قدر تنگ است که انگار تمام بدن او را قالب گرفته‌اند، طوری که تمام بدن او نمایان است، دیگر به این نمی‌شود گفت پوشش مشکی یا تیره، هیچ جذابیتی ندارد! در واقع این دختر یک دوربین نامرئی در بدن خود تعبیه کرده تا ببیند، چشمان حریص مردان چگونه نظاره‌گر اندام او هستند. طوری که در خیابان شاید هزاران چشم او را نشانه گرفته‌اند و ای کاش می‌توانست بخواند در ذهن این افراد چه می‌گذرد! واقعا حیف نیست دختر به این زیبایی و خوبی آن قدر پوشش بد داشته باشد که هیکل خود را در خیابان به تاراج دید همگان بگذارد. او را باید فقط یک نفر مشاهده گذاشته کند، نه این که جولانگاه همگان باشد. شاید بعضی رفتارها هم جذابیت بسیار خاص ایجاد کند، با اینکه لباس مشکی و چادر مشکی باشد. اگر فردی که در زیر چادر است روح او لطافت و پاکی و عزت نداشته باشد و

با نگاه و رفتارش چنان ذهن دیگران را درگیر کند که از رنگ زرد و قرمز هم بدتر باشد چه؟ این گونه زنان و دختران از دو طرف ضربه به حیثیت و بزرگواری زنان وارد می‌کنند یکی این که به شکارچی و مخاطب می‌گویند چادر مهم نیست و با این لباس هم می‌شود خطا کرد. این یک ابزار ظاهری است که در آن هم می‌شود دیگران را فریب داد، و از طرف دیگر به خود ضربه می‌زنند یعنی هم خود را سبک و بی‌ارزش جلوه می‌دهند و هم می‌خواهند ثابت کنند که هر کس می‌خواهد خطا کند لباس مطرح نیست، بلی درست است که انسان باید انسان باشد ولی اگر یک لباس و یک چیزی در جامعه برای دیگران قداست و مقدس باشد باید حتما مورد احترام همگان قرار گیرد و نباید از آن سوء استفاده کرد. خیلی از چیزها ممکن است برای همگان دارای عزت و تقدس باشد ولی از جانب عده‌ای مغرضانه یا ناآگاهانه مورد سوء استفاده و اهانت قرار گیرد. مثلا قرآن که کتاب آسمانی و مقدس و ارزشمندی است، گاهی از طرف بعضی نابخردان مغرضانه مورد اهانت قرار می‌گیرد، پس باید گفت قرآن نامقدس است؟ کسانی که این کار را کرده‌اند خبیث بوده‌اند! حتی چیزهایی که خداوند به انسان هدیه داده است می‌تواند مورد استفاده بد قرار گیرد. کسی که استعداد و توانایی و هوش بالایی دارد و تحصیل می‌کند و به بالاترین درجه علمی و تخصص می‌رسد و هزاران انسان را از رنج و بیماری نجات می‌دهد و دل‌ها را شاد وخوش می‌کند، ولی اگر همین استعداد یک قاچاقچی مواد مخدر شود و هزاران زندگی را به نابودی و تباهی بکشاند، هزاران کودک مظلوم و محروم را به باتلاق نابودی سوق دهد چه؟ پس انسان‌ها و طریقه استفاده از ابزارها خیلی مهم است و اما عیب در ابزار و وسیله است؟ نه عیب در نوع انسانی است که از آن استفاده می‌کند. در مجموع خواهر عزیز و مهربان لباس شرافت و بزرگی بر تن کن! که هیچ موجودی در طبیعت به زیبایی تو خلق نشده است و تو شاهکار خلقتی! تو شرافتمندانه‌ترین موجود خدایی، وخداوند بزرگ تمام جهان را به خاطر یک زن خلق کرد و آن موقع که حدیث کسا، می‌خوانی متوجه

می‌شوی که تمام جهان و هر آنچه در آن هست به خاطر وجود یک زن به نام **«زهرا(س)»** خلق گردیده و تو از جنس همانی، ارزش خودت را حفظ کن تا زندگی خوب و درخشان داشته باشی و به خودت ببالی و افتخار کنی که خدایت تو را زن آفرید. تن لطیف، چهره زیبا، روح با صفا و وجود مقدس و قامت رعنایت را بگذار فقط یک نفر ببیند چون تو گوهر تابناک یک خانواده می‌شوی و باید چون ماه پرفروغ بر آسمان یک خانواده نور ببخشی و آن‌ها را از ظلمت و تاریکی نجات دهی. روح این مهتاب باید صاف و باصفا و بدون هر ناپاکی باشد، زیرا تو باید جهان را با وجودت با روحت با صبر و بردباریت با مهربانیت بسازی تو پرورش دهندهٔ انسان‌های بزرگ هستی. اگر تو با صفا باشی جهان باصفا می‌شود. در دامن تو مردان پاک، تربیت می‌شوند. دامن تو جایگاه مرد بزرگی‌است که به معراج می‌رسد.

رنگ سیاه از دیدگاه پروفسور آندروز

رنگ سیاه موقعی که آدمی دچار مشکلات روحی و آشفته حالی است، می‌تواند آرام بخش و حفاظت کننده باشد، این رنگ باعث می‌شود که احساسات زنانه در افراد به حرکت بیفتند و همین امر باعث می‌گردد که در وجودشان انرژی مغناطیسی قویی را حس نمایند. رنگ سیاه رنگ موثری است لذا بایستی توجه شود به اندازه مناسب استفاده گردد. این رنگ باعث می‌گردد که رفتارهای ناشی از تنش‌های غیر اصولی افراد نظم ترتیب یابد و در ضمن همین امر، سبب قالب‌گیری منطقی در رفتار و اندیشهٔ افراد می‌شود.

ریشه بی‌حجابی دختران چیست

اگر در اکثر مسائل اجتماعی، مثل اعتیاد، قتل، فساد، طلاق و غیره تحقیق و یا مطالعه‌ای انجام شود به این جمله کلیدی بسیار برخورد می‌کنیم که:« **آگاهی**

نداشتم، نمی‌دانستم، نمی‌خواستم این طور بشود و در دام افتادم.»
کسی که اعتیاد دارد می‌گوید:« **از روی تنفنن و عشقی، کم‌کم مبتلا شدم و باور نمی‌کردم روزی به این بلا گرفتار شوم. الان که خانمان را بر باد داده‌ام فهمیده‌ام اما دیگر دیر شده است.»** یقینا اکثر دختران وقتی که گرفتار می‌شوند و یا ازدواج می‌کنند و با ازدواجی بحرانی روبه‌رو می‌شوند وقتی می‌بینند طلایی‌ترین لحظات عمر خود را به بطالت گذارده‌اند، وقتی می‌بینند که باید یک متخصص ارزشمند می‌بودند ولی حالا گرفتار مشکلات عدیده شده‌اند، می‌گویند: ای کاش زمان برمی‌گشت و ما می‌فهمیدیم باید چکار کنیم آن روز آگاهی و اطلاعات کامل نداشتیم و نداشتن حجاب و بی‌حجابی را یک بزرگی می‌دانستیم، ای کاش با موقعیتی که داشتیم کمی فکر می‌کردیم.
دختری زیبا، باهوش، خانواده دار و با همهٔ صفت‌های خوب خدا داده، ولی بر اثر عدم اطلاع صحیح خود را انگشت‌نمای هر این و آن کرده است. در صورتی که این دختر اگر کمی تأمل و صبوری می‌کرد و با فکر باز به تحصیل می‌پرداخت بهترین موقعیت‌ها را ایجاد می‌کرد و وارد یک زندگی بسیار آبرومند و پر طراوت می‌شد و الان یک زندگی شیرین با مرد بسیار خوب و فرزندان موفق، لذت عمرش را می‌چشید. ولی صد افسوس که امروزه در دنیای از مشکلات طوری که حتی قدرت یک لحظه فکر کردن را ندارد و دائم فکرش فقط این شده که چگونه از این زندانی که با دست خودش ساخته رهایی پیدا می‌کند.
پس بنا داریم به عنوان یک پدر و مادر و یک مربی و در اولین فرصت دختران را آموزش دهیم و اطلاعات لازم را در حد توانشان، برای آن‌ها بازگو کنیم و کاری کنیم که خودشان پذیرای ارزش‌ها بشوند.
* نخستین دلیل بی‌حجابی یا بد حجابی در کشور ما تقلید کورکورانه است. اگر تحقیقی انجام شود، مشاهده خواهد شد، بعضی از فرزندان ما دقیقا همگام با برنامهٔ ماهواره‌ها و رسانه‌ها در حرکتند. یک روز موها را روی صورت می‌ریزند یک روز

چتری می‌شوند، یک روز رنگ می‌کنند، یکی بالا می‌زنند و... یعنی دقیقا حرکت‌ها به دنبال رو حرکت‌های ماهواره‌هاست. اگر روزی در شبکه ماهواره دختری خودکاری را در بینی‌اش فرو کرده باشد، فردا کنار خیابان می‌بیند بعضی از دختران خودکاری را در بینی خود فروبرده‌اند. تازه قیافه موجه هم می‌گیرند، انگار تمام کره زمین در ید قدرت آن‌ها می‌باشد. اینجاست که متوجه می‌شویم در بحث حجاب هنوز فرهنگ سازی نشده است. باید ببینیم که ژاپنی‌ها چه کار کرده‌اند که راه ورود تمام فرهنگ‌های بیگانه به کشور خود را بسته‌اند و هنوز با فرهنگ اصیل خود زندگی می‌کنند و آن قدر سرعت موفقیت آن‌ها بالا بوده است که هیچ کشوری نتوانسته همانند آن‌ها بشود. ولی در کشور ما، فرهنگ‌های وارداتی با فرهنگ خودمان مخلوط شده‌است. طوری که جوان ایرانی نمی‌داند چه چیزی مال خودش است، حتی به جایی رسیده‌ایم که خیلی از فرهنگ‌های اصیل ایرانی به وادی فراموشی سپرده شده‌اند. مثلا در زمانی که هنوز فرهنگ غربی در تار وجودمان وارد نشده بود کسی که کار می‌کرد به او می‌گفتند خدا قوت و یا کسی می‌خواست از کسی تشکر کند، سپاسگزاری و تشکر می‌کردند و با کلمه‌ای مثل خدا به شما سلامتی بدهد پاسخ میگرفتند. ولی امروز هر چه می‌گویی «مرسی» را جواب می‌شنوی در پدیده حجاب هم همین‌طور است چنانکه در قرآن هم داریم که «بعد از آن که فرعون در رود نیل غرق شد و بنی اسرائیل از ظلم او نجات یافتند هنگام بازگشت به قومی بت‌پرست برخورد کردند در این هنگام به حضرت موسی گفتند ای موسی همان طوری که این‌ها معبود و بتی دارند برای ما هم مانند آن‌ها معبودان و بت‌هایی قرار بده.»[1]

یعنی این که فقط می‌خواستند مثل دیگران باشند، دیگر به هیچ چیز کاری نداشتند و شرایط فعلی هم همین‌طور است وقتی دختر ایرانی می‌بیند که در یک کشور زنی

---

[1]. سوره اعراف آیه ۱۳۸

سگ یا میمونی در بغل دارد او نیز می‌خواهد یک سگ در آغوش داشته باشد و فکر می‌کنند چقدر مترقی و پیشرفت کرده شده است.

* دومین ریشه بدحجابی یا بی‌حجابی به خاطر عقده‌های درونی و کمبودهای شخصیتی است که در تار و پود وجود انسان ریشه کرده است و خیال می‌کند همه به او توجه دارند و او شخصیت بسیار برجسته و مهمی است و از این طریق ارضا می‌شود و سعی دارد به عناوین مختلف این کار را در سطحی وسیعتر و بالاتر انجام دهد. ببینید دختری که در خیابان می‌گوید، آی مردم به من نگاه کنید! فقط در یک مورد نیست، موهایش یک جور است، راه رفتنش متفاوت است. صحبت کردنش از نوعی خود مطرح کردن است، ناز و عشوه‌اش فرق دارد، چهره‌اش داد می‌زند، موبایلش آنچنانی است و خلخال پاها پر زنگ و رنگ است.خلاصه با تمام وجود فریاد می‌زند:*«آی مردم من هستم مرا ببینید اگر نبینید فردا یک کار دیگر خواهم کرد»* این‌ها به خاطر کمبود شخصیت است وگرنه انسان می‌تواند از راه‌های دیگر مثل تحصیل، و خدمتگزاری همنوعان، به بهترین مقام برسد و زبانزد عام و خاص گردد.

* سومین علت و ریشه بدحجابی در آموزش هدفمندی منفی رسانه‌های بیگانه است. یعنی این شبکه‌ها طبق یک شرایط و ضوابط خاص طراحی شده‌اند، یعنی اینجا دیگر بحث تقلید نیست، هدف این است که جوانان مسلمان را باید به هر قیمتی مورد تاخت و تاز قرار داد و آن قدر ماهرانه و متفکرانه باید در آن‌ها رسوخ کرد تا از طریق آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم به راحتی از حجاب کناره‌گیری نمایند و علاوه بر خودشان بتوانند به دیگران هم با دلایل محکم آموزش دهند.

لذا باید در این مورد اندیشید که چرا آن‌ها علیرغم این که خارج از کشور هستند توانسته‌اند روی جوانان ما آن قدر قوی تاثیر گذار باشند، ولی ما در اینجا با اینکه همه چیز در دست خودمان، تلویزیون، مدرسه، مسجد، کتاب، و... است نتوانسته‌ایم موفق بشویم. راهی‌که آن‌ها رفته‌اند بسیار موفقیت آمیزتر از راهی بوده است که ما در داخل کشور رفته‌ایم با این که در کشور همه چیزها در ید قدرت

خودمان بوده است چه در منزل، چه در مدرسه و چه در جامعه پس معلوم می‌شود کسانی که طراحی می‌دهند واقعاً در تهاجم فرهنگی موفق بوده‌اند. و جوان ما بستر لازم این تهاجم را به دلیل عدم شناخت پذیرا شده‌اند. پس باید کمی بیاندیشیم و راه‌های بی‌خود و پوسیده و تکراری را کنار بگذاریم و از راه دیگری واردشویم و ببینیم چرا اینگونه شده است. با دست روی دست گذاشتن فقط برمشکلات جامعه می‌افزاییم. حالا سمینار و گردهم‌آیی می‌گذاریم ولی چقدر در اشتباهیم، زیرا دشمن همواره بزرگترین روانشناسان را استخدام کرده‌است تا راه نفوذ و تهاجم را برایشان پیدا کنند. و آنها هم متخصص این کارها هستند و این است که روز به روز موفقتر می‌شوند، از این طرف ما یک نفر را می‌آوریم که تاریخ مصرف تخصص‌اش تمام شده‌است. و از او می‌خواهیم باز هم حرف‌های تکراری بگوید و فکر می‌کنیم با این حرف‌ها می‌شود موفق شد.

* چهارمین ریشه‌های بدحجابی به خاطر ارتباط دختران با دوستانی است که خود در منجلاب بلاها گرفتار شده‌اند و می‌خواهند جماعت بیشتری را مثل خود به فساد بکشانند. اگر دختری ایمان محکم و قوی و استدلال محکم نداشته باشد به راحتی اسیر صحبت‌های چنین دوستانی می‌شود. دوست بد از مار زنگی هم سمّی‌تر است. به این خاطر است که روی انتخاب دوست باید بسیار محتاط بود زیرا دوست خوب انسان را تا بالاترین درجه می‌برد و دوست بد انسان را به نابودی می‌کشاند. لذا قبل از شناخت کامل به دوستت اعتماد مکن.

حضرت علی(ع) می‌فرمایند « دوست تو کسی است که تو را از گناهان و خطاها بازدارد و برادر دینی و دوست تو کسی است که تو را به راه راست هدایت نماید و تو را از گناه، دور کند و در انجام امور آخرت و اصلاح آن تو را یاری نماید.» پس دوست خوب خیلی کارها می‌تواند انجام بدهد اگر خدای ناکرده فرزند شما دوست بدی انتخاب کرد، مطمئنا او می‌تواند روی بچه شما نیز تاثیر منفی بگذارد. لذا به راحتی هم نمی‌توان او را از دوستش جدا کرد، چون تمام فکر و روح و اندیشه او دوستش

می‌باشد. پس شما با سیاست و محتاط باید عمل کنید، زیرا گرایش آدمی به انسان‌های بد متاسفانه بیشتر از انسانها ی نیک سرشت است.

* پنجمین ریشه‌های بدحجابی داشتن پدر و مادر یا اقوام درجه یک بی‌حجاب می‌باشند که همیشه مورد تقلید دخترها قرار میگیرند. در چنین خانواده‌هایی دیگر آموزش نمی‌تواند کارساز باشد فقط باید توجه نمود که سازگاری با محیط یکی از معیارهای انسانهای باهوش است که قبلا در تعریف هوش گفته‌اند، هوش یعنی قدرت سازگاری با محیط، پس می‌توان به خاطر عرف و سنت‌ها و احترام به دیگران قوانین اجتماع را رعایت نمود، زیرا وقتی در جامعه‌ای تفاوت تربیتی فاحش باشد، در روند تربیتی اجتماع تعارض ایجاد می‌گردد، و این باعث می‌شود تا دختران بپرسند چرا خانواده فلانی‌ها این گونه‌اند؟ در حقیقت تربیت دیگران نیز مورد سؤال قرار می‌گیرد و می‌شود گفت به نوعی حرمت خانواده‌های باحجاب توسط دختر بی‌حجاب شکسته می‌شود. حداقل اینِ است که به خاطر قوانین اجتماعی- مذهبی باید مراعات حال دیگران را نمود.

* ششمین ریشه دیگر بدحجابی، بی‌تفاوتی بعضی از مردان می‌باشد که انگار نه انگار که این دختر جزء ناموس آن‌ها می‌باشد! نمی‌دانم چه تصوری دارند باید دیگر باور کنند، بی‌حجابی تمدن و مترقی بودن نیست! شما یک نگاهی به آمار بکنید متوجه خواهید شد بیشتر طلاق‌ها در چه خانواده‌هایی صورت می‌گیرد و ریشه مصیبت‌ها بیشتر کجاست!!

شما آقایان عزیز درست است که به دختران اعتماد کامل دارید ولی به دیگران اعتماد کامل نداشته باشید، بالاخره انسان در هر شرایطی باشد می‌تواند فریب دیگران را بخورد و اگر زمینه فراهم باشد، دختران بسیار قوی هم فریب دیگران را می‌خورند، مگر نه این است که هر کس که بیشتر در تیررس شکارچیان باشد تیرهای زهرآلود بیشتر او را هدف می‌گیرند؟! باور کنید قدرت پسرها چندبرابر شده است، شما فکر می‌کنید اهمیت ندارد؟ پدر عزیز بپذیر که انسان جایزالخطاست

انسان احساساتی است، انسان هر لحظه ممکن است فریب بخورد. کسانی وجود دارند که قدرت جذب دارند و شکار دیگران برایشان مثل خواب خوردن آسان است. یعنی فوق‌العاده قدرت دارند. این است که نمی‌شود هر دختری را با پوشش بد در محیط رها کرد.

* هفتمین مورد (که شاید برای شما جالب توجه باشد) وجود لقمه حرام در خون و وجود فرزند شماست! مطمئن باشید اثرگذار است! من نمی‌توانم اینجا مشروحاً مسئله را باز کنم، ولی هزاران نمونه از این بدبختی‌ها را مشاهده کرده‌ام که ریشه اصلی آن‌ها در مال حرام بوده‌است. وقتی پدری مراجعه می‌کند و آرزوی مرگ می‌کند و می‌گوید دخترم آلودهٔ ده‌ها پسر شده است، وقتی خوب بررسی می‌کنید می‌بینید آقا حق کارگران را خورده و چنین فاجعه‌ای را به بار آورده، وقتی آقایی گله‌مند است خانم من زندگی را رها کرده و با یک نفر دیگر رفیق شده است، حالا متوجه کم فروشی و گران فروشی‌اش می‌شود، وقتی مادری سراسیمه مراجعه می‌کند که دخترش از طرف برادرش مورد سوءاستفاده قرار گرفته، ردپای مال حرام خوری را دقیقا حس می‌کنی! وقتی دختری در سن بسیار پایین مشکل جنسی پیدا می‌کند، متوجه می‌شوی لقمه حرام و مال دیگران چه اثراتی گذاشته، ولی نمی‌دانم چرا بعضی از خانواده‌ها متأسفانه دیر متوجه می‌شوند.

وقتی دخترتان نماز و معنویات را کنار گذارده، متوجه می‌شوید با او چه کرده‌اید. **در روز عاشورا امام حسین(ع) خطاب به مردم فرمودند «شما که گوش به سخنان من نمی‌دهید و حرف من در دل شما اثر نمی‌کند علتش آن هدایایی است که (از راه حرام به دست شما رسیده و شکم‌های شما از حرام پر شده) و به همین خاطر خداوند بزرگ بر دلهایتان مهر زده و سیاه گردانیده است»**

وقتی حرف سرور و سالار شهیدان در مردم اثر نمی‌کند دیگر چگونه می‌خواهید حرف شما در کسی که نطفه‌اش حرام و تمام پول و خون او از حرام می‌باشد، بخواهد حرف گوش کن باشد و آیین مذهبی را مورد توجه قرار دهد. پس کمی در مال و ثروت خود تأمل کنید به فکر باشید.

*هشتمین شیوه، برخورد خشن با بدحجابان بوده‌است که از نظر روانشناسی آنچنان‌که باید مورد تایید نیست، چرا که کسانی‌که شیوهٔ خشن را در پیش گرفته‌اند در ذهن دختران محبوب نیستند اگر این عزیزان اول آموزش از طریق روانشناسی را یاد می‌گرفتند (که چگونه باید با دختران این وطن برخورد کرد) می‌توانستند جایگاهی مطلوب و جاذب داشته باشند. احتمالا شنیده‌اید خانمی که کارمند یکی از شبکه‌های تلویزیونی انگلستان است، با مطالعه مسلمان می‌شود و تا الان توانسته است صدها نفر را مسلمان نمایید، می‌بینید در چه شرایطی و با هیچ زمینه و بستری چه رخ میدهد؟! ولی چگونه است ما نمی‌توانیم در کشوری که همه زمینه‌ها و بسترها برای پذیرش دین فراهم است، تاثیر منفی روی افراد میگذاریم؟ این روش‌ها قابل تأمل است، بخصوص که انسان در درگاه خداوند مسئول است.
دختران هرگز از اسلام گریزان نیستند، بلکه روش تربیتی ماست که مشکل آفرین است. اگر روش تربیتی پیامبر(ص) را دقیق مورد مطالعه قرار داده بدهیم خیلی راحت می‌توانیم با مردم برخورد کنیم. پس در برابر جوانان امروز بهترین راهکار برخورد بسیار مطلوب و قابل احترام و آموزنده و شیرین با آن‌هاست. خود قضاوت کنیم اگر روش برخوردی ما درست بود باید بدحجابی تا حالا ریشه کن شده بود. نه این‌که همچون آتش زیر خاکستر، با کوچکترین بادی کاشانه را با به آتش کشد.
*نهمین علت که می‌تواند ریشه بدحجابی باشد، عدم آگاهی از دین و معرفت‌های دینی است. وقتی دختر خانمی از آموزه‌های دینی چیزی نمی‌داند، چگونه می‌تواند حجاب که یکی از آموزه‌های دینی است را رعایت کند. او که اصلا از اصل قضیه چیزی نمی‌داند چطور باید آن را بپذیرد؟ او باید قبلا دین اسلام را درست بشناسد! اگر کسی با ایمان باشد، نماز بخواند، روزه بگیرد، قرآن بخواند و با یاد خدای بزرگ زندگی کند و به قیامت اعتقاد داشته باشد، دیگر به اعضای بدنش که امانت بزرگ خداوندی است، هرگز خیانت نمی‌کند، چون خود را درمحضر پروردگار عالم می‌بیند و دیگر نمی‌آید برای هوی و هوس زودگذر خود را اسیر دام شیطان و شیطانک-

های خیابانی کند و خود را آلودهٔ گناه نماید. حال دختری که اعتقاداتش ضعیف است و اصلا توی این وادی نیست و پدر و مادرش هیچ آموزشی به او نداده‌اند چگونه می‌تواند پذیرای نصیحت‌ها و امر به‌معروف و نهی از منکر باشد؟ باید زمینه‌های بسیار خوب و شیرین دینی را در مدارس پیاده گردد، تا بچه‌ها بفهمند. قبل از این‌که آن‌ها را مجبور به حجاب و نماز کنید باید شرایع اسلام را با زبانی شیرین و زیبا طوری در ذهن آن‌ها ریخت که تا ابد ماندگار بماند. چرا وقتی در عربستان در کنار مرقد مطهر ائمه اطهار، در قبرستان بقیع هستید به روحانیون وهابی که دسته دسته با شوق و ذوق تبلیغ وهابیت می‌کنند، و یا وقتی وارد لنبان می‌شوید به یهودیان اسرائیلی که با برخوردی عاطفی یهودیت را تبلیغ می‌کند و با دادن هدیه مردم را به طرف خود جلب می‌نمایند، توجه نمی‌کنید؟ پس باید دید آن‌هایی که دینشان آن قدر کامل نیست این گونه وسیع تبلیغ دارند، لذا باید یاد بگیریم که چگونه باید با مردم و در این مورد بخصوص فرزندانمان چگونه برخورد کنیم و آموزش بدهیم. توصیه میشود که شیوههای نو و جدید باید پیدا کرد و کار را شروع کرد، زیرا در این بازی هرکس قوی‌تر باشد برنده خواهد شد.

چرا غربی‌ها علاقمند به بی‌حجابی در کشورهای مسلمان هستند.

شاید این فکر بارها به مخیّله شما خطور کرده باشد که چرا غربی‌ها آن‌قدر طرفدار زنان مسلمان شده‌اند و خواهان آزادی آن‌ها هستند و دائم جَدَل و مباحثه می‌کنند و می‌گویند: زنان مسلمان آزادی ندارند! دلیل واضح آن این است که وقتی تاریخ را مطالعه می‌کنم همیشه ملت‌ها از دین خود دفاع کرده‌اند و حتی برای احیای دین خود جان می‌دهند و سرمایه‌گذای می‌کنند و اگر فعلا در دنیا دین مسیح طرفدار زیادی دارد. دین اسلام هم همین طور. در حقیقت گرایش به این دین در دنیا زیاد است. در شرایط فعلی و چند دهه اخیر کشورهای غربی ملاحظه می‌نمایند که مسلمان‌ها بیدار شده‌اند نه فقط بیداری اسلامی، بیداری تحقیقات، بیداری توسعه و

بیداری صنعتی. آن‌ها فکر می‌کنند که دارد رقیبی برای آن‌ها پیدا می‌شود. لذا تنها راهی که می‌توان فکر مسلمان‌ها را درگیر کرد، را انداختن یک جنگ سرد بسیار قوی است طوری که روی فکر و ذهن مسلمان‌ها تأثیر بگذارد و آن‌ها را درگیر و دچار افراط و تفریط گرایی در اصول مذاهب و حد و مرزهای جغرافیایی کند.

وقتی دختری حجاب دارد به‌مسائل تحصیلی بیشتر می‌رسد، اختراع و اکتشافات خودش را در صحنه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد. بهترین راهکار تخریب اندیشه، درگیر کردن فکر و ذهن آنها به مسائلی از قبیل عشق، جاذبه جنسی و غیره... می‌باشد تا با ازدواج‌های خیابانی نه تنها خودش را بلکه خانواده‌اش را نیز درگیر کند، به جای به فکر خوشبختی خود و خانواده و تحصیلات بودن، درگیر غم و اندوه و بحران شود. چنین مصائبی را فقط روانشناسان و جامعه‌شناسان می‌تواند تجزیه و تحلیل کنند.

در این قسمت شما نظرات بعضی از سیاستمداران غربی را مطالعه کنید تا خودتان متوجه شوید چرا این قدر حساسیت روی حجاب دارند.

آقای «مستر همسفر» یکی از سیاستگذاران و جاسوسان انگلیسی در خاطرات خود می‌نویسد در مسئله بی‌حجابی زنان باید کوشش فوق العاده‌ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند و پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیع از بمیان رفت وظیفه ماموران ما این است که جوانان را به عشق بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق می‌کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش می‌دهند لازم است زنان غیر مسلمان به طور کامل بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن‌ها تقلید کنند. فقط خودتان با تعمق کافی، متن این پیام را کامل مطالعه کنید، ببینید چقدر زیراکانه کار می‌کنند! اولا باید اشتیاق به وجود آورد، یعنی انگیزه بی‌چادری را باید ایجاد کرد و وقتی موفق شدی مرحله دوم عشق و هوسرانی شروع خواهد شد و بعد از عشق صد در صد رابطه‌ها به دنبالش می‌آید و وقتی رابطه‌ها آمد، به دنبالش روابط نامشروع رشد می‌کند و با رواج این روابط فساد شروع می‌شود و فساد که شروع شد، دیگر کار به خوبی انجام شده

است. یعنی هدف اصلی آن است که فساد ایجاد شود، زنان مسلمان تابع زنان غیر مسلمان می‌شوند و کم‌کم فکر و ذهن آن‌ها به غرب گرایش پیدا می‌کند و در حقیقت مسلمان‌هایی را پرورش داده‌ایم که به ظاهر اسلامی و در باطن روح غربی دارند، دیگر مسلمانان اصل و حقیقت را نمی‌بینند و نقاب مسلمانی دارند. و نکته غم انگیزی و دردآور این که بعضی از تحصیل کرده‌های خودمان نیز همین ایده و نظرات را دارند و با استدلال خانواده را توجیه می‌کنند که این آزادی لازم است ولی نمیدانند عواقب این بی‌بند و باری‌ها چیست و قربانی این نظریه‌ها چه کسانی هستند.

یکی از نویسندگان به نام «فرانتس فانون»می‌نویسد هر چادری که دور انداخته می‌شود، مرزی را که تا آن هنگام برای استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن شخصی را که عریان شده است تماما به او نشان می‌دهد، پس از دیدن هر چهره بی‌حجابی امیدهای حمله ور شدن اشغالگر ده برابر می‌شود.[۱]

به راستی استعمارگران چه می‌خواهند آیا طرفدار زن هستند یا همه این‌ها ترفند است. اگر خوب دقت کنید و بیندیشید، وقتی این‌ها برای اهداف شوم خود خون کودکان و زنان را می‌ریزند، وقتی انسان‌ها را آواره می‌کنند، وقتی از کشته شدن انسان‌های بی‌گناه لذت می‌برند، وقتی در خون شناور شدن هزاران انسان برایشان هیچ خیالی نیست، وقتی آثار بمب‌هایشان هنوز انسان فلج به دنیا می‌آورد، آیا طرفدار زنان هستند و ادعای آزادی و دموکراسی برای زنان مسلمان دارند؟ هرگز هرگز چنین نیست این‌ها چیز دیگر می‌خواهد، فقط نابودی زنان مسلمان! غم انگیز و تاسف آور آن است که بعضی از دختران ما سر تعظیم برابر خواسته‌های آن‌ها فرود آورده‌اند و به راحتی می‌پذیرند! نکته‌ای بگویم که بسیار جالب است و خواندنش جای تعمق دارد:

---

۱. مینا هاشمی، سالنامه زن بخش ۷۱

«اسپنسر» فیلسوف معروف انگلیسی توصیه‌ای دارد و می‌گوید:
«اخلاق و آداب و زبان و تمدن خودتان را به اقوام و مردم دیگر بیاموزید و آن‌ها را به حال خودشان واگذارید که همیشه از آن شما خواهند بود.[1]
این جمله از یک فیلسوفی با تدبّر و اندیشه که صدها سال بعد از خودش هنوز گفتهٔ جالبی است قابل بحث و تجزیه و تحلیل، که اگر کسی بتواند اخلاق و رفتارش را به دیگری آموزش دهد، او را اسیر خودش کرده‌است. همان آینه رفتار دیگران بودن! اگر می‌خواهی کسی را برای همیشه از آن خود کنی باید روح خودت را در او بدمی، او را مثل خودت کنی دیگر نیاز به هیچ زحمتی نیست. او خود شماست و وقتی خود شماست دیگر نگران نیستید و هر بلایی می‌خواهید سر او بیاورید. این‌ها واقعا با تمام وجود تلاش می‌کنند یک ملت، آلودهٔ فرهنگ آن‌ها و از هر نظر محتاج به آن‌ها شود. فقط مثالی می‌زنم خودتان قضاوت کنید، در بعضی از خانواده‌ها می‌بینید، کت شلوار انگلیسی، غذا، مبل، میزآشپزخانه، مهمانی کردن، برخورد با دیگران، لباس خواب، برخوردها، همه انگلیسی است و چه افتخاری هم می‌کنند، تا صحبت وسایل خانه می‌شود، لندن را مثال می‌زنند، یعنی افتخار می‌کنند، که در ایران زندگی می‌کنند ولی فرهنگ خود را فروخته و یک فرهنگ نو خریده‌اند. و هر مشکلی را پشت متقبل می‌شود تا بتواند فرهنگ مورد نظرش را پیدا کند و حتی به دیگران هم القا می‌کند این همان است که فیلسوفان انگلیسی در صدد آن بوده‌اند و امروز باید ملتی به آن‌ها افتخار کند که ما تابع شما بوده‌ایم!
در همین راستا و در نقطه مقابل آن فیلسوف، رهبر فرزانه انقلاب نیز صحبتی دارند که می‌فرمایند:
« بزرگترین بلا برای یک ملت این است که بخش‌هایی از فرهنگ و تمدن خودش به مرور از حافظه‌اش پاک شود و اصلا آن را به یاد نداشته باشد این خیلی

---

[1]. اسلام بر سر دو راهی ص ۲۳

بلای بزرگی است و متاسفانه غربی‌ها با ما این کار را انجام دادند و هدف استکبار جهانی که در راس آن آمریکاست در مواجهه با ایران اسلامی فقط اسلام است و هیچ مسئله دیگری در میان نیست والله که آمریکا از هیچ چیز ملت ایران به قدر مسلمان بودن و پایبندی به اسلام ناب محمدی ناراحت نیست.[۱]»

البته اینگونه رفتارهایی که از کشورهای استعمارگر سر می‌زند خیلی از آدم‌ها حس نمی‌کنند و نمی‌دانند این کشتی راهی کدام دریا است، برایشان عادی و مهم نیست فرهنگ و اصالت یعنی چه! مثل جوانی که توی خیابان می‌رود و پشت پیراهنش تصویری را می‌بینی که مربوط به کسانی است که تقاضای هم جنس گرایی دارند! این جوان اصلا نمی‌داند یعنی چه! فقط فکر می‌کند که مد است. این مسائل و جریانها کسانی درک می‌کنند که اندیشه و فکر باز دارند و مطالعه می‌کنند. نه دختر خانمی که شلوار لی تنگ می‌پوشد، طوری باید به زور از پاهایشان در آورد! این دختر خانم فقط به فکر مد است نمی‌داند مربوط به چه کسی و چه کشوری است و هدف از آن چیست و نکته مهم این است که در حجاب هم همین اتفاق افتاده است، دختر پاک و اصیل ایرانی آرام آرام فرهنگش را تقدیم می‌کند و با چشم و گوش بسته می‌پذیرد که من سرباز فرهنگ غربی هستم.

بیانات مقام معظم رهبری درباره تهاجم فرهنگی

« در تهاجم فرهنگی دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد. معلوم است که دشمن چه می‌خواهد اگر در تبادل فرهنگی ملتی که از فرهنگ بیگانه چیزی می‌گیرد تشبیه به آدمی شود که در کوچه و بازار غذا و دوای مناسب می‌خرد که مصرف کند در تهاجم فرهنگی ملتی را که تحت تهاجم قرار گرفته است باید به بیماری که افتاده و

---

۱. فرهنگ و تهاجم فرهنگی

خودش کاری نمی‌تواند بکند تشبیه کنیم. آن وقت دشمن آمپولی به او تزریق می‌کند و معلوم است آمپولی که دشمن تزریق کند چیست این فرق دارد با آن دارو و درمانی که خود شما بروید و آن را با میل انتخاب و وارد بدنتان کنید. این تهاجم فرهنگی است. پس تبادل فرهنگی به انتخاب ماست اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است تبادل فرهنگی انجام می‌دهیم تا کامل شویم یعنی فرهنگ خودی را کامل کنیم اما تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه کن کند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر، معاونین و روسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱)

منبع سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

نظریه‌های مهم در مورد حجاب

وقتی انسان بخواهد موضوعی را بررسی کند باید ریشه اصلی آن را پیدا کند و ببیند صحت آن در چه حد است و نظریه‌های متفاوت درباره آن را مورد مطالعه قرار دهد اگر دید این موضوع مورد تایید عده‌ای از بزرگان دینی و علمی دنیا قرار گرفته دیگر شک و ابهام از آن برداشته می‌شود و اجرا می‌کند، چرا که امروزه برای سلامتی جسم اکتفا به چند پزشک و متخصص می‌کنیم و آن را انجام می‌دهیم برای سلامتی روح هم چیزی است اگر تاکید زیادی بر اهمیت یک موضوع شده باشد گرچه تعداد معدودی مخالف هم داشته باشند برایمان حجت است که خوب و مورد پسند است در این بخش می‌خواهیم تمام نظرات را از هر طریق ممکن، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم. لذا اگر پسندیده باشد دیگر پذیرش آن نباید مشکلی برایمان ایجاد کند. ابتدا سعی می‌کنم از اولین سرچشمه بزرگ علمی مذهبی‌امان قرآن نمونه بیاورم تا به نظرات غربی و شرقی برسیم.

۱- حجاب از دیدگاه قرآن کریم

«ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو روسری‌های بلند خود را بر خویش فرو افکند تا شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند خداوند همواره بخشنده و مهربان است.[۱]

زیبایی این آیه چنین است که باید توسط پیامبر(ص) گفته شود و اول برای خودت برای زن و فرزند خودت بعد به مومنین بگو، تا شناخته نشوند. اگر بخواهیم در شرایط امروز بحث کنیم یعنی تا انگشت نمای دیگران در کوچه خیابان قرار نگیرند و از طرفی مورد آزار قرار نگیرند، چرا که اگر امروز هم یک دختر عفت و حجاب خود را رعایت نکند، شاید صدها جوان به‌غیر از نگاه شیطانی، متلکی به او بگویند و اگر سرخیابان بایستید، ماشین‌ها برایش بوق‌می‌زنند، این یعنی اذیت و آزار.

چون این زن یا دختر با افراد عادی جامعه تفاوت دارد و در میان همه بارز و مشهود است. این یعنی آزادی؟ بد است. ممکن است حتی حس شهوت هم به او داشته باشند. در صدر اسلام هم چون بعضی از زنان بی‌بند و بار بودند و حجاب نداشتند و نمی‌دانستند، خداوند دستور داد تا حجاب را رعایت نمایند، تا زنان عزت و بزرگی و شرافت خود را داشته باشند در حقیقت حجاب نشانه پاکدامنی ایمان و سلامت روح و جسم زن است.

۲- **حضرت زهرا (س)** پیامبر (ص) از صحابه پرسیدند چه چیزی برای زنان از همه چیز بهتر است پاسخ حضرت زهرا (س) سه چیز بود: « از همه چیز بهتر این است که نه آن‌ها مردان بیگانه را بپذیرند و نه مردان بیگانه آن‌ها را »

---

[۱]. سوره احزاب آیه ۵۹

منظور حضرت زهرا (س) خانه نشینی نیست، چرا که همین زن که برترین الگو و عالیترین چهره بشریت و فریادگری علیه ظلم و ستم بر امام خویش و جامعه است، از محدوده خانه پا به بیرون میگذارد و در اجتماع حضور می‌یابد و با شیواترین جمله‌ها از خود و حقیقت دفاع می‌کند، و اما همهٔ این‌ها درنهایت حیا و عفاف است.

۳- **حضرت امام حسین (س)** در حساس‌ترین حادثه تاریخی و در اوج سختی‌ها و مصائب امام حسین (ع) در آستانه رفتن به میدان نبرد فرمودند آماده مصیبت باشید، لباس‌های خود را بپوشید و بدانید خدا حامی شماست و از شما حفاظت می‌کند و از شر دشمنان نجاتتان می‌دهد و عاقبت امورتان را خیر می‌کند. حضرت امام حسین (ع) در آن وضعیت هم به دختران و زنان خود سفارش پوشش می‌کند، زیرا نمی‌خواهد، عزیزان او مورد مشاهده بیگانگان قرار گیرند، چرا که خود طرفداران یزید هم زنان و کنیزان خود را در پس پرده نشانده بودند. حضرت زینب در سخنرانی خود فرمودند:« **آیا عدالت همین است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده بگذارید و دختران رسول خدا(ص) را در مقابل بیگانگان بر پایداری پرده زنان ما را هتک کردی و نقاب از چهره‌شان به غارت بردی.»**[۱]

۴- **حضرت امام صادق (ع) فرموده‌اند** برای زن مسلمان جایز نیست که روسری و پیراهنی بر تن کند که بدنش را نپوشاند.[۲]

۵- **حضرت امام رضا (ع)**

حرام شد، نگاه به موهای زنان برای این که اگر موهای آن‌ها در برابر مردان نامحرم آشکار شود باعث تحریک و جلب خواهد شد و این جلب شدن مردان به زنان فساد و بی‌بند و باری به دنبال دارد و سبب می‌شود مردم در کارهای حرام

---

۱. بلاغت النساء ص ۳۴

۲. وسائل الشیعه ج ۳ ص ۲۸۱

وارد بشوند.[1]

حجاب در تورات

تورات و انجیل بر موضوع پاکدامنی و حجاب زن و دوری از هر ناز و عشوه‌گری جز در برابر شوهر تاکید نموده است.

۶- وظیفه زنان از نظر انجیل

اما تو، سخنان را که تعلیم صحیح را بر تو می‌گوید، بگو که مردان پیر هشیار و با وقار و خرد و اندیشه در ایمان عفت و صبر دقیق باشند.

و زنان پیر در مسیر متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب، بلکه معلم تعلیم نیکو، تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست باشند و خرد اندیش و عفیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا ضد کلام خدا متهم شوند.[2]

و همچنین می‌گوید :« اگر دست و پایت تو را بلغزاند آن را قطع کرده و دور انداز زیرا تو بهتر است که لنگ یا شل داخل حیات شوی از آن که با دو دست یا پا در آتش جاودانی افکنده شوی.»

اگر چشمت تو را لغزش دهد آن را قلع کرده و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر است با یک چشم وارد حیات شوی از این که با دو چشم در آتش افکنده شوی[3]

پس در این بحث متوجه می‌شوید آنانی که خود را پیروان تورات و انجیل می‌دانند کدام یک از پندها و اندرزها را گوش می‌کنند. فقط امروزه نیست که شاهد بی‌بند و باری افراطی آن‌ها می‌باشیم هر روز شاهد هستیم، در اروپا از دین و معنویت دور شده‌اند و به‌جای اجرای احکام دین خود، فساد و برهنگی و بطور بسیار زننده‌ای

---

[1]. علل الشرایع ج ۲، ص ۲۸۷

[2]. انجیل، رساله بولس، باب دوم فقره ۱

[3]. انجیل متی باب ۱۸ قو ۱۰

رواج دارد. جالب این است که بعضی از دختران کشورهای اسلامی رهرو این تمدن هستند و می‌خواهند، کسانی برسند که خود از این وضع احساس خطر کرده‌اند و هر روز از سقوط انسانیت صحبت می‌کنند. حالا زنان مسلمان به خصوص ایرانی که بهترین زنان دنیا از جهت عفت و پاکدامنی هستند آن‌ها را الگو قرار داده‌اند.

۷- حجاب در شریعت زرتشت

زنان محترم ایران برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد حدودی که آن‌ها را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز دهد، صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را پنهان نگه می‌داشتند.[۱]

۸-حجاب از نظر ژان ژاک روسو

« مرد و زن تمایلات جنسی نامحدودی دارند و خداوند برای فروکش کردن نیروی شهوت مرد به او عقل داده و به زن حجب و حیات بخشیده است.» چه جمله جالبی: عقل در مردان مثل حیا در زنان است یعنی اگر زنی حیا نداشته باشد مثل این که عقل ندارد.

۹- سخن ویل دورانت درباره حجاب یهودیان

در قرون وسطی یهودیان زنان خویش را با لباس‌های فاخر می‌آراستند کسی به آن‌ها اجازه نمی‌داد که با سر عریان به میان مردم بروند. نپوشاندن موی سر خلافی بود که اگر زنی انجام می‌داد مستوجب طلاق بود. از جمله تعالیم شرع یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویدا است دست به درگاه خدا بردارد.

۱۰- سخن منتسکیو فیلسوف بزرگ درباره حجاب

« تمام ملل جهان در این عقیده مشترک هستند که زن‌ها باید حجب و حیا داشته

---

[۱]. حقوق زن در اسلام در اروپا

باشند تا بتوانند خودداری کنند. علتش این است که طبیعت این طوری حکم کرده و لازم دانسته، زن‌ها محجوب باشند و بر شهوات غلبه نمایند. طبیعت مرد را طوری آفریده که تهور داشته باشد ولی زن را طوری آفریده که خودداری و تحملش زیادتر است. بنابراین هرگز نباید تصور کرد افسار گسیختگی زن‌ها به طور طبیعی است، بلکه افسار گسیختگی بر خلاف قوانین طبیعت است و بر عکس حجب و حیا و خودداری مطابق قوانین الهی است، زیرا طبیعت ما را طوری آفریده که به نقص خود پی ببریم و به همین جهت دارای حجب و حیا هستیم حال اگر تاثیر آب و هوای محلی به قدری زیاد باشد که این قانون طبیعی یعنی حجب و حیا را نقص نماید، قانون گزاران باید با وضع قوانین مخصوصی این نقصان را رفع کند تا قوانین طبیعی به قوت خود باقی بماند.[۱]

۱۱- **جودیت میلر** در مقاله‌ای با نام " زن در آغوش اسلام امنیت تازه می‌یابد" می‌نویسد: پوشش برای زن این امکان را فراهم ساخته که در شهرهای شلوغ بتواند به راحتی فعالیت کند و از مزاحمت مردان جوان و نوجوانانی که در جستجوی کار از هر طرف کشور به پایتخت سرازیر شده‌اند در امان بماند. این لباس یک پیام غیر قابل تردید به اطرافیان می‌فرستد حجاب می‌گوید این زن نجیب است با او کار نداشته باشید و به وی اجازه می‌دهد بدون این که مورد آزار جنسی قرار گیرد در اتوبوس‌های شلوغ شهر سوار شود.

این چه تفسیر قشنگی است.

۱۲- گاندی رهبر فقید هند؟

« زن با آن که به ظاهر در صدد آزادی برآمد ولی در خطر جدیدی قرار گرفت و آن خطر بازیچه مردان هوسران شدن است. من ترجیح می‌دهم که نسل انسان

---

۱. منتسکیو ص ۴۴۲

نابود شود تا(زن که ظریفترین مخلوق الهی است) بماند و از هر حیوانی پست‌تر گردد به یک وسیله عیاشی و شهوترانی مرد تبدیل شود. اگر من زن بودم علیه ادعای مرد مبنی بر این که زن به دنیا آمده تا بازیچه او باشد، نخست عصیان می‌کردم. ای زنان اگر آرایش کردن شما به خاطر جلب شهوت مردهاست از این کار خودداری کنید و زیر بار ننگ چنین خفتی نروید.»

واقعا این سخنان آن قدر زیباست که انسان را به فکر می‌اندازد. به راستی که زنان چه زحماتی کشیدند تا از اسارت مرد رهایی یابند. ولی متاسفانه از گودالی خارج و به چاهی سقوط کرده‌اند، اگر قبلا در ید قدرت یک مرد بودند، امروزه در تیررس چشمان زهرآلود مردانی هوسباز قرار گرفته‌اند. این است که اگر نسل نابود شود بهتر است تا زن این موجود با ارزش اسیر دست مردان عیاش و شهوترانی شود که فقط او را به خاطر یک چیز بخواهند، این بزرگترین اهانت به شخصیت زنان است. ولی همین زنان اگر بخواهند، هیچ مردی نمی‌تواند کوچکترین سوء استفاده‌ای از آن‌ها بکند. تاکید میشود تن نیمه عریان خود پیامی است برای دستاویز قرار گرفتن، خود فریادی است برای این‌که منم آن‌چه شما می‌خواستید! من لباس انسانیت و حیا و عفت و پاکدامنی را فروخته‌ام و در خفت و خواری هستم.

۱۳- **خانم «ساچیکومواداتا»** دکترای الهیات از ژاپن

« من حتما محجبه بودن را ترجیح می‌دهم و حد معقول پوشش را می‌پسندم، زیرا لطف زن به محجبه بودن است. اصلا طبع هر انسانی کشف تنوع‌هاست، وقتی زنان به شکل امروزی مکشوفه باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی‌گذارد. و اصولا حفظ سلامت بزرگ‌ترها یکی از وظایف اخلاقی مردم ژاپن است و این مولود تعلیمات مذهبی است که باز هم در ژاپن از مقام و موقعیت‌های خاصی برخوردار است. و زن‌های ژاپنی در هر موقعیت تحصیلی که باشند کار در خانه را ترجیح می‌دهند. فرزندانشان را خوب تربیت می‌کنند و برای مردان خود نیز احترام

فوق العاده قائل هستند.»
زنان و دختران عزیز و مهربان به این جملات که یکی از جنس خود شما که تحصیل‌کرده و اهل یکی کشورهای پیشرفته جهان است توجه کنید، درمی‌یابید که در این جملات زیبای چه مفاهیم والایی نهفته است: اولا لطف و بزرگواری یک زن را در حجاب می‌دانند و به این دلیل که انسان ذهنی دارد که در پی کشف کردن است، یعنی باید رنج و تلاش داشته باشند تا به گنج برسند اگر زنی بی‌حجاب و نیمه عریان باشد دیگر کشفی و تنوعی وجود نخواهد داشت یعنی آن گنج که باید تلاش کنی بیابی بهایش را از دست داده است و در برسر هر کوچه و بازاری فراوان یافت می‌شود. درست است بعضی‌ها دنبالت هستند ولی لُب کلامشان به این اشاره دارد که در هر مقامی می‌خواهی باش هر چه تحصیلاتی می‌خواهی داشته باش! اما بدان کارخانه بسیار مهم است، چون تربیت صحیح اساس جاه و موقعیت یک خانواده و کشور است و از همه مهمتر احترام به مردان حائز اهمیت است. احترامی در چهارچوب انسانیت که هر دو طرف عزت وشرف خود را از دست ندهند. پس دختری که حجاب را رعایت می‌کند میخواهد دیگران از او سوء استفاده نکنند. پس زنی که حجاب را رعایت نمی‌کند برای همسرش ارزش قائل نیست. عفت و حجاب احترام به پدر و شوهر می‌باشد و در پایان همه این عفت و زیبایی‌ها را مدیون اعتقاد مذهبی می‌داند که هنوز در ژاپن ریشه عمیق دارد و کشوری است که فساد اخلاقی در آن بسیار پایین است.

۱۴- چارلی چاپلین هنرپیشه مشهور جهان خطاب به دخترش

می‌گوید « دخترم هیچ کس و هیچ چیز را در این جهان نمی‌توان یافت که شایسته آن باشد که دختری ناخن پای خود را به خاطر آن عریان کند. به گمان من تو باید مال کسی باشی که روحش را برای تو عریان کرده است. تا وقتی قلب عریان کسی را ندیدی بدنت را عریان نکن. هرگز چشمانت را برای کسی که معنی

نگاهت را نمی‌فهمد گریان مکن. قلبت را خالی نگه دارد و اگر روزی خواستی کسی را در قلبت جای دهی، سعی کن فقط یک نفر باشد به او بگو تو را کمتر از خدا و بیشتر از خودم دوست دارم! واقعا انسان از این همه جملات زیبا متحیر می‌شود! ای کاش گوش شنوایی باشد!! هیچ کس و هیچ چیز یعنی همه آدم‌ها در این جهان، ارزش آن را ندارند که حتی ناخن پایت یعنی ضعیف‌ترین نقطه بدنت را به خاطر آن‌ها لخت کنی و نشان بدهی چه برسد به این که بخواهی بدنت را نشان دهی! یعنی منظورش هیچ چیز وجود ندارد. و اگر کسی نه ظاهراً بلکه باطن و روحش یعنی تمام وجودش چون روح از بدن جدا شود می‌میرد این روح را نثارت کرد، تو اجازه داری خودت را را نثارش کنی! حتی چشمانت را بی‌خود و بی‌جهت برای کسی که نگاه تو را نمیفهمد گریان نکنی! یعنی درکت نمی‌کند یعنی در وجودش نیستی یعنی در قلب او جای نداری، و چه جالب یک نفر که اجازه ورود به قلب تو داده و تو هم اجازه دادی در قلب یک نفر باشی که بعد از خدا تو را دوست داشته باشد!

۱۵- **استاد مطهری** در کتاب مسئله حجاب می‌فرماید

بدون شک پدیده «برهنگی» بیماری عصر ماست و دیر یا زود این پدیده به عنوان یک بیماری شناخته خواهد شد فرضا ما کورکورانه از غرب تقلید کنیم خود پیشتازان غربی ماهیت این پدیده را اعلام خواهند کرد ولی ما اگر به انتظار اعلام آن‌ها بنشینیم می‌ترسم خیلی دیر شده باشد اگر می‌خواهید ببینید کار برهنگی در غرب به کجا رسیده و فریاد چه کسی را بلند کرده است نامه هنرپیشه معروف یعنی چارلی چاپلین را بخوانید.

۱۶- **امام خمینی (ره)** در مورد حجاب چنین بیان می‌کنند:

زن هم باید از فساد اجتناب کند زن نباید ملعبه جوان‌های هرزه بشود. زن‌ها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای نخواسته بزک کرده بیرون بروند و در انظار

مردان قرار گیرند زن‌ها باید انسان باشند زن‌ها باید تقوا داشته باشند، زن‌ها اختیار دارند همان طوری که مردها اختیار دارند آن‌هایی که قصد دارند زن را ملعبه مردان و جوانان فاسد قرار بدهند جنایتکار هستند زن‌ها نباید فریب بخورند. زن‌ها گمان نکنند این مقام زن است که بزک کرده یا سر باز و لخت بیرون برود. این مقام زن نیست این عروسک بازی است نه زن، زن باید شجاع باشد زن باید در مقدرات اسلامی مملکت دخالت کند. زن آدم ساز است. زن مربی انسان ساز است.[۱]

مقام معظم رهبری چنین بیان می‌کنند

مساله حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد این یک برداشت کاملا غلط است. مساله حجاب به معنای جلوگیری اختلاط بی قید و شرط هم به ضرر جامعه و هم به ضرر زن و مرد به خصوص به ضرر زن است.[۲]

و در پایان سرگذشت«**ماشا الیلیکینا**» هنرپیشه معروف در روسیه می‌تواند نقطه پایانی بحث باشد که به نظر خیلی جالب و جذاب هم هست. او که شهرت و محبوبیتش به اوج رسیده و در بالاترین درجه قرار گرفته بود، همانطور که به سرعت در آسمان شهرت طلوع کرد، خیلی زود هم غروب کرد.

نه به دلیل این که مشکلی داشته باشد نه، به دلیل این که او در اوج زیبایی چهره و صدا به یکباره جرقه‌ای در تار و پودش دمید و مسلمان شد و به جای درخشش‌های کاذب دنیا لباس عفت و پاکی را به تن کرد او در اوج شهرت زمانی که همه به سویش رو آورده بودند و می‌توانست میلیارد دلار جمع‌آوری کند حجاب و عفاف را انتخاب کرد و به همه شهرت‌ها و مطرح شدن‌ها پشتِ پا زد. او می‌گوید :« مسلمان شدنم فقط لطف خدا بود و چقدر احساس خوشبختی و سعادت

---

[۱]. صحیفه نور ج ۱۱ ص ۲۵۴

[۲]. فرهنگ و تهاجم فرهنگی ص ۲۵۴

می‌کنم!» او اعتماد دارد این میل در همه انسان‌ها وجود دارد، فقط باید فکر کند و به فطرت و ذات خود رجوع کند و اگر می‌خواهد خدایی شود فقط فکرش باید خوب کار کند. و اگر کسی نمی‌تواند راجع به خدا فکر کند حداقل سعی کند از خودش رهایی یابد و پلیدی‌های نفس خود را مهار کند و تمام بدی‌ها و ذلت‌ها را از خود دور کند. او زنی با سواد بالا و حداقل به پنج زبان دنیا مسلط است، به غفلت مردم در عصر اطلاعات گوشزد می‌کند و می‌گوید :

« امیدوارم کسانی که هنوز به دین اسلام مشرف نشده‌اند لحظه‌ای به خود بیایند و فارغ از انبوه اطلاعات پوچ و بیهوده‌ای که چشم و گوش مردم این دوران را فراگرفته کمی اندیشه کنند، چون اسلام نسبت به ادیان دیگر محکم‌ترین اساس را دارد و تمام قواعد اسلام در زندگی کاربرد دارند و راه اسلام سعادت بخش است و امروز من این فرصت را دارم که مقایسه کنم قبلا چه بودم و حالا چه هستم. من اکنون با حیات واقعی آشنا شده‌ام پس خوشبختم و می‌گوید من از جلوه‌های کاذب سابق تنفر دارم و امیدوارم مردم با عکس‌های نامناسبی که سابق در اینترنت منتشر شده است عبرت بگیرید و بدانند که هر لحظه می‌توان به سوی خدا بازگشت توبه کرد و از نو متولد شد.»[۱]

بلی نکته مهم و درخشان اینجاست که به خودش افتخار می‌کند که حجاب اسلامی دارد و مشغول تدریس می‌باشد. رفتار این زن تجربه‌ی بسیار مفید و ارزنده برای همه‌ی جوانان است. به‌خصوص دختران مسلمان که‌گاهی به‌دلیل وسوسه‌های غرب گول لحظات آنی و دنیوی می‌خورند و زرق و برقهای ظاهری فریبشان می‌دهد و قدر منزلت و ارزش خود را درک نمی‌کنند، اگر واقعا بدانند این زن چه گوهری ارزشمندی است هیچ وقت حجاب خود را از دست نمی‌دهند و به جایی

---

۱. www.fardanews.com

می‌رسند که از زن بودن خود لذت می‌برند.
این است که خداوند بزرگ می‌گوید تمام دنیا را به خاطر وجود یک زن خلق کردم و آن هم دختر پیامبر (ص) بود و او بانویی سرشار از بصیرت بود که در زنان جاهلیت کوثر زنان و مردان آفرینش نام یافت و الگوی ماندگار برای همگان بود و جلوه‌ی ارزشی و ضد ارزشی زنان را برای همیشه تاریخ به تصویر کشید و بانوان را انسان‌های پر لطافت، گرم و با الفت و پاکیزه و سرشار از برکت می‌دید.

اعتقادات دینی به عنوان بهترین بازدارنده بی‌حجابی

نکته‌ای که امروزه قابل توجه است این است که اگر دختران ما دارای اعتقادی محکم و راسخ باشند و ایمانشان قوی باشد هیچ قدرتی نمی‌تواند کوچک‌ترین مشکلی از جهت حجاب برایشان ایجاد کند. زیرا وقتی ایمان قوی باشد دیگر حتی نیازی هم به نصیحت و آموزش نیست. یک حس درونی و به‌طور اتوماتیک در دختران شکل می‌گیرد، طوری که استحکام آن تا آخر عمر ادامه می‌یابد و عوامل محیطی نمی‌تواند در آن اثر بگذارد.
در کلاس‌های دانشگاه مشاهده می‌شودکه بعضی ازدانشجویان تحت هیچ شرایطی کوچکترین بدحجابی هم ندارند و آن قدر وقار و متانت دارند که ده‌ها خواستگار هم دارند ولی با تمام این‌ها حتی ارزش خود را بالاتر از خواستگارهای در کلاس می‌دانند و علیرغم این که هیچ فردی هم آن‌ها را اجبار نمی‌کند، ولی این رفتار در قلب آن‌ها ریشه دوانده است.
این گونه دختران با زبان سر آموزش ندیده‌اند، بلکه با زبان دل آموزش دیده‌اند. در این راستا تحقیقات زیادی پیرامون اعتقادات مذهبی در ابعاد متفاوتی مثل فرار دختران، طلاق، خودکشی و... به‌عمل آمده‌است. حاصل تحقیقات نشان می‌دهد که کمرنگی دین یکی از عوامل اصلی مشکلات در دختران می‌باشد. مثلا در یک تحقیق دانشگاهی پیرامون فرار دختران صورت گرفته به این نتیجه رسیده‌است که

هر چه بی‌حجابی رشد کرده است به‌دنبالش فرار رشد کرده است. اگر از سال ۶۵ تا به حال فرار دختران ۲۰ برابر شده‌باشد، ۲۰ برابر هم گرایش به ماهواره و بی‌حجابی شکل گرفته‌است. نکته بسیار مهم و اساسی این است که این تحقیق به خوبی نشان داده است که تمام دخترانی که در طول یک سال دارای مشکل بوده‌اند و از خانه فرار کرده‌اند، فقط ۵٪ آن‌ها پایبند به فرایض دینی بوده‌اند.[۱] و ۹۵٪ از دختران مشکل دار اصلا اعتقادی به فرامین دینی نداشته‌اند و متاسفانه در طی ۴ ماهه سال حدود ۶۰۱۵۶ دختر فرار از منزل گزارش شده که اساسی‌ترین نکته در این تحقیق نشان می‌دهد که فقط ۲٪ از این تعداد در زندگی خود به اماکن مذهبی می‌رفته‌اند. نکته اساسی این است که اعتقادات مذهبی نقش مهمی در این امر دارد. آن‌هایی که دارای اعتقادات مذهبی هستند و فرایض دینی را انجام می‌دهند، در این آمارها اصلا لحاظ شده‌اند. نکته دیگر در نوع تفکر دختران و نوع کتاب‌های است که مطالعه می‌کنند. از این تعداد ۳٪ بعضی مواقع کتابهای مذهبی مطالعه نموده‌اند و باز تحقیق نشان داده است که فقط ۶٪ از این تعداد پای‌بند به اعتقادات مذهبی بوده‌اند و اگر مطالعه و بررسی داشته باشیم، می‌توانیم بفهمیم که علل و عوامل چه می‌تواند باشد. لذا برای جلوگیری از مشکلات عظیم دختران فرار و فساد – بی‌حجابی اندیشید و با آموزش صحیحِ اعتقادات مذهبی با زبانی منطقی و شیرین حل کرد. متاسفانه بعضی از روانشناسان و جامعه شناسان که فقط مطالعه کتابها غربی را دارند، بدون تحقیق خانواده‌ها را مورد اهانت قرار می‌دهند و ادعا می‌کند که فقر و تنگدستی عامل بسیاری از مشکلات است.

در صورتی که اصلا چنین نیست. نتایج تحقیقات دانشگاهی نشان دهنده این است که فقر فرهنگی، ریشه اصلی و به وجود آورنده مشکلات دختران است ولی هرگز فقط اقتصادی عاملی مهم برای این مشکلات نبوده و اصلا اگر تحقیق هم نباشد

---

[۱]. محسن گل پور، بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر فرار دختران، ۱۳۸۲

خیلی از خانواده‌ها را مشاهده می‌کنید که شغلی بسیار ساده دارد یا خانواده‌ای در روستا با کمترین درآمد زندگی می‌کنند ولی دختری بسیار نجیب و پاک تربیت می‌کنند که اصلا قابل قیاس با یک دختر با تمکن مالی بالا نیست.
در طی یک بررسی خانواده‌ای با سطح اقتصادی برابر و نابرابر در محیط متفاوت مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج به دست آمده چنین بود، در یک منطقه روستایی علیرغم پایین بودن سطح اقتصادی، میزان مصونیت خانواده‌ها در برابر معضلات دختران بالاترین سطح شاخص را نشان داده است. میزان اعتقادات مذهبی نقش بسیار موثری در این راستا داشته است. ولی برعکس در کلان شهرها میزان مصونیت پایین و سطح پای‌بندی به مسائل مذهبی نیز خیلی پایین بوده است.
امروزه وقتی شما مطالعه می‌کنید متوجه می‌شوید طلاق ۱۷٪ رشد می‌کند و طبق آمار سالانه ۶۰ هزار نوجوان از خانه فرار می‌کنند که متاسفانه ۷۴٪ دختران هستند.
و از همه بدتر و فاجعه‌آمیزتر آن که حدود ۶۰٪ از دختران فراری در هفته اول مورد سوء استفاده و آزار جنسی قرار می‌گیرند و اولین قربانگاه جذب این دختران باندهای فساد هستند که ۹۰٪ آن‌ها را شکار می‌کند و متاسفانه این آمار رو به رشد می‌باشد. به‌راستی بیایید با هم صادقانه قضاوت کنیم، بیایید به دور از ذهنیات از پیش ساخته خودمان و جدان را قاضی کنیم و لحظه‌ای بیندیشیم آیا در سال‌های بسیار دور دختران، آلوده‌ی فرهنگ شوم غرب و ماهواره‌ها و رسانه‌ها نشده بودند و گریبانگیر خانواده‌ها نبود آیا وقتی متوجه می‌شدیم یک نفر طلاق گرفته برایمان جای تعجب نبود آیا اگر یک دختری فرار می‌کرد شگفت زده نمیشدیم؟ آیا فکر نمی‌کنیم که خانواده‌های قدیمی که اسیر تجملات نبودند چقدر راحت‌تر زندگی می‌کردند و دختران چه عزت و افتخار داشتند. تو را به خدا خودتان قضاوت کنید اگر یک جوانی دختری را برای ازدواج انتخاب می‌کرد چه گزینش سختی داشت و چقدر باید خوب بود که مورد تایید قرار گیرد واقعا دختران چقدر شرافت و بزرگی داشتند و مهمترین مسأله برای پسران و دختران برای شروع یک زندگی ایمان بود

و ایمان به خدا چقدر تاثیر زیادی در طول زندگی داشت. ولی امروزه آن قدر تبلیغات هدفمند رسانه های غربی زیاد شده است و تاثیرش چنان روی جوان‌های ما اثر گذاشته که جوانی که از طریق اینترنت دختری را انتخاب می‌کند و بعد میفهمد که او دختر نیست اظهار میدارد، این قضیه مهم نیست! انگار رگ غیرت از بیخ و بن قطع شده است! جوانی که می‌داند خانمش دوست پسر دارد، می‌گوید، یک جوری با این قضیه کنار می‌آیم! این‌ها در اثر چیست. ایرانی دارای هزاران سال تاریخ و تمدن که زبانزد تمام مردم جهان بوده‌است! اکنون آن فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی دارد خداحافظی می‌کند و فرهنگ جدیدی جایش را می‌گیرد، این فرهنگ تحمیل شده به جامعه چه تبعاتی برای ما به ارمغان آورده است در همان لحظه ورودش فرار، بی‌حجابی، اعتیاد، طلاق، آزار جنسی، روی آوردن به مواد شیمیایی، نابودی خانواده، قتل، بی‌بند و باری و... به جامعه تزریق کرده است. و از آن طرف هم صیادان تیزبین به این اقیانوس متلاطم حمله ور گشته و روز به روز بر صیدشان می‌افزایند، و این قابل هشدار است!

لذا بسیار به‌جاست به فرهنگ خودمان که برگرفته از تجربه و زحمات انسان‌های فهیم با اعتقادات دینی عجین بوده‌است توجه کنیم و احترام قائل شویم و پایبند باشیم. زمانی که خودمان پایبند باشیم فرزندانمان نیز یاد می‌گیرند و در ضمن به آن‌ها هم بیاموزیم تا خدای نکرده همگی قربانی این فرهنگ لجام گسیخته نشویم. باور کنید بچه‌های ما خوب هستند، پاک هستند معصوم و بی‌گناهند، آن‌ها همانطور که (جان لاک) فیلسوف بزرگ می‌گوید ضمیرشان چون لوح سفید است و می‌توان بر این لوح سفید هر چه بخواهی بنویسی، می‌توانی کلمه‌های پر معنی و زیبا بنویسی و یا کلمات زشت بنویسی! این مطالب عینا مشاهده شده است در یک

[redacted]

بخوانند. این‌ها نشان دهنده روح پاک و بی‌آلایش و قلب صادق دختر شماست، حالا تصور کنید همین دختر ۱۲ ساله پای ماهواره بنشیند و در کنار پدر و مادر خود زننده‌ترین و کثیفت‌ترین صحنه‌ها را مشاهده کند و چیزی را ببیند که نشان دهنده عمق خباثت و کثیفی انسان است که حتی در حیوانات هم مشاهده نکرده، حال روح لطیف دختر ما به کجا سوق پیدا می‌کند و به کجا منحرف می‌شود. حاصل مشاهده این صحنه‌ها چیست مخصوصا این که از نظر روانشناسی آن قدر این صحنه‌ها با فکر طراحی شده که قدرت جذب آن ها بسیار بالا است و قدرت آلودگی تا ابد در ذهن ماندگار است.

برعکس اگر دوستان و متولیان مذهبی ما هم بخواهند می‌توانند فیلم‌هایی را تهیه کنند که همین دختر جذب آن‌ها شود باید تا دیر نشده فکری کرد، هنوز در ابتدای ورود به بدبختی‌ها هستیم، و می‌توانیم اگر بخواهیم، باید با کار و تلاش روی تربیت مذهبی فرزندان سرمایه گذاری کنیم. همانطور که شبانه روز دیوانه وار در صدد جمع آوری مادیات هستیم، لحظه‌ای هم برای معنویات زندگی تلاش کنیم. موقعی که می‌بینیم پدری از صبح تا شب می‌تازد، ولی تا به او بگویی فقط ۵ دقیقه کتاب بخواند، کتاب را پرت می‌کند چه توقعی باید از فرزند او داشته باشیم!؟ از چه ابزاری باید برای هدایت ارزشمند او استفاده کنیم؟ همه این‌ها مستلزم فکر و اندیشه و رنج است.

در نهایت، اگر در دختران و زنان باور استوار و ایمان عمیق ایجاد شود، دل از بند مادیات افراطی کنده شود و به حق و خدا پیوند بخورد. و اندیشه ایجاد نماید، هیچ وقت تن به خودآرایی و خودنمایی و مجسمه میادین عمومی شدن نخواهد داد. و این باور را باید ایجاد کرد. همان‌طور که حضرت علی(ع) می‌فرماید:« **شخصیت**

نقش را در کیفیت زندگی دارد. و برای بالا بردن این کیفیت باید در صدد احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و فراخوان دختران به تفکر و تعقل و دریافت ارزش‌ها و آفریدنِ روح تعبد و تعهد نسبت به این نقش بوده و اگر او باور داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند و اندیشه والا، قلب پاک و جان پیراسته از آلودگی است، هیچ وقت به ظاهر فریبنده و انگشت نمای دیگران شدن توجه نخواهد کرد و سیرت بسیار متین و زیبایی برای خود و خدای خود تربیت خواهد کرد. حضرت مسیح(ع) فرمایند:

«به حق برای شما می‌گویم، تن چه سودی دهد، در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه. بدن‌های شما چه سودتان دهد که خوشتان دارد واله‌هایتان تباه باشد و سودی نبرید که ظاهر خود را پاک نگه دارید، درون شما چرکین باشد.»[1]

حجاب حق الهی

تصور بعضی از افراد بر این است که حجاب و پوشش برای زنان محدودیت و مصونیت ایجاد می‌کند و چادر است که به خاطر شرایط خانواده و جو حاکم بر جامعه و یا دلخوشی پدر یا رضایت شوهر بر زن واجب شده است. ولی حکم خداوند و پیام قرآن چیزی غیر از این است بدین صورت که زن‌ها و دختران باید بدانند که به این قضیه به طور جدی برخورد نمایند که حجاب آن‌ها نه مربوط به خودشان و نه مربوط به شوهر و نه مربوط به قانون است، بلکه حق الهی است یعنی حق خداوند است به همین دلیل است که اگر یک شخص مسلمان دچار خلاف شود و همه رضایت بدهند، شاید خدا راضی نگردد، چون عزت و شرافت و کرامت و بزرگواری زن حق خداست و خدای بزرگ زن را با بهترین وجه و سرمایه عاطفی و محبت آفرید که معلم همه خوبی‌ها باشد. و او تربیت کننده انسان‌های

---

[1]. تحت العقول ص ۵۴۸

بزرگ است و اگر از این کارش قصور کند و به دنبال عشق و شهوت و حسرت برود نه تنها خودش، بلکه دیگران را هم مبتلا به گناه خواهد کرد. پس نمی‌توان گفت من پدرم یا شوهرم دوست دارد که بی‌حجاب باشم. قرآن می‌گوید و اگر همه راضی باشند، شما باید اول حدود الهی را در برابر هرگونه آلودگی‌ها اجرا کنید سپس عصمت و عزت زن حق الله است و به هیچ کسی ارتباط ندارد. پس چون زن یک امانت بزرگ الهی است این امانت باید به خوبی نگه داشته شود. زن از نظر قرآن امانتدار حق خداست، یعنی این مقام و بزرگواری که به زن داده شده باید این امانت را حفظ کند و در جامعه اسلامی حجاب کمال انسان است. یعنی کمال زن در این است که مرد نامحرم او را نبیند. و در حقیقت از دید کلام خداوند حجاب احترام به زن است که نامحرمان او را از دید حیوانی نگاه نکنند.[۱]

اسلام و حجاب

روح و فطرت مردان چنان است که در آن عمیقا تمایل شدید به عفاف و پاکی و لطافت زن وجود دارد.

یعنی مرد رغبت خاصی دارد که همسرش پاک و دست نخورده باشد و به هیچ وجه مورد استفاده دیگران قرار نگرفته باشد و در تیررس چشمان زهرآلود مردان دیگر نباشد. همچنان که در خود زن نیز تمایل خاصی به عفاف و عفت و پاکدامنی وجود دارد، **آیا غیرت همان حسادت است که تغییر اسم داده است یا چیز دیگری؟** این دو صفت کاملا متفاوتند و هر کدام ریشه‌ای جداگانه دارد. ریشه حسادت خودخواهی است و از غرایز و احساسات فردی و ناشی از یک سلسله عقده‌های روحی است، ولی غیرت یک حس اجتماعی است و نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر نهاده است و در حقیقت یک

---

۱. زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی

ودیعه الهی است که اگر نمی‌بود، هیچ پدری فرزند خود را نمی‌شناخت و هیچ فرزندی پدر خود را، قطع این رابطه اساس اجتماعی بودن بشر را متزلزل می‌سازد. ما مدعی هستیم که فرضا مرد حسادت خود را با نیروی اخلاقی از میان ببرد یک نوع حس اجتماعی در او هست که اجازه نمی‌دهد با آمیزش همسرش با مردان دیگر موافقت نماید و این روح پاک و ارزشمند در اکثر مردان با غیرت و با شعور به وفور دیده می‌شود.

تدبیر غریزی و شگفت انگیز زن

یکی از علل که مورد غفلت قرار گرفته است همانا پدید آمدن حریم و حائل میان زن و مرد است که آن را باید در تدبیر ماهرانه و غریزی خود زن جستجو کرد. زن زیرکانه و با هوش فطری خود و با یک حس مخصوص دریافته است که از لحاظ جسمی نمی‌تواند با مرد برابری کند، و از طرفی دیگر نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته‌است که خلقت در وجود مرد نهاده و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است.

لذا زن بر اثر دور نگه داشتن خود از دسترس مرد، ارزش و جایگاه خود را بالا و به اوج رسانده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است؟ قطعاً درک زن این حقیقت را در تمایل او به پوشش بدن مخفی داشتن خود به صورت یک راز تأثیر فروانی داشته است.

لذا پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه یکی از مسائل مهم اسلامی و اخلاقی است در خود قرآن کریم درباره این مطلب تصریح شده است. پوشیدن خود را از مرد بیگانه یکی از مظاهر لزوم حریم میان مردان و زنان اجنبی است.

همچنان که عدم جواز خلوت میان اجنبی و اجنبیه یکی دیگر از مظاهر آن است.

آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهابات جنسی را فزونی می‌بخشد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند عمیق و دریا صفت است هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد یا به صورت یک عادت زشت در انسان در می‌آید و هیچگونه حریمی بر آن نخواهد بود. اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است و برای تعدیل و رام کردن آن اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است.

خلاصه این یک وظیفه است، زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند و چشم چرانی کنند، نباید به‌قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. (سوره نور آیات۳۰ و ۳۱)

یعنی انسان نباید سیرت کثیف داشته باشد که به هر فردی نگاه می‌کند در روح و روانش فکر بد داشته باشد، ولی ظاهرش فریبکارانه باشد.

یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند به همین علت در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است چون میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است و این خودنمایی متعلق به یک نفر خواهد بود.

استحکام پیوند خانوادگی

یکی از عوامل مهم در تشکیل و استحکام خانواده رعایت حجاب است چون اگر در جامعه حجاب کاملا رعایت گردد و رابطه جنسی فقط به زن و شوهری محدود گردد جوانان با ازدواج به تشکیل خانواده تمایل پیدا می‌کنند و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و به ازدواج‌های مشروع اختصاص یافتنه و پیوند زناشویی را محکم می‌سازد و ازنظر روانی هم عامل خوشبختی آن‌ها خواهد بود. در حالی که

در سیستم نامتعادل، همسر قانونی، یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.
علت این که جوانان امروز از ازدواج گریزانند چون کامجویی‌های جنسی در غیر کادر ازدواج به انحاء مختلف وجود دارد و فراهم است و چون دیگر احساس نیاز نمی‌کند یعنی ارزش و جایگاه انسانی زیر سؤال قرار گرفته و کسی در بند رابطه صمیمی مشروع نخواهد بود. همین که چند ساعتی خوش است خوب است و دیگر تحکیم خانواده برایش مهم نیست. جلوگیری از معاشرت‌های آزاد برای ایجاد پاکترین و صمیمی‌ترین عواطف بین زوجین است و این امر وقتی تامین می‌گردد که زوجین از هر گونه لذتجویی غیر از همسر یا همسران قانونی چشم بپوشند و مرد تنوع طلب و هر روز کنار کسی دیگر نباشد و از همسر خود لطافت و عفت را کامل حس کند.
پس لازم است برای استحکام و پیوند خانوادگی به ویژه در جامعه اسلامی مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد. البته با توجه به تحقیقات ثابت گردیده اگر مرد همسر خویش را درک کند و او را دوست داشته باشد و تعهد داشته باشد، زن کمتر اسیر هوسرانی قرار می‌گیرد و دیگر نیازی به خود نمایی ندارد.

استواری اجتماع

کشانیدن تمایلات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند به عکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است.
اسلام نمی‌گوید که زن حق تحصیل علم و دانش ندارد و فعالیت اقتصادی را هم برای زن تحریم نمی‌کند، فقط پوشانیدن بدن به استثناء صورت و کف دو دست، دیگر مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی و یا اقتصادی نیست. آنچه موجب

فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است. آیا اگر مردی در خیابان، بازار، اداره کارخانه وغیره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائما مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می‌شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ هر چه محیط پاکتر باشد انسان بهتر می‌تواند کار کند و تمرکز روی کارش داشته باشد. ولی اگر در محیطی حریم‌ها شکسته شود برای زن و مرد دست و پاگیر خواهد بود و در ضمن گرایش به خانواده هم روز به روز کمتر می شود و فقط کسانی که می‌خواهند هر روزه مطرح باشند در صدد خودآرایی خود خواهند بود.

ارزش و احترام زن

مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن برتری دارد ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه برتری خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشته زن میان خود و مرد از وسایل مرموزی بوده که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده که از این وسیله استفاده کند.

اسلام مخصوصا تاکید کرده است که زن هر چه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود و وقار زن ابهت او را بیشتر می‌کند و جایگاه او را بسیار افزایش می‌دهد و یک حس قدرت در او ایجاد می‌کند. به طوری که بارها مشاهده شده خیلی از مردان از وقار زنان هراس دارند و هرگز به خود اجازه نمی‌دهند کوچک‌ترین عکس‌العملی نشان دهند.

برخی فواید حجاب

برای حجاب و پوشش فواید بسیار فراوانی می‌توان بیان کرد که ما به خاطر رعایت اختصار به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) تاثیر مثبت حجاب در سلامت روحی چیست؟

بانوانی که از سلامت روحی برخوردارند در خود کمبودی احساس نمی‌کنند و در نتیجه تمایلی نیز به جلب توجه دیگران ندارند ولی زنانی که دارای عقده حقارت هستند با پوشیدن لباس‌های جلف و آنچنانی و استفاده از زر و زینت و نمایش زیبایی‌ها خود با استفاده از وسایل آرایشی زننده رنگارنگ، سعی در جذب دیگران و نامحرم در بیرون از منزل می‌کوشند تا احساس حقارت و کمبود خود را به نحوی مرتفع نمایند. به طور طبیعی انتخاب نوع لباس و نحوه پوشش و آرایش چهره مانند رنگ رخسار از سر ضمیر خبر می‌دهد و معمولا افرادی که دچار عقده حقارت و کمبود شخصیت هستند با لباس شهوتی که به تن می‌کنند برای خود شخصیت تصنعی و ساختگی ایجاد می‌کنند. حاصل این که حجاب نشانه سلامت روحی و در مقابل، بی‌حجابی نشانه بیماری روحی و احساس حقارت است.

ب) فایده حجاب در تشکیل خانواده چیست؟

تردیدی نیست که خانواده مهمترین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی جامعه انسانی است. و تاثیر آن در نهادهای اجتماعی دیگر مثل نهاد آموزش وپرورش و نهاد حکومت و سیاست غیر قابل انکار است. بنابراین در ثبات و استحکام نهادهای دیگر جامعه نیز موثر است نتیجه این که: در پرتو رعایت کامل حجاب اسلامی اولا زمینه تشکیل نهاد خانواده فراهم می‌گردد و ثانیا نهاد خانواده درخشش و بالندگی و استحکام مطلوب را پیدا خواهد کرد. وعدم رعایت حجاب دارای آثار منفی فراوانی در زندگی دنیا و آخرت است که ما به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌کنیم

الف) بدحجابی زمینه ساز رذایل اخلاقی

بدحجابی منشا برخی از رذایل اخلاقی و در نتیجه باعث سقوط زن از مقام و

منزلت الهی و انسانی خویش می‌گردد زیرا ابتذال در پوشش و بدحجابی ابتذال در اخلاق را به دنبال دارد چه بسا افرادی که به خاطر ابتذال در حجاب و پوشش دچار بیماریهای روحی و روانی مثل کبر، غرور، عجب و ریا و... می‌گردند و چه بسا کسانی هستند که به خاطر مدپرستی که منشا هواپرستی دارد در دام انواع مفاسد گرفتار می‌شوند چون بدحجابی مقدمه بی‌بند و باری و زمینه‌ساز لذت‌های شهوانی نامشروع است. و تجربه ثابت کرده است که زنانی که دارای عفت بالا هستند کمتر زندگیشان دچار تزلزل و شکست شده‌است.

ب) بدحجابی باعث خشونت و آزار جنسی

یکی از آثار سوء بدحجابی اذیت و آزار جنسی زنان بدحجاب به وسیله مردان و جوانان ولگرد و لاابالی است. گویا این قبیل مردان پوشش ناقص و نامناسب برخی دختران و زنان را به منزله چراغ سبزی می‌دانند که نشان دهنده تمایل زنان بدحجاب به کارهای خلاف و گناه آلود است و همین نکته از نظر ذهنی و روانی از دیدگاه آنان مجوز اذیت و آزار جنسی زنان بدحجاب است. شما بارها دیده‌اید که وقتی خانمی با وضعیت نامناسب، درکوچه و خیابان است، مورد توجه قرار می‌گیرد و حتی دقیقه‌ای نمی‌تواند جایی بایستد، چون صدها نفر برایش بوق می‌زنند.

ج: برخی آثار بدحجابی و بی‌حجابی

در بینش اسلامی اعمال انسان علاوه بر آثار دنیوی دارای آثار اخروی نیز می‌باشد. در بانوان اعمالی مثل آشکار کردن مو، آرایشها و زینتها و پوشش لباسهای نامناسب در نزد نامحرمان از جمله مصادیق مختلف بدحجابی هستند که نسبت به آن‌ها وعده عذاب داده شده است. و بی جهت خود را آلوده گناهی میکنند که بعداً پشیمانی به دنبال دارد.

تفاوت حجاب و عفاف

دو واژه حجاب و عفاف در اصل معنای منع مشترک هستند و تفاوت آن‌ها بیشتر از حیث ظاهر و باطن است یعنی مانع و بازداری در حجاب مربوط به بعد ظاهری بدن انسان ولی منع و بازداری در عفاف مربوط به بعد باطنی و درونی است.

چون اساسا عفاف یک صفت درونی و باطنی انسان است ولی با این همه از آنجایی که یکی از ویژگی‌های عمومی انسان تاثیر متقابل ظاهر بر باطن و باطن بر ظاهر است. بنابراین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان تاثیر متقابل است.

به این ترتیب که هر چه عفاف درونی و باطنی انسان بیشتر باشد این عفاف باطنی انسان باعث خواهد شد که حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم گردد و برعکس هر چه حجاب و پوشش ظاهری انسان بیشتر و بهتر باشد این حجاب و پوشش ظاهری تاثیر بسزای بیشتری در روحیه باطنی انسان و عفاف دارد و باعث دستیابی انسان به مراتب بالاتر عفاف می‌گردد.

قرآن کریم به شکل ظریفی به تاثیر رعایت حجاب و پوشش ظاهری بیشتر در عفت ورزی بانوان اشاره کرده است و ارزشمندی رفتار درونی بهتر و پایدارتر از رفتار بیرونی است و همین رفتار بیرونی را هم تحت تأثیر قرار خواهد داد.

دلیل تفاوت حجاب و پوشش زن و مرد

احکام تشریعی اسلام متناسب با ویژگی‌های تکوینی انسان به منظور تامین مصالح و دفع مفاسدی است که افراد را تهدید می‌کند.

تفاوت مرد و زن در برخی از احکام تشریعی مانند حجاب نشات گرفته از تفاوت‌های تکوینی آنهاست.

در باب تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد، تحقیقات علمی در فیزیولوژی و

روانشناسی ثابت کرده‌اند که مردان نسبت به محرک‌های چشمی حساس‌تر از زنان‌اند و برعکس زنان در مقابل محرک‌های لمسی حساسیت بیشتری دارند. تحقیقات و تجربه‌های علمی نیز نشان می‌دهد آن اندازه که مرد از نگاه کردن به اندام زن تحریک می شود، زن از مشاهده مرد تحریک نمی شود. در روانشناسی جنسی نیز ثابت شده است که تمامی سطح بدن زن برای مرد محرک است اما در مرد چنین نیست و به همین دلیل است که در اسلام دقیقا متناسب با ویژگی‌ها و تفاوت‌های تکوینی زن و مرد احکام و تعالیم نورانی و ارزشمند خود را به همگان توصیه کرده است. مثلا برای حفاظت مردان از مفاسد ناشی از حساسیت بیشتر آنان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت انگیز، آن‌ها را به مراقبت و کنترل بیشتر چشم در مواجهه با نامحرم مکلف کرده است و نگاه به زنان نامحرم را حرام کرده است.

بنا به حدیثی از امام رضا (ع) خداوند نگاه به موهای زنان ازدواج کرده محجوب و غیر آن‌ها را حرام کرده است زیرا نگاه شهوت انگیز مردان باعث تهییج جنسی و از طرفی باعث فساد اخلاقی مرد می‌شود.

در مقابل به دلیل لطافت و حساسیت بیشتر زنان به محرک‌های لمسی برای حفاظت آنان از نگاه‌های آلوده و مفاسد ناشی از آن، آن‌ها را به حجاب و پوشش بیشتر در مواجه با مردان نامحرم دستور داده است.

حجاب و اصل آزادی

ایرادی که بر حجاب گرفته‌اند این است که موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشر است می‌گردد.

پاسخ: اگر پاره‌ای مصالح اجتماعی زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کند آن را نافی حیثییت انسانی و اصل آزادیِ فرد نمی‌توان دانست. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی اقتضا کند که اگر مردی برهنه یا با لباس

خواب از خانه خارج شد، مانع او بشوند، هیچ گاه این مخالفت را بردگی و ضد آزادی نمی‌داند. در ارتباط با زن نیز اگر او را موظف کنند که وقتی می‌خواهد با مرد بیگانه مواجه شود، پوشیده باشد آن را بردگی و ضد آزادی نمی‌گویند.
آری اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در را برویش قفل کرد با آزادی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. شما اگر از فقها بپرسید آیا صرف بیرون رفتن زن از خانه حرام است؟ پاسخ می‌دهند نه. اگر بپرسید خرید کردن زن ولو این که فروشنده مرد باشد حرام است؟ پاسخ می‌دهند حرام نیست و کسی نگفته است که صرف شرکت کردن زن در جاهایی که مرد هم وجود دارد حرام است.
فقط دو مسئله وجود دارد اولا زن پوشیده باشد و بیرون رفتن او به صورت خودنمایی و تحریک آمیز نباشد ثانیا مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه توام با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد، البته مرد هم در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر.

حجاب و اصل فعالیت‌ها

ایرادی که بر حجاب می‌گیرند: این که سبب رکود و تعطیل فعالیت‌هایی است که خلقت در استعداد زن قرار داده است و زن نیز انسان است و اجتماع از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید او بهره‌مند گردد.
پاسخ: حجاب اسلام نمی‌گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی استعدادهای او را گرفت. بلکه می‌گوید آیا اگر زن ساده و سنگین و با رعایت حجاب به دنبال کار خود برود. برای اجتماع بهتر است یا این که برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای آینه و میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت تمام سعی‌اش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد. اگر دختران در اجتماعات عمومی ساده بپوشند کفش ساده به پا کنند با چادر یا با مانتو و روسری کامل به مدرسه و دانشگاه بروند آیا در چنین شرایطی بهتر درس

می‌خوانند یا با وضعی که مشاهده می‌کنیم؟
یک نوع فعالیت اقتصادی رایج شده است که ثمره بی‌حجابی است. یک بنکدار به جای این که بکوشد جنس بهتر و مرغوب‌تر را برای مشتریان تهیه کند یک مانکن را به عنوان فروشنده می‌آورد تا نیروی زنانگی و سرمایه عصمت و عفاف او را استخدام کند و وسیله پول در آوردن قرار دهد این نه تنها تجارت نیست بلکه اصل رذالت است. و باعث تزلزل شخصیت زن می‌شود، چرا که ارزش زن بیش از این فروشندگی است.

حجاب و اصل التهاب‌ها

ایرادی که بر حجاب گرفته‌اند: این است که ایجاد حریم میان زن و مرد بر اشتیاق‌ها و التهاب‌ها می‌افزاید و به موجب آن اختلال‌های روانی و بیماری‌های روحی و روانی به وجود می‌آید.
پاسخ: درست است که ناکامی جنسی عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضای غرایز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید.
این که اجتماع به وسایل مختلف سمعی و بصری و لمسی موجبات هیجان غریزه را فراهم کند و آن گاه بخواهد با ارضا غریزه دیوانه شده را آرام کند و یا به آن آزادی مطلق دهد هم، بدین معنی که به زن اجازه هر جلوه‌گری و به مرد اجازه هر تماسی را بدهد، میسر نخواهد شد.
به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است یکی ارضا غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن.
اما این که می‌گویند انسان به آنچه که منع می‌شود حریص می‌گردد مطلب صحیحی است. ولی نیازمند توضیح است.
اصولا انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن منع شود و هم به سوی آن

تحریک شود. اما اگر امری اصلا عرضه نشود یا کمتر عرضه شود حرص و ولع هم نسبت بدان کمتر خواهد بود.

حجاب در قرآن

در قرآن مجید بیش از چهارده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد. یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است: «یا اَیُّهَا النَّبِی قُلْ لاَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمؤمِنینَ یَدنین عَلَیْهِنَ مِنْ جَلابَیْبِهُنَّ ذلِکَ اُدْنی اَنْ یَعْرِفُنَّ فَلا یؤذین وَ کانَ الله غَفُورًا رَحِیما» (ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمنین بگو خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند. و خداوند بخشنده و مهربان است.) جلاب به معنای یک پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد. در سوره نور آیه ۳۱ نیز مفصلاً در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرمان سخن به میان آمده است.

مفهوم و ابعاد حجاب در قرآن

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش‌تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله‌ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد. در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی

محقق شده است. اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می‌تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می‌تواند از لغزش‌ها و گناه‌های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید. بعلاوه ، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می‌کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده‌اند.

هدف و فلسفه حجاب

هدف اصلی تشریع احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید:

اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ الله اُتْقاکُم (حجرات؛ ۱۳) «بزرگوار و باافتخارترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.

هُوَالذی بَعَثَ فیی الاُمِّیّینَ رَسولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ و یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ و الْحِکْمَةَ و اِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ؛ اوست خدایی که میان عرب امّی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آن‌ها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریع حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست‌یابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی همچون:

قُلْ لِلْمُؤمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ اَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أزْکی لَهُمْ؛ ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

حجاب چشم

قُلْ لِلْمُؤمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ اَبْصارِهِمْ (نور؛ ۳۰) ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤمِنِینَ یَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصارِهِنَّ (نور؛ ۳۰) ای رسول ما، به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:

فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ (احزاب، ۳۲) پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویید، مبادا آن که دلش بیمار هوا و هوس است به طمع افتد.

حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. وَ لا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِنَّ (نور،۳۱) و آن‌طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح‌شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحاء مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد؛

آیا حجاب مانع همه بزه‌کاری‌های اجتماعی است؟

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه‌ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان شکل‌دهنده‌ی رفتارهای اوست. البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود عفیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعابیری، مثل « من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد» خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرون پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد. و نمی‌شود گفت که من در قلبم عفاف را رعایت می‌کنم، زیرا در عرف

اجتماعی و قوانین هم ظاهر کار خیلی مهم است و هم نمی‌توان از قوانین اجتماعی فرار کرد.

حجاب در غرب

گاهی گفته می‌شود که هر چیزی را برای انسان محدود کنی و سخت بگیری حریص می‌شود. این سخن صحیح است، اما در عین حال در مورد غریزه جنسی هرچه آزادتر باشد، به جهت اشتهای سیری ناپذیر انسان شعله‌ورتر می‌گردد یا اینکه اگر ابُهت چیزی از بین برود قداست آن هم از بین می‌رود و هرچه تکرار گردد تکرار آن بیشتر می‌شود و انسانی که دروغ می‌گوید عادت به دروغگویی می‌کند. و این تجربه در جهان غرب اتفاق افتاد. استاد مطهری نیز با تأکید بر این مسئله می‌گوید:« برای آرامش غریزه دو چیز لازم است. ارضای غریزه در حد نیاز طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن.» اما این که می‌گویند: انسان نسبت به چیزی که از آن منع شود حریص است، مطلب صحیحی است. ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع می‌شود و هم به سوی آن تحریک شود. به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند اما او را ممنوع سازند. اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کم‌تر عرض شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کم‌تر خواهد بود. نظریات روانکاوی از جمله نظریهٔ «کارن هورنای» بر این حقیقت تأکید می‌کند: « در اجتماعاتی که روابط جنسی آزاد است، بسیاری از احتیاجات روانی، شکل تمایلات جنسی پیدا می‌کند و به صورت عطش جنسی درمی‌آید.» و اگر قداست چیزی شکسته شود دیگر رعایت حریم آن دشوار خواهدشد. وقتی یک رفتار به صورت عادت درمی‌آید، هیچ بهایی ندارد مثلا بعضی اشخاص هرگز ناسزا نمیگویند، فحش نمیدهند ولی برای بعضی از افراد عادی و عمومی است. پس نمی‌توان گفت اگر کسی را در ادب محدود کنی

بی ادب می‌شود.

فروید که طرفدار سرسخت آزادی غریزهٔ جنسی بود، متوجه شد خطا رفته است. از این رو پیشنهاد کرد باید آن‌را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد. **راسل** نیز که به آزادی جنسی معتقد است اعتراف کرده که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آنچه با ارضا تسکین می‌یابد، حرارت جسمی است نه عطش روحی. یعنی روح انسان سیری ناپذیر است و اگر چه از نظر حرارت جسمی، در زمانی ارضا شود، اما چون انسان روح سیری ناپذیر دارد، به آن حد قناعت نمی‌کند و می‌خواهد از آن هم بالاتر برود. پس باید گفت: آزادی در روابط زن و مرد از حرص و ولع نسبت به شهوت، پیشگیری نمی‌کند. بلکه سبب شعله‌ور شدن شهوات می‌گردد و گاهی به شکل‌های دیگر مانند خشونت جنسی، هم جنس بازی و... بروز می‌کند. آمار موجود در جهان گویای این واقعیت است. چرا که می‌بینید اگر مردی با همسر خود مهربان باشد و هر دو در کنار همدیگر آرام و ساکت زندگی می‌کند، ولی اگر مرد به یک زن دیگر گرایش پیدا کند، چند مدتی او را نگه می‌دارد بعد او را پس میزند، حالا می‌خواهد ده‌ها زن دیگر را تجربه کند و هیچ‌وقت سیر نمی‌شود، حتی از این بلند می‌شود و به شهر یا کشور دیگر می‌رود تا بتواند با زنانی دیگری ارتباط داشته باشد و دوست دارد هرچه پول دارد خرج این راه بکند و هر شب در کنار دیگری باشد. پس معلوم می‌گردد آزادی مساوی با صحیح زندگی کردن نیست، بلکه ممکن است عواقب زیادی در پی داشته باشد. ره‌آورد آزادی جنسی در عصر حاضر، رفتارهای خشونت آمیز در روابط جنسی و استفاده قهرآمیز از زنان و آزار جنسی در محل کار و بیماری‌های مقاربتی از جمله ایدز است. در مورد تجاوز جنسی نیز بررسی‌ها در لندن آشکار ساخت که از هر شش نفر یک تن مورد تجاوز قرار گرفته بود. بر این اطلاعات باید آمار همجنس بازی‌ها و کشانده شدن به راه‌های دیگر را هم اضافه کنیم که همه نشان

از آن دارد که عطش روحی سیری‌ناپذیری است، اگر آزادی جنسی و روابط آزاد زن و مرد، حرص و ولع را کاهش می‌دهد پس اتفاقات در غرب ناشی از چیست؟ پس چرا شاهد این همه ارتباط‌های جنسی مضاعف هستیم؟ پس چرا تمامی ندارد؟ بهتر است بگوییم آن‌قدر پیامدهای بد زیاد است که نسبت به آن بی‌اهمیت شده‌اند، نه آن‌که دیگر تجاوزات و راه‌های انحراف مانند همجنس‌بازی دیگر وجود ندارد. مانند این که کسی به خانه‌ای وارد می‌شود و می‌بیند بچه‌های خانه دیوار را خراب کرده، فرش‌ها را پاره کرده و ظرف‌ها را شکسته، آن‌وقت می‌بیند مادر خانه اصلاً ناراحت نیست یا توجه نمی‌کند. عدم توجه مادر، نشان آن نیست که وضع خانه به هم ریخته و خراب نیست. بلکه ناشی از بی‌توجهی مادر به وضعیت است. اسلام نه به صورت مطلق، غریزهٔ جنسی را محدود و سرکوب کرده و نه آن را به طور مطلق آزاد گذارده است. به نظر می‌رسد راه میانه‌ای را مطرح کرده است و آن عبارت است از ارضای غریزهٔ جنسی به صورت طبیعی و قانونمند با حفظ کرامت انسانی احترام متقابل و امنیت روانی جامعه، و عزت برای هر دو جنس، پرهیز از تحریک و تهییج غریزهٔ جنسی و تأکید بر آسان‌گیری در ازدواج، حال به گوشه‌ای از پیامدهای مسئله روابط آزاد در کشورهای غربی بپردازیم. آنجا که فکر می‌کنیم این مشکلات برای آنها حل شده یا حساسیت نسبت به این موضوع ندارند. اگرچه در آنجا این مشکلات به جهت روابط آزاد بیش از حد، بسیار است. اما متاسفانه جامعه ما نیز کم و بیش با بسیاری از این مشکلات روبرو است. نشریه آمریکایی « ایدرز دایجست» دربارهٔ روابط پیش از ازدواج دختران و پسران می‌نویسد: « هر ساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال دورهٔ دبیرستان به سبب ارتباط‌های نامشروع، آبستن شده و فرزندان غیرقانونی خود را به دنیا می‌آورند. این دختران با رویاهایی چون ازدواج با دوستان پسرشان، اتمام تحصیلات، شروع یک زندگی ایده‌آل و دست‌یابی به یک شغل مناسب، به این ارتباط غیرقانونی روی

می‌آورند. اما بسیار زود پرده‌های سراب‌گونهٔ این اوهام به کنار رفته واقعیت زندگی روی خود را نشان می‌دهد و متأسفانه این بیداری درست در زمانی به دست می‌آید که این دختران نوجوان دیگر شانسی برای برخورداری از یک زندگی سالم و ایده‌آل ندارند و متأسفانه این تفکر در جوانان ما هم حاکم شده و شاهد اینگونه مشکلات هستیم.

این روزنامه در ادامه، علت بروز این نابهنجاری‌های جنسی را روابط آزاد دختر و پسر در مدارس دانسته، طی گفتگویی با تعدادی از این دختران، به نقل از یکی از آنان می‌نویسد: ای کاش زمان به عقب برمی‌گشت، ای کاش به عنوان عضوی از خانواده در میان والدینم جای داشتم. ای کاش هنگامی که زمینه‌های ایجاد یک ارتباط نامشروع برایم فراهم شده بود، کمی هم به زندگی آینده‌ام می‌اندیشیدم و این‌گونه به پایان خط نمی‌رسیدم. در ذیل به برخی از آن آثار که در نتیجهٔ روابط آزاد دختر و پسر در جوامع غربی پیدا شده اشاره می‌کنیم. آمار این تحقیق نشان می‌دهد افزایش روابط جنسی نامشروع جنسی که ناشی از روابط آزاد دختر و پسر است، در امریکا و در تمامی جامعهٔ اروپا رو به افزایش است، به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۳ در امریکا ۵۰٪ روابط دختر و پسر به روابط جنسی تبدیل شده است. آمیزش جنسی نامشروع و افزایش فرزندان غیررسمی و زود هنگام یکی دیگر از آثار شوم روابط آزاد دختر و پسر است. آندره میشل در این‌باره می‌نویسد: بیش از چهل درصد زنان آمریکایی که پیش از بیست سالگی ازدواج می‌کنند به علت روابط آزاد پسر و دختر یک رابطه جنسی را تجربه‌کرده‌اند. ازدیاد غیر قابل کنترل آمار سقط جنین با افزایش نرخ روابط جنسی در کشورهای غربی که دختر و پسر پیش از ازدواج روابط آزاد دارند متناسب است. از یک میلیون زن و دختر نوجوانی که هرساله در آمریکا به طور ناخواسته باردار می‌شوند، اکثراً فرزندان خود را سقط می‌کنند. این در حالی است که به علت برخی از محدودیت‌ها که بعضی ایالات در

مورد مشکلات جنسی وضع کرده‌اند، آمار دقیق گزارش نمی‌شود. به ادعای یک پزشک امریکایی که در یکی از زایشگاه‌های این کشور مشغول به کار است، در مورد مشکلات محل کار خود مقاله‌ای نوشته است. در حدود ۴۷٪ از زایمان‌های تحت نظر وی مربوط به موالید نامشروع بوده است. به ادعای وی اکثر موالید، مربوط به زنان پایین‌تر از بیست سال مربوط به روابط آزاد دختر و پسر بوده است. افزایش شمار وصلت‌های غیر رسمی، کاهش میزان ازدواج را ترسیم می‌کند که یکی از پی‌آمدهای آن افزایش تعداد خانواده‌های تک والدینی می‌شود، یعنی خانواده‌هایی که فرزندان در آن‌ها محکومند تنها با یکی از والدین خود زندگی کنند. متاسفانه به دلیل الگوگیری مردم کشور ما از غرب این پدیده فرهنگی نیز در ایران در حال پیشرفت می‌باشد و تبعات آن در آینده کاملاً مشهود خواهد بود.

آندره میشل می‌گوید: زندگی فرزندان نامشروع در بیش از ۹۰٪ موارد با مادران است. این‌گونه مادران که تقریباً از سوی جامعه به ویژه والدین و آشنایان خود طرد می‌شوند، برای گذراندن زندگی با مشکلات شدید اقتصادی و فقر و فلاکت مواجهند، مجبور هستند به‌خاطر غفلت و شهوت، یک عمر بچه‌داری و کار بکنند و تمام زندگی خود را وقف پرورش فرزندشان نمایند، و در آخر هم چه شود معلوم نیست، احتمالاً در آینده خودشان را پیر و فرسوده می‌بینند، فقط به علت اینکه، اگر درست فکر می‌کردند چنین اتفاقی نمی‌افتاد.

روزنامه ایدرز دایجست ضمن ارائه گزارشی از وضع فلاکت‌بار معیشتی این‌گونه خانواده‌ها، گزارش زیر را نوشته است: « مادر این بچه که مادام بهانۀ پدر می‌کند برای تأمین نیازهای مادی خود و فرزندانش ناچار است که در دو شیفت کامل کار کند که در نتیجه، فرزندش در مقایسه با مادران دیگر، زمان کمتری را با او سپری می‌کند. ولذا این فرزند غیرقانونی در حقیقت هم از نعمت پدر و هم از نعمت مادر محروم است. این مادر نوجوان با تأسف و تأثر می‌گوید: من با این حاملگی

نامشروع برای تمام عمر دخترم را از نعمت پدر محروم کردم و نمیدانم چگونه باید تسلی بخش اندوه فراوان این طفل باشم.

گسترش بیماری‌های مقاربتی: روابط آزاد دختر و پسر، در نتیجه روابط آزاد جنسی، سکوی پرش روسپی‌گری و افزایش بیماری عفونی و مقاربتی است. در این باره کافی است بدانید که در هر ۱۳ ثانیه یک نفر در آمریکا به ویروس مهلک بیماری ایدز مبتلا می‌شود. قربانیان این ویروس که عمدتاً از طریق بی‌بندوباری جنسی مبتلا می‌شوند، از این بیماری عفونی هلاک می‌گردند. آنچه ذکر شد، اشاره به برخی پی‌آمدهای روابط آزاد دختر و پسر پیش از ازدواج است. عوارض دیگری چون جنون، عقده‌های روانی، تزاید جنایت و آدم‌کشی از دیگر نتایج آن روابط است. به این ترتیب روشن شد که چرا اسلام روابط آزاد دختر و پسر نگاه و صحبت‌های التذاذی آنان را که منشأ برای روابط بعدی می‌شود حرام و ممنوع ساخته است[۱]. و یکی از فاکتورهای مهم این روابط نامشروع از بی‌حجابی و بی‌بند و باری‌ها سرچشمه می‌گیرد. مگر دختری که عفت داشته باشد به ذلت روی می‌آورد و به راحتی در تیر رس و آماج چشمان ناپاک دیگران قرار میگیرد؟

سیمای زن در جهان– امریکا، از مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.

درّ و صدف، از محمد شجاعی، انتشارات محیی، شهر ری.

---

[۱]. مجموعه مقالات دفاع از حقوق زن ص ۶۰

پیامدهای منفی بدحجابی

باور کنید اصلاً نمی‌خواهیم قلم بدست گرفته و شما را نصیحت کنیم و یا بترسانیم. یک نویسنده حرف‌های خود و جامعه‌اش را باید فقط و فقط صادقانه بنویسد. چون در برابر هر کلمه‌ای که می‌نویسد اول در برابر آفریدگارش و بعد در برابر خواننده تعهد دارد. شاید جمله‌ای بتواند راهگشا و یا جمله‌ای باعث انحراف یک فرد گردد، ولذا واقعاً انسان نمی‌تواند مطالبی را بنویسد و فردای قیامت نزد پروردگارش روسیاه باشد. نگارنده هم با توجه به احساس مسئولیتی که در برابر عزیزانم دارم بدون هیچ گونه جهتی فقط از روی صداقت می‌نگارم و همه دختران ایران فرزند من هستند، چه فرقی دارد ما همه ایرانی هستیم و مسلمان و دوست داریم گامی بسیار کوچک در راه هدایت یا راهنمایی فرزندان عزیزمان بردارم و جز واقعیت و حقیقت چیزی نگویم. پس خودتان قضاوت کنید شاید نه من شما را ببینم نه شما مرا ببینید، ولی بد نیست انسان با خواندن یک کتاب لحظه‌ای درنگ کند و تفکر داشته باشد. ببیند نوشته‌ها چه می‌گویند، آنچه را که امروزه در جامعه نظاره‌گریم بیان همه نوشته‌ها که می‌خوانید دختران عزیز، مادران آینده و مادرانی که تربیت نسل آینده را عهده‌دار هستید این است که چرا سن ازدواج هر روز بالاتر می‌رود چرا پسران، دوست ندارند در بهترین سن جوانی ازدواج کنند، بعد درست در سنی ازدواج می‌کند که همدمی برای تنها نبودن خود خود داشته باشد! افزایش رو به تزاید سن ازدواج و افزایش دختران و پسران مجرد که رقم آنها به دهها میلیون نفر می‌رسد و هیچ تمایلی هم به ازدواج ندارند و دوست ندارند تعهد و مسئولیتی در برابر خانواده داشته باشند، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات گردیده است. در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون پسر بالای ۲۵ سال هستند که تمایلی به ازدواج ندارند و تعداد دختران هم به نصف آن می‌رسد و نزدیک به یک میلیون دختر بالای ۳۵

سال در جامعه وجود دارد. این‌ها هشدار است، خطر است! سستی بنیان خانواده است! و اگر به دنبال علت بگردیم یکی از علتها آن این است که دختران ما ناآگاهانه و از روی هیجان، تشنگی پسران را سیراب نموده‌اند! اگر پسری به راحتی قادر نباشد به هر دختری دسترسی داشته باشد، حتماً علاقه پیدا میکند تا به این فرشته ارزشمند برسد. ولی وقتی توی کوچه و خیابان و محافل، دختران را با آن وضع می‌بیند، موی و دست و اندامش را در لباس بسیار تنگ مشاهده می‌کند، و اگر هم بخواهد با یک کلمه میتواند رفیق بشود، پیش خودش فکر می‌کند مگر مغزم خراب است که خودم را گرفتار یک نفر کنم، وقتی هر زمان اراده کنم کنار خیابان‌ها انواع و اقسام آن را دم دست دارم و با چهار کلمه هم می‌توانم آنها را چند روزی در ید قدرت خود داشته باشم.

صدالبته برای همه دخترها نمی‌شود چنین اظهار نظری کرد ولی در برابر هر ۱۰ پسر اگر یک دختر هم باشد کفایت می‌کند. پس بازنده اصلی این بازی دختران عزیز هستند. و وقتی که خانواده‌ها چنین قضایایی را در پسران و یا دختران خود شاهد هستند کم‌رنگ شدن حضور آنها را نیز مشاهده می‌کنیم زیرا در گذشته آیین و رسم و رسوم چنین بود که وقتی پسر و دختر به سن ازدواج می‌رسیده در صدد مهیا کردن ازدواج برمی‌آمدند و چقدر راحت و خوب زندگی باصفا و آرامش شروع می‌شد. ولی امروزه خانواده‌ها کمتر نقشی در این امر خطیر دارند و اختیار را به پسر و دختر داده‌اند و آنها هم امروز را خوش هستند تا فردا بیاید، فردا هم می‌شود امروز! واقعاً چه کسی پاسخگوی این کجروی و مشکلات خواهد بود معلوم نیست.

دومین تبعات بی‌حجابی و عدم رعایت اصول پوشش، میل و گرایش آسوده و بدون دغدغه، ارتباط بین پسر و دختر یا همان دوستی‌های نامتعارف را به‌دنبال دارد. چرا که وقتی حرمت‌ها شکسته می‌شود به‌راحتی هر کسی می‌تواند هرچه که را بخواهد انتخاب کند و دیگر هیچ اندک ابایی هم ندارد.

اگر یک روز به دادگاه خانواده قدم بگذارید متوجه می‌شوید که این دوستی‌ها چه قیامتی به پا کرده است. و به‌راستی چه کسی تاوان این بدبختی‌ها را خواهد پرداخت. به خوبی درمی‌یابید دوستی‌های خیابانی، ازدواج‌های بی‌پایه، عشق‌هایی که به‌خاطر بزک کردن بوجود آمده چه کرده است. واقعاً در پیشانی بسیاری از این دوستی‌ها برچسب محکمی به‌نام آزادی، بی‌بندوباری، عدم پوشش، راحت بودن و غرب‌گرایی می‌درخشد.

پس یکی از انگیزه‌های مهم برای جلوگیری از این سیل طوفانی باید بحث پاسخگویی به نیازهای درونی و عاطفی و غریزی نوجوان باشد و آن را هم باید از ریشه آموزش داد و نگذاریم فرزندان ما با خودنمایی و بی‌حجابی و بی‌تفاوتی اسیر و ملعبه دست دیگران گردند، زیرا وقتی دختری ۱۵ ساله تمام اندامش را قربانی چشم دیگران نموده، موهایش را بیرون ریخته، شلوارش کوتاه شده است. پسر ۱۶ ساله هم دیگر هیچ نمی‌فهمد و وقتی از عشق خودش را به در و دیوار می‌زند و گریه می‌کند، می‌سوزد، و می‌خواهد به عشق برسد و عشق بدبخت هم فکر می‌کند این دوستی‌ها اساس و پایه دارد!

واقعاً تاریخ مصرف این عشق‌ها چه مدت است. مطمئن باشید یکی از پیامد منفی این رفتارها ایجاد جاذبه است و جاذبه مانع از تصمیم‌گیری منطقی و سد راه بزرگ شناخت است. چون وقتی بحث جاذبه به میان می‌آید طرف هر چه را می‌گویند قربانی می‌کند. و متأسفانه این جاذبه‌ها اثر منفی بر قدرتِ عقل، تفکر، منطق و اندیشه انسان می‌گذارد. و هر چه جاذبه بیشتر شد، تحریک و تحرک‌های به لذت رسیدن بیشتر می‌شود و کلاً عقل را تعطیل می‌کند. لذا انسان به شناخت واهی و ظاهری می‌رسد و طوری در اشتباه و گمراهی غوطه‌ور می‌گردد که دیگر نمی‌تواند درست فکر کند و عیب‌ها را ببیند. و اما با مرور زمان عشق و لذت‌های آنی چراغشان کم‌سو می‌شود و عیب‌ها یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند و

زیبایی‌های ظاهری محو می‌گردند و این‌جاست که اختلافات شروع می‌شوند و تمام آن عشق‌ها به نفرت تبدیل می‌شود و نفرت آنقدر دامنه پیدا می‌کند که طرفین حاضر می‌شوند تمام هستی‌اشان را فدا کنند تا از دست همدیگر خلاص شوند. آرزوی مرگ همدیگر را دارند! باور کنید دخترانی که روزی عاشق و شیفته بوده‌اند، امروز التماس می‌کنند که به هر نحوی شده نجات پیداکنند. می‌گویند هیچی نمی‌خواهم! حاضرم میلیون‌ها تومان بدهم اما در عوض آزاد شوم. راحت شوم! و یا اینکه آنقدر تحت فشار روحی قرار می‌گیرد که دچار انواع و اقسام بیماری‌های روانی می‌گردد. یکی از رایج‌ترین این بیماری‌ها خودکشی‌هایی است که در بعضی از همین عاشقان دیروز که حالا در خط پایان هستند وجود دارد، همان دخترانی که دیروز خودشان را بزک می‌کردند و می‌خواستند به هر نحوی شده دلی به‌دست بیاورند، ولی امروزه در گردابی دست و پا می‌زنند و آخر به خودکشی متوسل می‌شوند.

مسئله دیگر این است که در شکارچیان خیابانی زمانی که رابطه ایجاد می‌کنند، رفتار و کردار خود را هنگام دوستی مخفی می‌کند و در مرحله اول مؤدب، منظم، فداکار، خوش رفتار ، لحظه به لحظه به قول معروف اس زدن، هر روز همدیگر را دیدن، برای همدیگر هدیه خریدن و... برعکس حالا رفتارها در خانواده‌ها دچار تغییر می‌شود، غیر واقعی تصنعی. خانواده کم‌کم متوجه می‌شود، عصبانیت، افت تحصیلی، پرخاشگری. بی‌ارزشی عواطف خانوادگی چرا که آن عاطفه و محبت و احترام دختر یا پسر فدای فردی دیگری در خیابان شده است. و این‌ها نتیجه‌ی همان بی‌تفاوتی‌های شما نسبت به دخترانتان می‌باشد که در برابر حجابش بی‌خیال بودید و فکر می‌کردید هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

یکی دیگر از اثرات منفی این بی‌حجابی و بدپوششی این است که وقتی یک نفر در خیابان انتخاب شد، به‌خاطر اینکه خودش را خوشگل کرده بود و چقدر هم از

این رفتارش راضی بود و به قول دختری که می‌گفت مُخ فلانی را زدم، دوست پسری را پیدا می‌کند! اما غافل از اینکه بعد از هر زیبایی، زیبای دیگری نیز هست! دخترم فکر کن اگر دختر خانمی دیگر از تو بی‌حجاب‌تر و نیمه عریان‌تر باشد و فن مخ زدن را هم بهتر بلد باشد، نمی‌تواند به‌راحتی همان لقمه‌ای را که در دست توست روزی از دست بگیرد. خودتان بارها و بارها شاهد بوده‌اید، چون مردان هم تنوع طلب هستند، اگر دوست تو زیباتر باشد، تو قربانی شده‌ای و این همان خیانت در امانت است. ولی از آن‌جایی که همه انسان‌ها از خیانت بیزارند، سوال این است، کسی که امروز در روابط دوستی خیانت می‌کند از کجا معلوم فردا در زندگی پاک و بی‌آلایش و صادق باشد؟ پس مواظب پوشش و لباس خودتان باشید.

یکی دیگر از اثرات منفی بدحجابی زمینه گناه و وسوسه شیطان و از جمله دام‌های قطعی و حتی شیطانی خلوت با نامحرم است. اگر کسانی که به گناه آلوده می‌شوند از ابتدا قصد هیچ کاری را نداشته‌اند، ولی این بدن نیمه عریان و پوشش بد آنقدر تحریک و شهوت ایجاد کرده است که دیگر گناه مهم نیست و هیچ کس را راه گریز از آن نیست، مگر آنکه خیلی خدایی باشد. لذا کسی که خدایی باشد از همان لحظه اول فریب نمی‌خورد. پس دخترم تو که می‌خواهی زندگی شیرین با عزت را شروع کنی بیا با عزت و طراوت شروع کن نه با گناه و همراهی شیطان.

یکی از اثرات بسیار منفی و شکننده این بی‌حجابی، روابط شیطانی و لطمه‌ی تحصیلی است که گریبانگیر دختران و پسران می‌شود، چرا که تمرکز از روی درس برداشته و بر روی عشق و خودنمایی گذاشته می‌شود، در واقع اصلاً دست خودتان هم نیست، فکر دائم مثل مگس می‌پرد و بر سر شیرینی می‌نشیند. مخصوصاً که اگر در سطح دبیرستان مشغول به تحصیل باشید، به‌دلیل کنکور، معدل، دانشگاه ، شغل، این افت اصلاً قابل جبران نیست و حتی ممکن است تا آخر عمر هم قابل جبران نباشد. زیرا دختری که درس‌خوان است فکرش روی درس است و باید فردا

پزشک و مهندس جامعه بشود، حالا با حداقل تحصیلات تن به یک ازدواج می‌دهد و بعد متوجه می‌شود که:« ای کاش عاشق نمی‌شدم ای کاش آنقدر خودنمایی نمی‌کردم ای کاش روزهای که گیسوانم را پریشان می‌کردم درس می‌خواندم!» و نکته مهم برای پسران این است که لطمه‌ای دیگری هم غیر از درس دارد، مشکل شغلی، زیرا به خاطر هیجان و التهاب و وعده‌های داده شده، الان در بدترین شرایط قرار گرفته زیرا نه حرف‌هایش اساس داشته و نه درس‌هایش دوام. و نه شغلی خوب دارد.

و حالاچند راه بیشتر ندارد یا اینکه چون درس نخوانده باید به سربازی برود. و یا این‌که باید حرف‌هایش را پس بگیرد و رابطه‌ها را در هم بشکند و یا یک زندگی بحرانی با چشم‌اندازی تاریک شروع نماید.

یکی از فاکتورهای مهم که دختران باید حتماً مد نظر داشته باشند این است که وقتی در خیابان کمربند روی مانتو می‌بندد و ناخن‌ها را رنگ می‌کند و شلوارهای رنگ رنگ می‌پوشند و به راحتی دوست پسر پیدا می‌کند، هیچ می‌اندیشد که انگیزه پسر چیست؟... هیچ میدانید بعضی از کسانی که به شما گرایش پیدا می‌کنند ممکن است پسری درگیر تنش‌ها و مشاجره‌ی خانوادگی باشد که برای حمایت و تأمین نیازهایش، اقدام به دوستی با شما نموده تا ضمن به‌دست آوردن محبت و عاطفه شما، قدرت و توانمندی‌اش را بهئ اثبات برساند، در صورتی که تحت فشار روانی قرار دارد و از پدر و مادرش هم قطع رابطه کرده و می‌خواهد جایگاهی پیدا کند و حالا این جایگاه را دامن پاک دختری می‌بیند. متاسفانه بعضی از دخترها که به دام چنین اشخاصی افتاده‌اند باید هزینه و پول تو جیبی و مخارج پسر را هم تأمین نمایند! واقعاً به جای مسخره بودن چندش آور است. خودت را بفروش، فکرت را خراب کن، اموال خانواده را خرج کن، در درس‌هایت شکست بخور، ذلت را بپذیر، تحقیر بشو و باج بده چرا که می‌خواهی، دوست پسر داشته باشی!؟ وای

وای که از این فکر خراب!!!

فاکتور بعدی سوء ظن و بدگمانی است. اول پسران می‌گویند خوب است بعداً آن‌چنان غیرتی می‌شوند که شما باید از آسمان به زمین بیایی آنقدر محدود می‌شوی که خودت از زندگی و رفاقت‌ها، خسته می‌شوی و خودت می‌خواهی این رابطه را قطع کنی. به‌خدا سوگند دختر خانمی آنچنان مورد آزار و اذیت قرار گرفت و زجر کشیده که عاقبت دانشگاه را رها کرد و بعد هم بدون این که به کسی بگویند منزلشان را فروخته از تهران به شهرستانی نقل مکان کردند. شغل پدر را از دست دادند که از شر پسر راحت شوند آیا این عشق وحشتناک آنقدر ارزش دارد.

یکی از عوامل دیگر ضربه مهلک به خانواده پسران است. چرا که پسران وقتی یک دختر بی‌حجاب و بدون مسئولیت را می‌بینند و عاشق می‌شوند آنها نیز گرفتار می‌شوند و گرفتاری‌های پسران چیزی کمتر از گرفتاری‌های دختران ندارد. مثلا:

۱. دختری که عاشق شده و تن به ازدواج داده و بعد با همان وضع در کوچه و خیابان می‌گردد و دوباره دوست پسر پیدا کرده و پسر قبلی را به روزی انداخته است که جز مرگ به هیچ چیز نمی‌اندیشد.

۲. تحصیلات پسر ناتمام مانده و راهی سربازی می‌شود و بعد از برگشت بیکار یا تن به شغل معمولی می‌دهد.

۳. سن ازدواج با بودن این دختران زیاد می‌گردد و انگیزه ازدواج از بین می‌رود.

۴. بر اثر ناراحتی‌ها و فشارهای روانی دچار اعتیاد و ناهنجاری دیگر می‌گردد.

۵. افسردگی، خودکشی و اضطراب شروع می‌شود.

۶. اتلاف عمر و ضایع شدن وقت، هدر رفتن بهترین سنین جوانی.

۷. از دست دادن فرصت‌ها برای موفقیت‌های خوب ازدواج.

۸. بدبینی و بیزاری شدید به جنس مخالف و داشتن زمینه برای ازدواج بعدی.

۹. خدشه‌دار شدن احترام و قداست خانواده، در بین اقوام.

۱۰. ترویج الگوهای غلط و سرمشق شدن برای دیگران و ...
خواننده گرامی، مواردی را که در پیش رو دارید با دقت و تفکر بسیار قوی مطالعه کنید و در جواب سؤالات خوب بیندیشید، و این کاریست بسیار سنگین و دقیق، اگر هر یک از این موارد در منزل شما هست بلافاصله در صدد حل آن برآیید دقیق دخترتان را بنگرید و ببینید درکدام یک از موارد ذیل در حق او کوتاهی شده است.
پرسشنامه بین دخترانی توزیع شد که جزء آن‌دسته از دخترانی بودند که بدترین نوع پوشش را در معابر عمومی داشتند. پاسخ دادن به پرسشنامه هم آزادا بود و طی چندین روز حدود ۵۰۰ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.
« دختر عزیزم، پرسشنامه‌ای که در پیش رو دارید فقط به عنوان یک کار تحقیقی می‌باشد. خواهشمند است بدون ذکر نام و با صداقت و دقت کامل به سؤالات جواب دهید. می‌توانید حتی دو مورد در برابر هرسؤالی لازم می‌بینیدجواب بنویسید.
سوال) دخترم از این‌که شما با بدترین نوع پوشش و عدم رعایت حجاب در معابر عمومی رفت و آمد می‌کنید چیست؟ لطفاً انگیزه خود را از این رفتارتان در دو مورد زیر که از اهمیت بالایی برایتان برخوردار است علامت بزنید.
جواب سؤالات با توجه به تعداد پاسخ دهندگان که اولویت‌بندی و جمع‌بندی شده و به ترتیب مورد بررسی قرار گرفت، به شرح زیر می‌باشد.

سوال	تعداد پاسخ‌دهندگان
۱. می‌خواهم مورد توجه دیگران قرار بگیرم و خودنمایی کنم.	۱۱۲ نفر
۲. به نوعی می‌خواهم نظر پسرها را به خودم جلب نمایم.	۹۸ نفر
۳. هیچ‌گونه اطلاعی از بدی و نامطلوبی آن ندارم.	۸۲ نفر
۴. به‌خاطر این‌که کم نیاورم.	۷۱ نفر
۵. به دام انداختن پسرها	۷۰ نفر

۶. به‌خاطر فشار زیاد و بیش از اندازه پدر و مادرم. ۶۸ نفر
۷. همه لباس‌ها را می‌خواهم تجربه کنم. ۶۳ نفر
۸. می‌خواهم رقیب دوستانم باشم. ۶۰ نفر
۹. به این رفتار عادت کرده‌ام. ۵۶ نفر
۱۰. از این کار لذت می‌برم. ۵۱ نفر
۱۱. بی‌تفاوتی پدر و مادرم در برابر پوشش من. ۴۰ نفر
۱۲. لجبازی کردن با پدر یا مادرم. ۳۶ نفر
۱۳. بیزاری و دلزدگی از دین به‌خاطر آموزش سخت آن ۳۱ نفر
۱۴. از دیگران الگو گرفته‌ام. ۲۴ نفر
۱۵. از رسانه‌های غربی و ماهواره‌ها تقلید کرده‌ام. ۲۳ نفر
۱۶. به‌خاطر تنوع طلبی ۲۰ نفر
۱۷. برای سرگرمی و تفریح در خیابان ۱۷ نفر
۱۸. برایم اصلاً مهم نیست یعنی نمی‌دانم ۱۶ نفر
۱۹. برای دلخوشی خودم ۱۵ نفر
۲۰. به آینده هرگز فکر نمی‌کنم ۱۰ نفر
۲۱. از این کار لذت می‌برم ۱۰ نفر
۲۲. هیجانی هستم ۹ نفر
۲۳. بخاطر اینکه امل نباشم. ۰

سندهای معتبری برای پوشش حجاب

از آن‌جایی که عزیزان به‌خصوص دختران و زنان ما داری هوش و ذکاوت و قوه تجزیه و تحلیل بالایی هستند دیگر نمی‌شود آن‌ها را با نصیحت و حرف‌های تکراری قانع کرد باید برای هرچه می‌نویسی و می‌گویی دلیل متقاعد کننده‌ای داشته باشی تا که خواننده خود در فکر فرو رفته و بیندیشد و بعد از اینکه درباره آن

فکر و تحقیق کرد و در آخر تجزیه و تحلیل نمود آزادانه با توجه به فهم خود آن را یا بپذیرد یا رد نماید. لذا من هم تصمیم گرفته‌ام بعضی از اسناد و دلایلی را که درباره پوشش وجود دارد مستند کنم و روی کاغذ بیاورم و قضاوت را به خود شما واگذار کنم. مطمئن باشید چیزی که دلایل متقن زیادی در موجودیت هست نباید هیچ تردیدی و شکی در باره آن به خود راه دهید. فریب حرف‌های عامیانه و طراحی شده را نخورید، وقتی انسان بر سر دوراهی می‌ماند، بهترین تصمیم آن است که به سخنان کسانی که از بزرگان تاریخ هستند اکتفا نماید تا مبادا خود را در گرداب مهیب بیندازد و نابود نماید. در این قسمت دلایل قرآنی، سخنان ائمه اطهار، سخنان بزرگان، دانشمندان، فیلسوفان و... به اطلاع شما خواهد رسید.

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

قرآن کریم (سوره نور آیه ۶۲ جزء ۱۸)
مومنین کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده و در مسائل و امور اجتماعی مشارکت نموده و ترک نمی‌کنند مگر اینکه اجازه بگیرند.
سوره اعراف (آیه ۲۶ این مطلب می‌آید)
بواسطه این آیه پوشش بر زن و مرد واجب شد زیرا زن و مرد عریان بودند و حتی عریان طواف می‌کردند.
امام صادق(ع) (در کتاب وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۷۲)
نگاه تیری از تیرهای مسموم شیطان است که به‌خاطر خدا نه، دیگری آن را رها سازد. خداوند در عوض پاداش ایمانی به او می‌دهد که طعمش را می‌چشد.
حضرت علی(ع) می‌فرمایند
هرکس ما اهل بیت را دوست بدارد باید خود را آماده کند تا فقر خویش بپوشد.
حضرت علی(ع) (کتاب وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۳۳)
پیامبر از زنان پیمان گرفت که دوست نداشته باشند در خلوت با مردان بنشینند.
انجیل متی (باب هجدهم فقره ۱۰۷)
اگر دستت یا پایت تو را بلغزاند آن را قطع کن و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر است که شل داخل شوی از آنکه با دست و پا در آتش افتی
امام صادق(ع): نیکی کنید با پدرانتان تا به شما نیکی کنند پسرانتان و چشم‌پوشی کنید از زنان مردم تا از زنانتان چشم بپوشند.
فخر رازی (در کتاب تفسیر الکبیر ج ۲۳ ص ۲۰۵)
بدان زینت نامی است که بر زیبایی‌های مخلوق که خداوند آفریده و همینطور به آن‌چه انسان به‌وسیله آن‌ها آراسته و مزین می‌شود مثل لباس و زیور و... اطلاق می‌شود.

پیامبر(ص) می‌فرمایند (در کتاب نورالثقلین ج ۴ ص ۱۲۴)
بهترین زنان شما زنان عفیف و پاکدامنِ شوهر دوست هستند.
زمخشری می‌گوید (کتاب کشاف ج ۳ ص ۲۳۱)
چون حالت پوشش زنان به گونه‌ای بود که گردن و سینه مکشوف بود سوره نور نازل شد.
حضرت علی(ع) (در کتاب غرر الحکم ج ۴ ص ۱۰۵)
زکات زیبایی عفاف است.
رسول خدا(ص) خطاب به حولاء (کتاب مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۵۴۹)
ای حولاء هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی‌کند و همچنین روی سر و مچ خود را نمایان نمی‌سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد این خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین نموده است.
ابن عباس می‌گوید (در کتاب مجمع البیان ج ۷ ص ۱۳۶)
زن مو و سینه و دور گردن و زیر گلویش را بپوشاند.
طبری (در کتاب جامع ج ۱۰ ص ۱۲۰) می‌گوید
روسری‌هایشان را بر سینه بیندازند تا موها،گردن‌ها و گوشواره‌هایشان مستور بماند.
حضرت زینب(س)
آماده مصیبت باشید لباس‌های روی خود را بپوشید بدانید خدا حامی شماست و از شما محافظت می‌کند و از شر دشمنان نجاتتان می‌دهد و عاقبت امورتان را خیر می‌کند.
فرانتس فانون (تحلیل‌گر انقلاب الجزایر) می‌گوید
جامعه‌شناسان استعمار توجیه می‌کنند که اگر زن‌ها را دست بگیریم همه چیز

بدنبالش خواهد آمد.

خانم شمیم شیخ (روزنامه جمهوری اسلامی ۷۲/۵/۳)

باید زیبایی‌های خود را بپوشانیم تا سبب جلب توجه نادرست نشویم ما نیز مدهای زیادی داریم و آن را در مقابل خانم‌ها و شوهرانمان ارائه می‌کنیم.

کتاب انجیل (رساله بولس باب دوم فقره ۱)

همچنین زنان خویشتن را بیارائید به لباس مزیّن به حیا و پرهیز، نه مزیّن به زُلف‌ها و حلا و مروارید و رخت گران‌بها

خانم ایوان رولی (خبرنگار انگلیسی)

حجاب در زندگی من و حفظ امنیت من نقش بسیار بزرگی را ایفا نمود و من با پناه آوردن به حجاب خود را در امنیت احساس می‌کنم.

منتسکیو

تمام ملل جهان در این عقیده مشترک هستند که زنها باید حجب و حیا داشته باشند و لازم دانسته آن‌ها محجوب باشند و بر شهوات غلبه نمایند.

حضرت امام خمینی (در کتاب زن از دیدگاه امام خمینی(ره) ص ۲۱)

اینجانب به زنان توصیه می‌کنم که رفتار زمان طاغوت را فراموش کنند و ایران عزیز را که متعلق به خودشان و فرزندانشان است به طور شایسته بسازند.

حجاب در زرتشت

زنان محترم محجوب بوده‌اند زنان محترم ایران برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد حدودی که آنها را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز دهد صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را پنهان نگه می‌داشتند.

خانم رَجنَر اختر (در لندن)

حجاب به نفع ما و کشور ماست باید چنین سمینارهایی را در شهرهای مختلف

جهان تشکیل داد تا حجاب را به همه معرفی نموده و آن را تبیین کرد تا همه بدانند حجاب نه تنها ضرری ندارد بلکه به نفع مردم و کشور است.

استاد مطهری

آیا اگر زن ساده و سنگین به دنبال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا اینکه ساعت‌ها پای میز توالت وقت خود را تلف کند و در بیرون هم تمام توجه‌اش افکار مردان باشد و جوان را که مظهر فعالیت و تصمیم است را وادار به هوس و چشم‌چرانی کند.

کِلْمِنت مرجع بزرگ مسیحیت

زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد الا آنکه در خانه باشد زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند می‌تواند از خیره شده چشم‌ها به سوی او مانع گردد.

در کشاف ج ۳۷ ص ۲۳۱ آمده است:

من برتر از زنان انصار ندیدم همین‌که آیات سوره نور نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید، سر خود را با روبه‌های مشکی می‌پوشیدند و ...

ویل دورانت (در کتاب تاریخ تمدن ج ۱ ص ۵۶۵)

... یک زن نجیب و محترم می‌توانست روی خود را فقط به شوهر و پسرانش نشان دهد در ملأ عام باید با روبنده سنگینی آمد و شد کند که صورتش را پوشیده دارد...

خلیل ابن احمد فراهیری (در کتاب العین ج ۷ ص ۳۸۷)

زیبایی نقیض زشتی‌است و زینت هر آنچه را بواسطه آن آراسته می‌شود در بر دارد.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند (در کتاب وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۴۱)

آنکه چشم را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشمانش را از میخ‌های آتش آکنده خواهد کرد آنگاه درونش را از آتش پر می‌کند تا مردم از گورها برآیند.

قرآن کریم (سوره نور آیه ۲۴)
به مردان مؤمن بگو دیدگان خود را فروخوابانند و دامن‌های خویش را حفظ کنند این برایشان پاکیزه‌تر است خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.
حضرت علی(ع): غیرت مرد و حراست او از ناموسش ایمان است. (غررالحکم ج ۴ ص ۳۷۷)
پیامبر(ص) (در کتاب امالی ج ۶ ص ۲۸ آمده است.)
هر زنی که خود را بیاراید و خوشبو کند و از منزل خارج شود و شوهر به این امر راضی باشد خداوند در قبال هر قدمی که برمی‌دارد، برای شوهرش خانه‌ای در دوزخ بنا خواهد کرد.
حضرت علی(ع) (کتاب غررالحکم ج ۱ ص ۲۶۲)
نگاه مردم پیشاهنگ همه فتنه‌هاست
چشم‌ها دام‌های شیطان هستند.
حضرت علی(ع) (در کتاب تحف العقول ص ۷۹)
عفاف آرایش بلاها و سختی‌هاست، میوه آن حیاست و محافظت قناعت در خیانت است.
قرآن کریم (در کتاب زندگی حضرت زهرا ص ۳۰)
خداوند درباره حضرت مریم(ع) فرمود مریم دختر عمران عفت خود را حفظ کرد خداوند هم بهشت را به او عطا فرمود و عیسی که مثل ماه شب چهارده بود به دنیا آمد.
امام صادق(ع) (در کتاب الحدیث ج ۱ ص ۷۲)
دقت کن در صفتی که خداوند آن را تنها به انسان‌ها اختصاص داد و حیوانات از آن بی‌بهره‌اند و آن خُلق و خوی ارزشمند و بزرگ و ارزنده و عظیم حیا است.

ویل دورانت (از زنان قبل از اسلام در کتاب تاریخ تمدن ص ۵۲۰)
زنان یونان باستان باحجاب بوده‌اند.
همسر پادشاه فرمانروای ایتاک باحجاب بود
زنان شهر تب باحجاب بودند.
زنان شهر اسپارت باحجاب بوده‌اند.
ساکنان آسیای صغیر و شهر ماد باحجاب بوده‌اند.
در قدس قدیم حجاب وجود داشت
مادها، پارسی‌ها، اشکانیان، ساسانیان، هخامنشی، اشکانی با حجاب بودند
حضرت زهرا(س) (در کتاب بحارالانوار ج ۴۳)
آن هنگام که زن در خانه می‌ماند از همه حالات به پروردگارش نزدیک‌تر است.
«ماث» مسلمان شدنش را لطف خداوند می‌داند.
ویل دورانت (تاریخ نویس غربی)
الهه عفت عالی‌ترین نمونه دختران جوان به شمار می‌آید دارای بدنی نیرومند و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته بود

حجاب در آیین مسیحیت

هر زنی که سر برهنه دعا کند سر خود را رسوا می‌سازید زیرا این‌چنان است که تراشیده شود و همچنین زنان خود را بیارایند به لباس حیا و پرهیز.

یک نویسنده غربی

درود و عزت بی‌حد به زنان باحجاب ایران باد.

قانون دانشگاه آلاسکا

لباسی که اغلب می‌پوشیم بیانگر شخصیت و سلیقه فردی است و می‌تواند باعث جلب توجه شود. اما معتقدین باید جذابیت درونی یک روح مسیحی را مورد توجه

قرار دهند.

دانشگاه بریگ هام آمریکا

رفتار زشت یا پوشش و آرایش عجیب و غریب و نامتناسب در هر زمان و مکانی ممکن است به بازنگری ادراک فرد از رفتار و شخصیت مورد انتظار از وی منجر گردد...

حضرت زهرا(س) (در کتاب حلیه الاولیا ج ۲ ص ۴)

بهترین چیز برای زنان آن است که نه آنان مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه به آن‌ها بنگرند.

حضرت علی(ع) (در کتاب بحارالانوار ج ۷۴ ص)۱۷۵

بهترین خصال زنان بدترین صفات مردان است و آن‌ها عبارتست از «کبر، ترس و بُخل»

خاطرات بسیار شیرین و جذاب یک خانم ژاپنی

نظری بر حجاب از درون

زمانی که من در اوایل دهه ۱۹۹۰ در فرانسه[۱] به اسلام گرویدم، مجادله بر سر پوشش حجاب[۲] در مدارس، مسأله به‌شدت داغی بود. فرانسویان با مشکلات اقتصادی حادی روبه‌رو بودند که منجر به بیکاری زیاد و ناامنی اجتماعی شده بود و این در شهرهای بزرگ به طور عمده حس می‌شد. به جمعیت مهاجر، به‌خصوص از کشورهای مسلمان، به چشم یکی از علل بیکاری نگریسته می‌شد. منظره حجاب در شهرها و مدارس این کشور تنها به وخیم‌تر شدن دیدگاه‌ها نسبت به مسلمانان، که از قبل هم نفی شده‌بودند، منجر می‌شد.

اکثریت مردم فکر می‌کردند که مجاز نمودن دانش‌آموزان به استفاده از پوشش حجاب، بر خلاف اصول نظام آموزشی عمومی مبنی بر رعایت بی‌طرفی در قبال مذهب می‌باشد. من هنوز مسلمان نشده بودم، و نمی‌توانستم درک کنم که چرا مدارس تا به این حد در مقابل یک تکه پارچه معمولی که روی سر انداخته می‌شود نگران هستند. من نیز که از بیرون به حجاب می‌نگریستم، اهمیت آن را برای مسلمانان درک نمی‌کردم؛ اما من این نکته را در نظر گرفتم که مدارس با حفظ بی‌طرفی در موضوعات مذهبی، هنوز هم مجبور بودند به عقاید یک دانش‌آموز و

---

[۱]. خانم خائولا ناکاتا یک نویسنده که خود ژاپنی است در ژانویه ۱۹۹۱ به دین اسلام گروید، یعنی یک ماه بعد از آنکه با آن رویارو شد. او به یاد می‌آورد که آن مدت (یک ماه) برای من کافی بود تا واقعیت اسلام را درک کنم و آن را بپذیرم. این یک نقطه عطف سرنوشت‌سازی در زندگی‌ام بود.

[۲]. از نظر معنی لغوی به معنای پوشش، تجزیه یا پرده است. در ابتدای این متن به عنوان روسری استفاده شده، اما بعدها منظور پوشش کامل است.

عمل کردن به وظایف مذهبی احترام بگذارند. این عمل، تا زمانی که به اصطلاح نظم مدرسه را به هم نزند، نباید منع گردد.

فرانسویان، همانند بیشتر غربیان دیگر، انتظار داشتند که با ریشه گرفتن غربزدگی و دنیاگرایی، حجاب بمیرد و به تاریخ بپیوندد. اما، در جهان اسلام به‌خصوص در بین نسل جوانتر، موج عظیمی از بازگشت به حجاب در حال گسترش به کشورهای مختلف بود. این تجدید حیات، بیانی از احیای اسلام است. آن، بخشی از فرآیند بازگرداندن غرور و هویت به مسلمانان است، که به کرات از طریق استعمار و استثمار اقتصادی مورد حمله قرار گرفته بود.

من اهل ژاپن هستم. در تاریخ ما، ما اولین برخورد با فرهنگ غربی را در عصر میجا تجربه کردیم. در طول این دوران، ژاپنی‌ها علیه شیوه زندگی غربی، از جمله لباس‌های غربی، واکنش نشان دادند. بنابراین، برای مردم من، پای‌بندی عرب‌ها و دیگران نسبت به اسلام می‌تواند با سنت‌گرایی محافظه‌کاران یا ضدّ غربی شدن که خود ژاپنی‌ها تجربه کردند مقایسه شود. به نظر می‌رسد که انسان تمایلات محافظه‌کارانه دارد و در نتیجه هر چیز جدید و ناآشنا را رد کرده و با جهالت علیه آنها واکنش نشان می‌دهد. انسان بندرت می‌ایستد تا تفحصی بکند که آیا این کار خوب است یا بد. درباره مردم غیر مسلمان نیز که بر این باورند که زنان مسلمان برده سنت‌ها بوده و از وضعیت «تأسف‌بار» خود غافلند. این مردمان فکر می‌کنند که رستگاری یک زن مسلمان، از طریق جنبش آزادیبخش زنان یا گونه‌ای دیگر از ارتقای اجتماعی و اقتصادی – که به او استقلال خواهد داد، او را بیدار خواهد کرد و از قیود سنت و حجاب رها خواهد کرد– به دست می‌آید.

این نقطه نظر ساده‌لوحانه، عموماً با آن‌هایی که معلومات کمی درباره اسلام دارند اشتراک دارد. غیر مسلمانان که به سکولاریسم و التقاط مذهبی خو کرده‌اند، به سادگی از درک این‌که چرا یک شخص ممکن است بخواهد که خود را بر اساس

یک نظام مذهبی که قرن‌ها قبل ایجاد شده است، هماهنگ نماید عاجر می‌باشند. آن‌ها قدرت اسلام و جاذبه آن را که جهانی و ابدی است نمی‌فهمند. این واقعیت که شمار افزونی از زنان با ملیت‌های متفاوت در سرتاسر جهان به اسلام باز می‌گردند و خود را می‌پوشانند، آن‌ها را آزار می‌دهد. آن‌ها درباره این«چیز عجیب» -یک پارچه مات که تنها موی زنان و گاهی چشمانشان را می‌پوشاند- ناراحتند. یک غیر مسلمان با نگاه از خارج هرگز نمی‌تواند عملاً بفهمد که در ورای حجاب چه چیز وجود دارد؛ من هم نمی‌توانم. بسیاری از کتاب‌ها که به موضوع می‌پردازند صرفاً از زاویه مشاهده خارجی این کار را انجام می‌دهند. نویسندگان آنها نمی‌توانند بفهمند که یک زن از پشت حجاب چه چیز می‌بیند. تنها پس از اینکه در سال ۱۹۹۱ مسلمان شدم، بینش من هم شفاف گشت. حجاب برای من نه اهمیت اجتماعی دارد و نه اهمیت سیاسی، بلکه تنها نشان‌دهنده یک اعتقاد مذهبی است.

در طول زمانی که می‌خواستم تصمیم بگیرم که آیا اسلام را بپذیرم یا نه، من نه با جدیت درباره توانایی خودم، برای انجام پنج نوبت نماز روزانه فکر کردم و نه به طور عمیق درباره پوشیدن حجاب اندیشیدم. شاید می‌ترسیدم در درون خود یک واکنش منفی پیدا کنم که بر روی تصمیمم مبنی بر مسلمان شدن تأثیر بگذارد. تا زمان اولین دیدارم از مسجد پاریس، من در جهانی زندگی کرده بودم که با اسلام هیچ تماسی نداشت. من به هیچ عنوان با نماز و پوشش آشنایی نداشتم، و به سختی تصور می‌کردم که خودم این وظایف را انجام خواهم داد و یا این شیوه‌ها را اتخاذ خواهم نمود. با این حال، چیزی در درون من اتفاق افتاد، و اشتیاق من برای ورود به جرگه مسلمانان چنان قوی گشته بود که واقعاً درباره آن‌چه که پس از مسلمان شدن در انتظارم بود، نگران نبودم. ممکن است قابل توجه به نظر آید، اما در واقع، من با لطف پروردگار به سوی اسلام هدایت شدم.

قدم اول

پس از گرویدن به اسلام، هر چند من به پوشیدن حجاب خو نکرده بودم، اما خیلی زود، کم‌کم منافع آن را دریافتم. چند روز پس از اولین حضورم در سخنرانی روز یک شنبه در مسجد، من یک روسری خریدم که یکشنبه هفته برسرکنم. هیچ‌کس به من نگفت که روسری سر کنم - من صرفاً می‌خواستم به خاطر احترام به مسجد و خواهران مسلمان دیگر که در آن‌جا بودند این کار را بکنم. من بی‌صبرانه منتظر آمدن یکشنبه بودم؛ چون آن سخنرانی یک تعالی روحی در من ایجاد کرده بود که تا آن زمان تجربه نکرده بودم. قلب من، آنقدر گرسنه غذای روحی بود، که هر کلمه از سخنرانی را جذب می‌نمود؛ درست همان‌طور که یک اسفنج خشک آب را جذب می‌کند. قبل از آنکه روز یکشنبه به داخل سالن سخنرانی بروم، وضو گرفتم و روسری را سر کردم. پس از سخنرانی برای اولین بار وارد نمازخانه شدم. در اتاقی که با سکوت سنگینی پر شده بود، همراه با خواهران دیگر نماز خواندم. آن چند ساعتی که در مسجد گذراندم، چنان احساس خوشحالی و رضایتی در من ایجاد کرد که من حتی پس از ترک مسجد نیز روسری‌ام را روی سرم نگاه داشتم تا این خوشحالی را در قلب خود حفظ کنم. به خاطر هوای سرد آن زمان، روسری من توجه کسی را جلب نکرد. این اولین حضور من در اجتماع با «حجاب» بود، و من در درون خود یک حس متفاوت داشتم؛ احساس می‌کردم منزه و محفوظ می‌باشم. من به خداوند بیشتر احساس نزدیکی می‌کردم.

به عنوان یک زن ژاپنی در یک کشور خارجی، زمانی که مردان در مکان‌های عمومی به من خیره می‌شدند، احساس خوبی نداشتم. با این حال، من با حجاب خود احساس محفوظ بودن می‌کردم. من دیگر خود را مانند یک شیء که بی‌ادبانه به او خیره می‌شدند نمی‌دیدم.

پس از آن، هرگاه بیرون می‌رفتم حجاب می‌پوشیدم. این یک عمل خودجوش و

داوطلبانه بود که هیچ کس مرا وادار به انجام آن نکرد. اولین کتابی که من درباره اسلام خواندم، حجاب را با اصطلاحات معمولی توضیح می‌داد، بدین مضمون که «خداوند بسیار سفارش کرده است». اگر کسی با لحنی آمرانه گفته بود که «تو باید به محض اینکه وارد اسلام شدی حجاب بپوشی»، شاید من دلم می‌خواست برخلاف آن دستور عمل کنم. معنی کلمه اسلام « تسلیم » به اداره خداوند و اطاعت از فرمایشات اوست. برای کسی مانند من، که سال‌های بسیاری بدون مذهب زیسته بود، پیروی از هر گونه فرمان بدون احساس مقاومت دشوار بود؛ اما فرامین پروردگار فارغ از خطا می‌باشند و رفتار صحیح اسلامی عبارت است از پذیرفتن و عمل نمودن به آن‌ها بدون سؤال کردن، تنها فهم انسان است که به خطا می‌رود. و من که مانند بسیاری دیگر تنها به قدرت استدلال خود اعتقاد داشتم، پی در پی نیاز به پیروی از هرگونه قدرت موجود یا نظام‌های ارزشی را مورد سؤال قرار می‌دادم. با این حال، در این نقطه از زندگی خود، اراده من به صورت خودجوش با اراده خداوند هماهنگ گردیده بود و من قادر شده بودم وظایف اسلامی خود را بدون هرگونه احساس اجبار به انجام برسانم. الحمدالله.

من به پوشش جدید خود که نه تنها علامتی از اطاعت من از خدا بود، بلکه همچنین اعلام آشکار عقایدم بود، راضی شدم. زن مسلمانی که حجاب می‌گذارد، به وضوح در داخل یک جمعیت قابل شناسایی است. در مقابل، اغلب از طریق به زبان آوردن می‌باشد که عقاید یک غیر مسلمان را می‌توان فهمید. آن یک بیان واضح از اعتقادات من و گوشزدی است به دیگران که خداوند وجود دارد، و نیز گوشزدی به من از تسلیم من به خداوند. حجاب به من می‌گوید: « مراقب باش، تو باید مانند یک مسلمان رفتار کنی». درست همان‌طور که یک پلیس در لباس رسمی خود از وظایف خود بیشتر آگاهی دارد، حجاب من نیز هویت من به عنوان یک مسلمان را تقویت می‌کند.

حجاب به مسلمانان اجازه می‌دهد که همدیگر را تشخیص دهند و احساسات خواهرانه ما را تقویت می‌کند. بعنوان مثال، یک بار من داشتم می‌رفتم که در جلسه یک گروه تحقیقی مسلمانان شرکت کنم، اما از محل آن اطمینان نداشتم. زمانی که منتظر اتوبوس بودم، متوجه چند خواهر با حجاب شدم. من فرض را بر این نهادم که آنها دارند می‌روند تا در همان جلسه تحقیقاتی شرکت کنند، بنابراین جلو رفتم و به آنها «السلام علیکم» گفتم و به آنها پیوستم. ما، در خواهری مشترک خود، بدون حتی شناختن همدیگر با هم سلام و علیک کردیم. این در اسلام توصیه شده است، چرا که پیامبر (ص) می‌فرماید: «... و سلام کنید به آن‌ها که می‌شناسید و به آن‌ها که نمی‌شناسید».

قدم دوم

دو هفته پس از گرویدنم به اسلام، برای شرکت در مراسم عروسی خواهرم به ژاپن بازگشتم. من، پس از گرویدن به اسلام، کشف کرده بودم که به دنبال چه هستم. در نتیجه، دیگر علاقه‌ای به گرفتن دکترا در رشته ادبیات فرانسه نداشتم. در عوض، علاقه مفرط من متوجه یادگیری عربی و قرآن گردید، بنابراین تصمیم گرفتم به فرانسه برنگردم.

باقی ماندن در یک شهر کوچک ژاپن یقیناً یک آزمایش بود. من به تازگی به اسلام گرویده بودم و معلومات بسیار کمی داشتم و کاملاً از دیگر مسلمانان جدا افتاده بودم. با این حال، این جدایی وجدان اسلامی مرا تشدید کرد. به جا آوردن نمازهای پنجگانه روزانه و پوشیدن یک روسری، به من کمک کرد که هویت اسلامی خود را تأیید نموده و رابطه مرا با خداوند قوت بخشید. من در انزوای خود اغلب به سوی خدا رو می‌کردم.

شیوه لباس پوشیدن من تغییرات عمده خود را تجربه کرد. اسلام زنان را از آشکار نمودن شکل بدن خود در انظار منع می‌کند. بنابراین، مجبور بودم بسیاری از

لباس‌هایم را که شکل بدن مرا برجسته می‌نمود، دور بیندازم. دامن‌های کوتاه، شلوارک‌ها و بلوزهای آستین کوتاه با حجاب همخوانی ندارند، بنابراین من برای خودم شلوار و رو لباسی به سبک پاکستانی‌ها درست کردم. زمانی که مردم به مد جدید «عجیب» من خیره می‌شدند، ناراحت نمی‌شدم.

قدم سوم

شش ماه پس از گرویدنم به اسلام، به مصر سفر کردم. تصمیم گرفته بودم اشتیاق شدید خود برای مطالعه عربی و اسلام را در یک کشور مسلمان دنبال کنم. در قاهره تنها یک ژاپنی را می‌شناختم، و در خانواده‌ای که میزبان من بود هیچ کس انگلیسی نمی‌دانست. زمانی که برای اولین بار چشمم به میزبان زن خود افتاد بسیار متعجب شدم. او از فرق سر تا نوک پا، از جمله صورتش در سیاه پوشیده شده بود. من قبلاً در فرانسه زنی را در لباس سیاه و روبنده دیده بودم و آن زمانی بود که من در یک کنفرانس اسلامی عظیم شرکت کرده بودم و حضور او در بین مسلمانان دیگر، که لباس‌ها و روسری‌های رنگارنگ به تن داشتند، بسیار عجیب به نظر می‌رسید. به خاطر می‌آورم که با خود فکر کردم: « این زنی است که سنت‌های عرب او را به اسارت کشانده است، و از تعالیم واقعی اسلام بی‌خبر است!». در آن زمان معلومات من از اسلام بسیار محدود بود و من بر این اعتقاد بودم که پوشاندن صورت از سنن قومی ریشه می‌گیرد و در اسلام هیچ بنیانی بر آن نیست. در همان حال که این زن مصری مرا به داخل خانه‌اش هدایت می‌کرد، فکر مشابهی به ذهن من خطور کرد. من خواستم به او بگویم: « شما افراط می‌کنید، و این غیر طبیعی است». تلاش‌های او برای احتراز از هرگونه تماس با مردان نیز ناهنجار به نظر می‌رسید. کمی پس از آن این خواهر به من اطلاع داد که لباس من برای پوشیدن در انظار نامناسب است. هرچند من اعتقاد داشتم که لباس من نیازهای پوشش اسلامی را تأمین می‌کند، اما به قدر کافی انعطاف پذیر

بودم که خود را سازگار کنم، همان‌گونه که در این جمله کلیشه‌ای عنوان شده است که « خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو». من یک لباس سیاه بلند دوختم و یک پوشش بلند برای سرم به نام «خمار». به این ترتیب، من به استثنای صورتم کاملاً پوشانده شدم و حتی روبنده را نیز در نظر گرفتم. این برای احتراز از گرد و غبار دائمی هوا ایده خوبی به نظر می‌رسید، اما این خواهر، شاید با این فکر که من قادر نخواهم بود این کار را در ژاپن بکنم یا اینکه نیت من درست نبود، گفت که هیچ نیازی به این کار نیست. این خواهران اعتقاد راسخ داشتند که پوشاندن صورت بخشی از یک وظیفه مذهبی می‌باشد.

بیشتر خواهرانی که من با آن‌ها آشنا شدم، چهره خود را پنهان می‌کردند. با این حال، آن‌ها تنها اقلیت کوچکی را در داخل شهر قاهره تشکیل می‌دادند. برخی ظاهراً حتی با دیدن خمار سیاه من شوکه و دست‌پاچه می‌شدند. مصری‌های غربگرا، از زنان مسلمان پوشیده، فاصله می‌گرفتند و آن‌ها را «الاخوات»(خواهران) می‌نامیدند؛ اما، در عین حال، مردان با آنها به احترام و ادب خاصی رفتار می‌کردند. این «خواهران» همچنین به نظر می‌رسید که در یک میثاق خاص شریک می‌باشند. به طور عام، زنانی که کاملاً چهره خود را می‌پوشاندند از اعتقاد خود بیشتر آگاهی داشتند، آن‌هایی که روسری‌های ساده و یا هیچ‌چیز نمی‌پوشیدند، به نظر می‌آمد که از وظیفه مذهبی خود نگرانی ندارند.

من قبل از گرویدنم به اسلام، شلوارهای مد روز را به دامن‌های زنانه ترجیح می‌دادم. اما اکنون لباس جدید بلندم مرا بسیار راضی می‌کرد. من مانند یک شاهزاده خانم احساس می‌کردم که دارای زیبایی ممتاز می‌باشم. علاوه بر آن، من دریافتم که این لباس راحت‌تر است. من از سیاه پوشیدن بدم نمی‌آمد، برعکس، دریافتم که لباس سیاه من در شهری پرغبار مانند قاهره کاملاً مناسب است. خواهران مسلمان من در لباس سیاه و خمار، باوقار به نظر می‌رسیدند و زمانی که

روبنده‌های خود را برمی‌داشتند، نوعی نورانیت درونی ظاهر می‌شد.
در طول اقامتم در قاهره، من از لباس سیاه خود راضی بودم. با این حال، به توصیه خواهر مصری خود مبنی بر اینکه حتی زمانی که به ژاپن بازمی‌گردم همان شیوه را ادامه دهم، به شکل منفی واکنش نشان دادم. من از آن‌چه که بی‌توجهی به شرایط زمانی و مکانی قلمداد می‌کردم عصبانی شدم. درک من این بود که اسلام به زنان فرمان می‌دهد بدن خود را بپوشانند و ترکیب اندام خود را پنهان کنند. تا زمانی که به این عمل می‌شود، شخص می‌تواند هرگونه سبک پوششی که دوست دارد اتخاذ کند.[۱] هر جامعه‌ای مد خود را دارا می‌باشد. من فرض کردم که اگر در یک لباس سیاه بلند در خیابان‌های ژاپن ظاهر شوم، مردم فکر خواهند کرد من دیوانه‌ام. من با خواهر مصری خود بحث کردم و توضیح دادم که لباس من ژاپنی‌ها را شوکه خواهد کرد و این‌که آن‌ها به حرف من گوش نخواهند داد. آن‌ها تنها از روی ظاهر، اسلام را رد خواهند کرد و هرگز سعی نخواهند کرد که به تعالیم آن گوش فرا داده، آن‌ها را درک کنند.
با این حال، تا پایان گرفتن اقامتم در مصر، من به لباس جدید بلند خود خو گرفته بودم و حتی به این نکته فکر می‌کرد که آن را در ژاپن هم بپوشم؛ اما، هنوز هم فکر می‌کردم پوشیدن لباس سیاه در کشور خودم کمی شوک‌آور باشد. بنابراین، تعدادی لباس به رنگ‌های روشن و خمارهای سفید دوختم. من با چنین پوششی بار دیگر به سرزمین مادری خود بازگشتم.

---

[۱]. در خصوص پوشش اسلامی شرایطی وجود دارد. به عنوان مثال پوشش اسلامی نباید چسبان، نازک و دارای زینت باشد.

قدم چهارم

تعداد مسلمانان در ژاپن کم است و بنابراین بندرت به چشم می‌آیند. با این حال، واکنش ژاپنی‌ها به خمار سفید من دلگرم کننده بود. من نه با دافعه و نه با تمسخر روبرو شدم. مردم فکر می‌کردند که من به یک مذهب خاص تعلق دارم، اما نمی‌دانستند به کدام یک. من یک بار شنیدم که یک دختر جوان به دوستش گفت که من یک راهبه بودایی می‌باشم. در واقع، من بسیار بیشتر از آنکه مسلمان شوم، میل وافری به زندگی مذهبی یک راهبه داشتم. توجه به تشابهات خارجی بین یک زن مسلمان و یک راهبه بودایی یا مسیحی جالب است. یکبار در جریان سفری در پاریس، با یک راهبه کاتولیک در واگن یک قطار زیرزمینی بودم. من به سختی می‌توانستم لبخند خود را مهار کنم چرا که ما بسیار شبیه هم به نظر می‌آمدیم. پوشش یک راهبه کاتولیک نمادی از وفاداری او به خداوند است، و او به خاطر شناسایی شده و مورد احترام قرار می‌گیرد. به همین ترتیب، حجاب نیز برای هر زن مسلمانی نشانه عشق به خداوند است. من متعجبم که چرا کسانی که پوشش یک راهبه را تکریم می‌کنند، از حجاب یک مسلمان انتقاد می‌کنند و در عوض آن را نمادی از افراط گرایی یا سرکوب قلمداد می‌کنند.

یک بار در یک قطار، مرد مسنی از من پرسید که چرا به این طرز عجیب لباس پوشیده‌ام. من به او توضیح دادم که من یک مسلمان هستم و اینکه در اسلام از زنان خواسته می‌شود، در انظار بدن خود را بپوشانند. برای مردان ضعیف‌الاراده مشکل است که در مواجه با زیبایی و دل‌انگیزی یک زن مقاومت کنند، ممکن است گفته شود که یک مرد همیشه به یک زن با شهوت جنسی نمی‌نگرد. این درست است، اما مشکل در رابطه با کسانی است که این کار را می‌کنند. به میزان بسیار زیاد آزارهای جنسی و جنایت‌های جنسی که در بسیاری جوامع اتفاق می‌افتد نگاه کنید. ما نمی‌توانیم صرفاً از طریق توسل به اخلاقیات برتر مردان و کنترل

آنان بر خود، انتظار داشته باشیم که از این اتفاقات جلوگیری کنیم. راه حل، شیوه زندگی اسلامی است که به زنان فرمان می‌دهد خود را بپوشانند و تا آن‌جا که ممکن است از تماس با مردان پرهیز کنند. همان‌طوری که یک دامن کوتاه ممکن است اینگونه تعبیر شود که « اگر مرا می‌خواهی می‌توانی مرا به دست آوری»، یک حجاب به وضوح تأکید می‌ورزد که « من برای تو ممنوع هستم». آن مرد به نظر می‌رسید که بسیار تحت تأثیر این توضیح قرار گرفته باشد، شاید به این دلیل که او مدهای تحریک کننده زنان امروزی را نمی‌پسندید. او در حالی که از من تشکر می‌کرد، قطار را ترک کرد و به من گفت که کاش وقت بیشتری برای گفتگو درباره اسلام در اختیار داشتیم. ژاپنی‌ها به طور معمول به مباحثات مذهبی عادت ندارند، اما حجاب من دری بر روی یک مکالمه درباره اسلام را گشود.

در درون خانواده‌ام، پدرم برای من احساس تأسف می‌کرد؛ چون که من سر تا پا پوشیده بودم، حتی در گرم‌ترین روزها. هرکسی در تابستان احساس گرما می‌کند، اما من حجاب را وسیله مناسبی برای پرهیز از نور مستقیم خورشید بر سر و گردن خود یافتم. شاید خویشاوندانم در دور و بر من احساس خوبی نداشتند، اما من از نگاه کردن به پاهای خواهر کوچکترم که شلوارک به تن داشت احساس ناراحتی می‌کردم. حتی قبل از گرویدنم به اسلام، دیدن شکل بدن یک زن که در لباس‌های تنگ آشکار می‌شد، مرا ناراحت می‌کرد. من حس می‌کردم چیزی را دیده‌ام که نباید به چشم می‌آمد. اگر این مسأله مرا اینگونه عصبی می‌کرد – با این که همان جنسیت را داشتم– تصور این‌که بر مردان چگونه تأثیر می‌گذاشت مشکل نیست.

برخی همسران تنها زمانی که بیرون می‌روند خوب لباس می‌پوشند و اهمیت نمی‌دهند که در منزل چگونه به نظر می‌رسند، اما در اسلام یک زن سعی می‌کند که برای همسرش زیبا باشد. یک شوهر نیز سعی می‌کند که در نظر همسرش

دلپذیر جلوه کند. این عامل زندگی مشترک را شاد و لذتبخش می‌سازد. چرا باید یک زن که همسر کسی است، سعی کند توجه مرد دیگری را جلب کند؟ او یک زن متأهل است! آیا او دوست دارد که زنان دیگر شوهرش را تحریک کنند؟ بنابراین می‌توان دید که لباس اسلامی چگونه کمک می‌کند تا ثبات خانواده حفظ شود.

این فقط زنان نیستند که به آن‌ها فرمان داده شده است که بدن‌هایشان را بپوشانند، مردان نیز باید رعایت حجب و حیا را بنمایند. حتی در حین فعالیت‌های ورزشی، مردان باید خود را حداقل از کمر تا زانو بپوشانند.

غیر مسلمانان شاید فکر کنند که مسلمانان بیش از حد حساس می‌باشند و یا تلاش آن‌ها برای پوشاندن خود، نشانه عقب افتاده بودن آن‌هاست. ممکن است آن‌ها سؤال کنند: « چرا باید بدن را در حالت طبیعی خود پنهان کنیم؟» برخی افراد از پوشیدن بیکینی برای شنا احساس شرم نمی‌کنند یا عریان در کنار دریا ظاهر می‌شوند. با این حال، پنجاه سال قبل در ژاپن حتی شنا کردن با لباس شنا بد قلمداد می‌شد. در دوران قرون وسطی یک شوالیه از این‌که نوک کفش معشوقه‌اش نمایان شود احساس نگرانی می‌کرد. این نشان می‌دهد که استانداردهای مورد قبول اجتماعی در مورد آن‌چه که باید در پرده باشد، می‌تواند تغییر کند و تغییر نیز کرده‌است. اگر شما چیزی را پنهان بدارید، ارزش آن بالا می‌رود. پنهان ساختن بدن یک زن، همان‌طور که در فرهنگ‌های مختلف جهان آشکار است، به فریبندگی آن می‌افزاید. اگر استانداردهای اخلاقی تحت تأثیر گذر زمان قرار بگیرد، تصور این‌که مردم در آینده بدون لباس در خیابان راه بروند، غیر ممکن نیست. هیچ چیزی وجود نخواهد داشت که مانع این کار شود.

و در رابطه با ما مسلمانان، خداوند برای تمام دوران معیار را ثابت گردانیده است. ما از فرمان خداوند پیروی می‌کنیم، چون آگاهیم که او خالق ماست و کسی است که

می‌داند چه چیز برای مخلوق او بهترین است.

من فکر می‌کنم، تمدن نوع بشر، زمانی شروع شد که در او یک حس شرم ایجاد گردید. اگر انسانی صرفاً به دنبال ارضای نیازها و اعمال جسمانی خود باشد و به شکل باز و در انظار این کار را بکند، او با یک حیوان تفاوتی ندارد. آیا این مسیری است که انسان مدرن در آن راه می‌پیماید؟ تنها خداوند با دانایی خود، شرایط انسان را در تمام زمان‌ها می‌داند و بنابراین برای او شیوه صحیح ظاهر شدن و رفتار در انظار را تعریف نموده است.

قدم پنجم

سه ماه پس از بازگشت من به ژاپن، من و همسرم[1] به عربستان سعودی، که وی در آن‌جا کار گرفته بود، سفر کردیم. من یک روبنده کوچک سیاه به نام نقاب آماده کرده بودم. این‌طور نیست که من کم‌کم مانند آن خواهر مصری فکر می‌کردم، یعنی این‌که روبنده بخش ضروری لباس یک زن مسلمان می‌باشد، برعکس من فکر می‌کردم که نپوشاندن صورت و دست‌ها مجاز می‌باشد. با این حال، من مشتاق بودم که به عربستان سعودی بروم و این پوشش صورت را بپوشم. کنجکاو بودم که بدانم در پشت آن چه احساسی خواهم داشت.

با ورود به ریاض، کشف نمودم که تمام زنان صورت خود را نمی‌پوشانند، غیر مسلمان‌ها بدون پوشاندن دست‌هایشان یک پارچه سیاه رنگی را روی شانه‌هایشان می‌انداختند. بسیاری از مسلمانان خارجی چادر نداشتند. با این حال به نظر می‌رسید که تمام زنان سعودی، خود را به طور کامل از سر تا پا می‌پوشانند.

---

[1]. همسرم یک مسلمان ژاپنی بود که در دانشگاه قاهره درس می‌خواند و من در پایان اقامتم در مصر با او زدواج کرده بودم.

قبلاً من تعجب می‌کردم که خواهران چگونه از پشت یک روبنده نفس می‌کشند. به نظر می‌رسید که این یک عادت باشد، یعنی زمانی که انسان به آن خو گرفت، دیگر ناراحتی نخواهد داشت. اولین باری که نقاب پوشیدم احساس خوبی داشتم، در واقع یک احساس بسیار خارق‌العاده، انگار به فرد خاصی تبدیل شده باشم. من مانند صاحب یک اثر شاهکار، احساس می‌کردم که از خوشبختی پنهان آن لذت می‌برد. من گنجی داشتم که هیچ کس از آن خبر نداشت و غریبه‌ها نیز اجازه نداشتند آن را ببینند.

در طول چند ماه اول در ریاض، تنها چشم‌های من پوشانده نمی‌شد؛ اما زمانی که من یک لباس خارجی زمستانی دوختم، یک پوشش نازک هم برای روی چشم‌ها دوختم. لباس من کامل شد و راحتی من نیز. من دیگر در داخل جمعیت احساس ناراحتی نمی‌کردم. من احساس می‌کردم که برای مردان نامرئی شده‌ام. قبل از آنکه چشمانم را بپوشانم، گاهی اوقات که نگاهم تصادفاً به نگاه یک مرد می‌افتاد، احساس ناراحتی می‌کردم. این پوشش جدید مانند عینک آفتابی از مزاحمت بصری غریبه‌ها جلوگیری می‌کرد.

یک غیر مسلمان ممکن است متوجه مرد ریشداری شود که زنی پوشیده در رنگ سیاه را به همراه دارد. چنین زوجی ممکن است کاریکاتوری از روابط ظالم- مظلوم یا مالک- مملوک، که فرض بر آن است که مشخصه رابطه بین زن و شوهر در اسلام می‌باشد، قلمداد شوند؛ اما واقعیت این است که زن احساس می‌کند که از سوی کسی که واقعاً به وی علاقه دارد، مورد احترام قرار می‌گیرد و نگاهبانی می‌شود و یا شاید بتوان گفت، شاهزاده خانمی است که از سوی نگهبان خود اسکورت می‌گردد. اشتباه است که به زنان مسلمان صرفاً به عنوان مایملک خصوصی مردان که با حسادت، آن‌ها را از چشم غریبه‌ها پنهان می‌دارند نگریسته شود. یک زن، خود را برای اطاعت از پروردگار و به خاطر وقار و غرور خود

می‌پوشاند. او از این‌که به تملک نگاه‌های خیره یک غریبه درآید یا آلت دست او شود، سر باز می‌زند. او برای زنان غربی که مانند اشیای هوسناک به نمایش گذارده می‌شوند، احساس تأسف می‌کند.

سال‌ها پیش، زمانی که یک زن مسلمان ژاپنی با یک روسری در سازمان اسلامی در توکیو ظاهر شد، یک زن مسلمان ژاپنی دیگر به او گفت که در لباس خود تجدید نظر کند؛ زیرا باعث تعجب مردم می‌گردد. تعداد بسیار کمی از زنان مسلمان در آن زمان در ژاپن سر خود را می‌پوشاندند. حال تعداد بیشتر و بیشتری از زنان ژاپنی وجود دارند که به اسلام می‌گروند و علی‌رغم شرایط دشوار، سر خود را می‌پوشانند. تمام آن‌ها تأیید می‌کنند که به حجاب خود افتخار می‌کنند و این‌که حجاب ایمان آن‌ها را تقویت می‌کند.

با نظر کردن به حجاب از خارج، شخص هرگز نمی‌تواند آن‌چه را که از داخل آن مشاهده می‌شود درک نماید. ما به این موضوع از دو منظر کاملاً متفاوت نگاه می‌کنیم. برای یک غیر مسلمان، اسلام به زندانی بدون هیچ آزادی یا رهایی شبیه است؛ اما با زیستن تحت لوای اسلام، ما آرامش، آزادی و لذتی را حس می‌کنیم که به هیچ روش دیگری قابل تجربه نیست. شاید کسی ادعا کند شخصی که با اسلام زاده شده است، اعتقاد دارد که این دین بهترین است؛ بدین دلیل که آن شیوه‌ای از زندگی است که او همیشه با آن دمخور بوده است و بدون تجربه کردن جهان بیرون در آن رشد یافته است؛ اما من کسی هستم که دین خود را تغییر داده است. من به اصطلاح آزادی و لذت‌های زندگی مردن را رها کردم و اسلام را برگزیدم. اگر این درست باشد که اسلام، مذهبی است که زنان را به استضعاف می‌کشاند، پس چرا این‌همه زن در اروپا، امریکا، ژاپن و جاهای دیگر امروزه به اسلام روی می‌آورند؟ شاید که مردم بر روی این موضوع تفکر نمایند.

کسی که تعصب او را کور کرده است، شاید قادر نباشد زیبایی یک زن را در حجاب

ببیند؛ زنی که به خود متکی است، آرامش و اعتبار دارد، و هیچ سایه یا رد پایی از ستمدیدگی بر چهره‌اش نیست. قرآن کسانی را که نشانه‌های خداوند را انکار می‌کنند نابینا توصیف می‌کند.[۱] در غیر این صورت ما به چه روش دیگری می‌توانیم عدم درک کافران نسبت به اسلام را توضیح دهیم؟

اصل مقاله به زبان انگلیسی درج شده است.

A person blinded by prejudice may not be able to see the beauty of a woman in **hijab**- a woman who is self-confident, peaceful and dignified – not a shade or trace of oppression upon her face. The Qur'àn describes those who deny the signs of Allàh as being blind.[2] How else can we explain the disbeliver's lack of understanding towards islanm?

---

[۱]. اشاره به آیه ۹ سوره یس

[2]. for example, see surah ya seen. 36:9.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. نهج‌البلاغه
۳. نهج‌الفصاحه
۴. [illegible] تهران ۱۳۸۰
۵. [illegible]
۶. [illegible]
۷. [illegible]
۸. [illegible]
۹. [illegible]
۱۰. [illegible]
۱۱. [illegible]
۱۲. [illegible]
۱۳. [illegible]
۱۴. [illegible]
۱۵. [illegible]
۱۶. [illegible]

فهرست کتاب‌های چاپ‌شده‌ی استاد حسنعلی میرزابیگی

۱- خانواده و امام خمینی (ره)
۲- زندگی شیرین می‌شود اگر???
۳- خانواده سالم
۴- مهارت‌های فصل امتحان
۵- بهداشت روانی خانواده
۶- یکصد کلید طلایی برای افزایش اعتماد به نفس
۷- رفتار با کودکان
۸- چگونه فرزند باهوش داشته باشیم
۹- پرخاشگری و راه کاهش آن
۱۰- نقش خانواده در پیشگیری از اعتیاد
۱۱- نقش تغذیه در رفتار
۱۲- نقش تغذیه در یادگیری
۱۳- چگونه بخوانیم تا بهتر یاد بگیریم
۱۴- هزار کلید تربیت
۱۵- از دبستان تا دانشگاه
۱۶- روان شناسی بلوغ
۱۷- کلید همه مشکلات
۱۸- درمان با قرآن
۱۹- دختران موفق
۲۰- پسران موفق
۲۱- تندخوانی مدرن
۲۲- برنامه‌ریزی
۲۳- تفکر مثبت
۲۴- زنان فرشته نیستند، بلکه ماوراء فرشته‌اند
۲۵- روابط عاطفی همسران
۲۶- کمرویی
۲۷- مثبت درمانی
۲۸- والدین باید بدانند
۲۹- نقش خانه و مدرسه در تربیت
۳۰- اسرار موفقیت در زندگی
۳۱- جاده‌های پیروزی
۳۲- تمرکز حواس
۳۳- مسیر تربیت و رفتار با کودک
۳۴- رشته ریاضی
۳۵- رشته تجربی
۳۶- رشته انسانی
۳۷- رشته فنی و حرفه‌ای
۳۸- بخوانید، بهتر تصمیم بگیرید، رشته ریاضی.
۳۹- بخوانید، بهتر تصمیم بگیرید، رشته تجربی.
۴۰- بخوانید، بهتر تصمیم بگیرید، رشته انسانی.
۴۱- شناخت رشته کامپیوتر و فیزیک
۴۲- تا چه اندازه رشته تجربی را می‌شناسید
۴۳- راز
۴۴- مهارت‌های زندگی شیرین
۴۵- تعلیم و تربیت در جهان (خارجی)
۴۶- پژوهش در علوم انسانی
۴۷- خانواده و بهداشت روانی کودک و نوجوان
۴۸- هنر امتحان دادن
۴۹- هوش و خلاقیت
۵۰- پدر و مادرم اگر ندانید ستاره‌ها خاموش شوند (روانشناسی)
۵۱- پدر و مادرم اگر ندانید ستاره‌ها خاموش شوند (تحصیلی)
۵۲- بلوغ اوج یا موج

۵۳- رفتار با کودک دبستانی
۵۴- روش مقابله با ترس
۵۵- یکصد کلید طلایی برای زندگی شیرین
۵۶- آشنایی با رشته‌های فنی و کار و دانش
۵۷- ۵۰ راهکار عملی برای تمرکز
۵۸- نماز آرامش روح و روان
۵۹- صدای رفتار ما
۶۰- آمار در علوم انسانی
۶۱- نقش خانواده در تربیت دختران موفق
۶۲- دختران آسمانی
۶۳- عشق و نفرت
۶۴- رازهای خواستن
۶۵- تقویت حافظه
۶۶- کنترل خشم
۶۷- ۱۰۱ راز تربیتی
۶۸- روان شناس خود باشید
۶۹- حافظه و تغذیه
۷۰- تربیت کودک
۷۱- بهترین پدر دنیا
۷۲- کلیدهای طلایی تربیت پسران موفق
۷۳- بخاطر ریحانه
۷۴- مهارت‌های زندگی در قرآن (اراده و صبر)
۷۵- زن فرشته روی زمین
۷۶- قش پدر در خانواده
۷۷- رشته‌ها را برای ورود به دانشگاه بشناسیم
۷۸- خانواده و اعتیاد
۷۹- رفتار با نوجوانان و جوانان (زیر چاپ)
۸۰- تغذیه و یادگیری
۸۱- تا این کتاب را نخوانده‌اید ازدواج نکنید
۸۲- آسیب شناسی کمال
۸۳- روان شناسی وداع
۸۴- در محضر روانشناس
۸۵- نقش خانواده در عفاف و حجاب
۸۶- نقش مادر در تربیت
۸۷- دانستنیهای تغذیه
۸۸- نقش خانواده در استعداد کودک
۸۹- نقش خانواده در سلامتی و ورزش